

یادداشت سیاسی ...

## چرا ولی فقیه خود گوید و خود خندد!

مهدی سامع

صفحه ۱



ویژه همایش  
پنجاه و پنجمین سالگرد  
حماسه و رستاخیز سیاهکل

بیانیه سازمان  
چریکهای فدایی خلق ایران  
صفحه ۳

شب همبستگی با مردم ایران  
صفحه ۵

سخنرانی زینت میرهاشمی  
صفحه ۶

سخنرانی مهرداد قادری  
صفحه ۸

عاشقانه ها  
فتح الله کیائیهها  
صفحه ۴

موج  
مرضیه احمدی اسکویی  
صفحه ۹

سرمایه داری در فاز جنگ،  
بحران هژمونی و سیاست مرگ  
گردآوری و تنظیم: اسد طاهری  
صفحه ۱۶

حرکت ماشین قتل عام به سمت  
بازداشت شدگان  
منصور امان  
صفحه ۲۹

دلنوشته سوگوارانه  
مادر جاوید نام غزل جانقربان  
صفحه ۱۳

در گذشت سراینده سحوری  
نعمت میرزازاده (م. آزر م)  
صفحه ۱۱

### در این شماره :

- |         |   |
|---------|---|
| صفحه ۱۰ | چالشهای معلمان (بهمن ۱۴۰۴) - فرنگیس بایقره              |
| صفحه ۱۴ | زنان در مسیر رهایی (بهمن ۱۴۰۴) - اسد طاهری              |
| صفحه ۱۸ | جنبش رنگین کمان بی شماران (بهمن ۱۴۰۴) - پویا رضوانی     |
| صفحه ۲۱ | رویدادهای هنری ماه (بهمن ۱۴۰۴)                          |
| صفحه ۲۳ | دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۱۴۰۴) - کامران عالمی نژاد |
| صفحه ۳۲ | یادواره شهیدان - امیر ابراهیمی                          |
| صفحه ۳۲ | شهادت فدایی در فروردین ماه                              |

اعدام؛ راهکاری  
برای بقای امنیت نظام  
اسامی ۳۳۳ تن از زندانیان اعدام شده از  
اول تا ۳۰ بهمن ۱۴۰۴  
صفحه ۱۲

## یادداشت سیاسی ...

## چرا ولی فقیه خود گوید و خود خندد!

مهدی سامع

## واقعتهای میدانی

خامنه ای بهتر از هر کس دیگر می داند که در سطح و عمق جامعه چه می گذرد. اما برای آن که بخشی از تقابل بی شکاف مردم با ولایت خامنه ای روشن باشد، توجه به چند مورد یاری کننده است.

در هفته پایانی ماه بهمن، مراسم چهلم شهیدان جاوید نام، لاله های سرخ سرزمین آفتاب و باد، با شور و خشم انقلابی و با حضور گسترده زنان و مردان شجاع در مزار شهیدان در سراسر کشور برگزار شد. زنان و مردان در این گردهماآتیاها، اندوه خود را با سر دادن شعار، نواختن ساز و دهل، آواز خوانی و رقص، اجرای سرود ای ایران، عروسی نمادین، شاهنامه خوانی و... نشان دادند. مادر شجاع جاویدنام یوسف بخشی در مراسم یادبود پسرش در چالوس در حالی که تعداد پُرشمار مردم فریاد «مرگ بر خامنه ای» سر می دادند گفت: «سرم بالاست؛ تاج انسانیت بر سر خودم و فرزندم است. به خودم می‌بالم؛ نه شرمنده بلوچم، نه کورد، نه تُرک، پسرم در راه میهن سرافراز رفت و افتخارم همیشه با اوست.» مراسم جاوید نام سپهرشکوری با نام ماندگار «سپهر بابا!» در محل مزار او در بهشت زهرا تهران همراه با موج جمعیت در قطعه ۳۲۹ با خشم و نفرت از ولایت ایران ویران کن خامنه ای برگزار شد.

روز یکشنبه ۲۶ بهمن بازنشستگان معترض در گردهمایی خود شعارهایی به شرح زیر سر دادند. «بازماندگان دی ماه همدردیم همدردیم/ قتل عام معترض محکومست محکومست/ معترض زندانی آزاد باید گردد/ فریاد فریاد از این همه بیداد/ سفره بی نان ما، رنگین شد از خون ما/ نان می خواستیم و منزلت، رگبار بستن به ملت/ همبستگی اتحاد پایان ظلم و بیداد/ مذاکره یا کشتار. اوضاع اینه ستم کار/ ظلم و ستم فراوان ما را کشاند خیابان/ مدعی عدالت تاکی دروغ به ملت.»

آوا گراوند، خواهر جاوید نام آرمیتا گراوند که در راه مدرسه توسط سرکوبگران خامنه ای به قتل رسید نوشت: «روزی در تاریخ می نویسند درد آن قدر گسترده بود که اشکها نمی دانستند بر کدام نام، بر کدام شهر، بر کدام زخم ایران سرازیر شوند»

همین چند رویداد از میان هزاران کُش مردمی در هفته آخر ماه بهمن، نشان می دهد که چرا ولی فقیه نظام خود گوید و خود خندد. او درمانده ای به شدت منفرد و منفور در جامعه است. اکثریت قاطع مردم ایران خود را در تقابل با نظام تعریف می کنند. در این مورد پزشکیان می گوید: «ما باید یک بار دیگر به خودمان نگاه کنیم، ما چه کار کردیم مردم با ما این جوری مساله دار شدند؟ چه اتفاقی افتاد و ما خودمان را از این مردم دور کردیم؟» «تلویزیون حکومتی شبکه افلاک، ۳۰ بهمن ۱۴۰۴» این را هم ولی فقیه به خوبی می داند و برای همین است که می خواهد سیمای ضحاک گونه خود را با سیلی سرخ شده از قیام پنهان کند. \*تمامی گفته های خامنه ای از وبسایت او است.

مشمز کننده و باز هم به دروغ مدعی می شود که «بچه را در بغل پدرش» کشتند.

## فاز تزویر و ریاکاری

ولی فقیه پس از فاز «دروغ و لاف» وارد فاز «تزویر و ریاکاری» می شود و می گوید: «لکن یک عده ای دیگر بودند که جزو آنها نبودند... یک دسته، نیروهای مدافع امنیت و مدافع سلامت نظام بودند؛ چه نیروهای انتظامی، چه نیروهای بسیجی و سپاهی و چه کسانی که در کنار اینها حرکت می کردند [بخوانید نیابتها از کشورهای عراق، لبنان و...]. و شهید شدند... یک دسته، رهگذرها هستند... اینها هم شهیدند... این گلوله از هر جا آمده باشد، در فتنه دشمن این اتفاق افتاده است و این دسته دوم هم شهیدند. دسته سوم آن کسانی هستند که فریب خوردند، سادگی به خرج دادند، بی تجربه بودند، با فتنه گرها همراه شدند. من می خواهم بگویم اینها هم از ما هستند... حتی کسانی که با فتنه گرها چند قدمی حرکت کردند که اینها [هم] فرزندان ما هستند...»

قتل شهروندان از جانب حکومت و به فرمان ولی فقیه آن چنان آشکار و مستند است که خامنه ای برای پنهان کردن جنایت خود، می گوید «گلوله از هر جا آمده باشد» در «فتنه دشمن» بوده است. اما کیست که نداند «هرجا» بی در کار نبوده و فقط یک جا و آن هم از جانب مزدوران چند ملیتی حکومت و به دستور شخص خامنه ای بوده است و بنابراین مسئول قتلعام شهروندان ایران فقط ولی فقیه است.

## فاز سرکوبگری

خیمینی و خامنه ای در مقایسه حاکمان دو سلسله قاجار و پهلوی بی نظیرند. فرمان قتلعام زندانیان سیاسی توسط خیمینی در دهه ۶۰ خشم و نفرت جهانی را برانگیخته است. جانشین او در روز سه شنبه ۷ تیر سال ۱۴۰۱ در یک سخنرانی گفت: «باید بدانیم خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است.» و روز یکشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۲، از جانب خدا گفت: «تو این حیاط با ۲۰ نفر از فرماندهان سپاه نماز خواندیم. بعد من نشستم روی پله، یک صحبت گرم و گیرایی کردم. قبلا هم فکرش را نکرده بودم. خدای متعال همین طور حرف می زد. در واقع، زبان من بود، حرف خدا بود. خیلی جلسه عجیبی بود. خیلی تأثیراتی گذاشت.» و اکنون و در آخرین سخنان خود گفت: «اگر از این دسته مفسد اصلی کسانی هنوز در کشور باشند که — که لابد هم هستند — اینها باید تعقیب بشوند، باید مجازات بشوند، باید محاکمه بشوند؛ ملت [بخوانید خامنه ای]، طلبکار این قضیه است. دستگاههای امنیتی و قضائی موظفند که آن کسانی را که با دشمن همراهی می کنند، همکاری می کنند، هم صدایی می کنند — چه در عمل، چه در زبان، چه در تحلیل — با اینها برخورد قضائی بکنند...» برخورد قضایی یعنی تشکیل بیدادگاههایی است که حتی «چه در زبان، چه در تحلیل» با کودتا نامیدن قیام مردمی مخالف هستند و حکومت و در راس آن خامنه ای را در «بیان و تحلیل» مسئول قاجعه می دانند.



حرفهای خامنه ای در روز سه شنبه ۲۸ بهمن، در دوره جدال میان انقلاب و ضد انقلاب، ترکیبی از دروغگویی، لاف زنی، تزویر و البته سرکوبگرانه بود. او که ایران را ویران و مردم را به فلاکت کشیده است، روی پیکره های خون آلود هزاران شهروند ایران زمین، شعر بی قافیه پیروزی می سراید. به گفته سعدی «خواجه در بند نقش ایوان است/خانه از پایبند ویران است.»

## فاز دروغ و لاف

جنبش انقلابی که از روز یکشنبه ۷ دی شروع و تا یکشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۴ با شرکت میلیونها شهروند، به طور عمده تهیدستان و فرودستان در صدها شهر در تمام استانهای کشور، جریان داشت و طی آن شهروندان خشم و نفرت خود را در بیش از هزار تجمع، راهپیمائی و تهاجم به مراکز ارتجاع، خرافات و سرکوب، نشان دادند، از نگاه خامنه ای یک «کودتا» بود که «زیر پای ملت ایران [بخوانید نیروهای سرکوبگر به شمول نیابتها] له شد.»\*

وجود افرادی مسلح در این جنبش و در مناطقی از ایران که هیچ نقشی در حکومت نداشتند را نمی توان «کودتا» نامید. کودتا توسط بخشی از نیروی نظامی حکومتی علیه حکومت و برای به قدرت رسیدن صورت می گیرد. خامنه ای آگاهانه به دروغ متوسل می شود و جنبش مردمی را «کودتا» می نامد، به همان گونه که «جنبش سبز» را «فتنه» و «انقلاب ژینا» را اغتشاش نامید که همه آنها توسط آمریکا، اسرائیل و برخی از دولتهای دیگر طراحی شده است.

به تقلید از ولی فقیه شماری از کارگزاران فرومایه در درون و پیرامون حکومت از کودتا سخن گفتند. حسن خیمینی از آقازاده های اشرافی خاندان خیمینی قیامهای ماه دی را «یک کودتای پردیسسه» خواند. از او بی شرم و دیده تر، علی خیمینی است که خامنه ای را «محبوبترین فرد در ایران» معرفی می کند. خامنه ای در فرازی از لاف زنی در مورد آمریکا مدعی شد که «این نظام در واقع رو به زوال، این امپراتوری رو به سقوط» است و در یک فقره دیگر از لاف زنی پیرامون ناوهای جنگی آمریکا مدعی شد «البته ناو یک دستگاه خطرناکی است اما خطرناک تر از ناو، آن سلاحی است که می تواند این ناو را به قعر دریا فرو ببرد.»

ولی فقیه نیروهای کودتا را «یک عده ای خود آن مفسدین و فتنه گران و کودتاچی ها بودند؛ یک عده ای آنها بودند که اجل مهلت شان نداد و به درک واصل شدند.» او به شکل

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

### به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



هرگونه بزک حکومت ساخته در کف خیابان به نمایش گذاشتند. فریاد «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» تجلی این واقعیت است که مردم ساکن در بخشهای این

سرزمین رنگین کماتی نظام ننگین ولایت فقیه را بر نمی تابند و برای تحقق آزادی و عدالت و سرنگونی ولایت جبار خامنه ای در تمامیت آن و با همه باندها و دسته بندیهای درونش، انقلاب را تمرین کردند.

توده های بیخاسته با سردادن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خوایم/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای و...

خیزش دی ماه بحران و شرایط انقلابی و روند پیشروی مبارزه برای سرنگونی رژیم را در کف خیابان عینی کرد. آنچه در خروش قدرتمند توده های به فلاکت کشیده غرش گرفت، تنفر و بیزاری همگانی از خودکامه ای تبهکار و جنایت پیشه است که سالهای ولایتش با خون مردم رنگین شده.

#### نیروه های اجتماعی شرکت کننده در خیزش دی ماه ۱۴۰۴

یک ویژگی برجسته خیزش دی ماه، گستره طبقاتی شرکت کنندگان در قیام است. این امر معلول تشدید وخامت اقتصادی و فلج شدن رژیم حاکم در برابر بحرانهایی چندگانه ای است که آفریده. خاستگاه حرکت نیروهای اجتماعی به سوی قیام اگرچه متفاوت است، اما همگی آنها در ضرورت تغییر بنیادی شرایط حاکم اشتراک نظر دارند. نیروی محرک کارگران صنعتی و خدماتی، زحمتکشانش شهری و حاشیه نشینها، کشاورزان و جوانان خارج شدن از جهنم معیشت است که زندگی آنها را به نبردی مشقت بار و غیرانسانی برای بقا بدل گردانده. آنها مدتهاست که مسیر تغییر را در خارج از نظم حاکم می بینند و جستجو می کنند. این گرایش به ویژه در شهرستانها و شهرهای کوچک، نیرومند و محرک دار است. شرکت بی سابقه ساکنان این مناطق در خیزش دی، همین واقعیت را بازگو می کند.

در سوی دیگر، اکثریت نیروی اجتماعی طبقه متوسط شامل کسبه جزء، صاحبان مشاغل کوچک، کارمندان شرکتهای دولتی و خصوصی، کارکنان بخشهای اداری که تا دیروز امید داشتند شرایط شان از آنچه که هست بدتر نشود و بتوانند سطح زندگی خود را کم و بیش حفظ کنند، امروز در نگر داشتن داشته های ناچیز خود نیز ناتوان شده اند. آنها دریافته اند چاهی که رژیم ولایت فقیه برای سقوط کیفیت زندگی شان حفر کرده، بی انتهاست. بحران معیشت پله به پله بالا آمده و در این مرحله به طبقه متوسط رسیده است.

بقیه در صفحه ۴

در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل». موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آنگونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

#### جنبش انقلابی دی ماه، قیامهای سراسری، تودش ارتش قیام و تمرین انقلاب

برای کسانی که به دستاوردها و سنتهای رستاخیز سیاهکل در پیشرفت جنبش رهایی بخش مردم ایران وفادار هستند، جای بسی مسرت است که هر کُش توده ای علیه استبداد مذهبی از جمله خیزش توده ای دی ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸، پائیز ۱۴۰۱ و به ویژه دی ماه ۱۴۰۴ همچون آفرینندگان حماسه سیاهکل از راهکار و سنت مبارزه تمام قد علیه ستم و استبداد با قبول همه هزینه های آن پیروی می کند. رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان و بیداری و روحیه انقلابی زنان و مردان ایران زمین و فداکاریهای اقشار مختلف مردم جای بسی افتخار و خرسندی برای ما است. مبارزه درخشان و ناگسستنی آنها نشان می دهد که ورد و افسونهای تخدیر کننده ای که گفتمان سازها و نظریه پردازهای رژیم حاکم بیش از چهل سال است به گوش جامعه می خوانند، بی اثر بوده است. آنها تلاش کرده اند تاریخ مبارزاتی این سرزمین و تلاشهای تاریخی فرزندان آن برای آزادی و برابری را حذف کرده و به جای آن گذشته ای بنا شده بر خرافات و روایت قدیسان و اسطوره های ساختگی بنشانند. تاریخ جایگزین آنها، تاریخ مغلوب شدگان در برابر برگزیده ها و به خاک افتادگان در برابر اربابان آسمانی است. نوبت دی ماه اما یکبار دیگر ثابت کرد که این مردم متن دیگری از تاریخ را قرائت می کنند و پشت به سنتهای مبارزاتی دارند که در هر صفحه با غرور، خون و سرفرازی گواهی شده.

راست این است که جنبش انقلابی دی ماه نتیجه انکشاف همه جنبشهای توده ای در دوران حیات رژیم ولایت فقیه است. خیزشهای دی بر این دیدگاه کارل مارکس مهر تایید زد که: «سلاح نقد به هر روی نمی تواند جای انتقاد با اسلحه را بگیرد. قدرت مادی باید به نیروی مادی سرنگون شود.» بعد از ظهر روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ بازاریان تهران در پاساژ چارسو، علاءالدین و ... همراه با چند شهر دیگر در اعتراض به سقوط ارزش ریال دست به اعتراض گسترده زدند. این اعتراض روز بعد به سرعت به گوشه و کنار کشور گسترش پیدا کرد و بخشهای گوناگون جامعه در کنار هم برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه در تمامیت آن و با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن قیام کرده تا باری دیگر مسیر پیروزی نهایی انقلاب را تمرین کنند. میلیونها تن از زنان و مردان ایران زمین طی دو هفته با گامهای استوار خیابان را از آن خود کردند و عینی ترین حقیقت جامعه ایران را بدون

در تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران، روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، به عنوان یک روز تاریخی و نقطه عطفی در مبارزه با دیکتاتوری به ثبت رسیده است. در آن روز سرد و یخبندان زمستانی در جنگلهای دیلمان، شراره های آتشی که گروه کوچکی از جوانان انقلابی برپا کردند، تار و پود جامعه را درنوردید، اندک اندک به گوشه و کنار کشور رخنه کرد و دیری نپایید که گرمای آن بر انجماد جامعه غلبه کرد، توازن «ضعف مطلق» توده ها در برابر «قدرت مطلق» دیکتاتوری شاه برهم خورد و آزادی را نوید داد.

اکنون و پس از پنجاه و پنج سال، و با گذشت یک سال پر تلاطم در سراسر میهن در بند ارتجاع و استبداد، کُش جسورانه گروه کوچکی که با خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری در شهرک سیاهکل علیه دیکتاتوری سلطنتی قیام کردند، تکثیر می شود. حماسه سیاهکل گرچه کُش نظامی کوچک بود، اما آن چنان تاثیر شگرفی در سراسر فلات آفتاب و باد برجای گذاشت که به عنوان رستاخیزی سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در سپهر جنبش کمونیستی ایران را با نام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رساند.

پس از خلع سلاح پاسگاه سیاهکل، به فرمان محمد رضا شاه، نیروهای پر شمار نظامی، آن منطقه را مورد تهاجم زمینی و هوایی قرار دادند و طی درگیریهای نابرابر پس از آن که یازده روز جریان داشت، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمعی به شهادت رسیدند و شش رزمنده دیگر به اسارت درآمدند و سرانجام و پس از شکنجه های فراوان، بیدادگاههای نظامی به نیابت از محمد رضا شاه، اسرای حماسه سیاهکل را همراه با هفت تن دیگر که در روزهای پیش از ۱۹ بهمن دستگیر شده بودند، محاکمه و در سپیده دم روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپردند.

در این روز رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شماع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی و هوشنگ نیری جان خود را برای آزادی و رهایی خلق محروم ایران فدا کردند.

#### واکنش شاه و خمینی

سازمان ما هر سال به رویکرد یکسان محمد رضا پهلوی و خمینی به خیزش سیاهکل اشاره می کند و همدستانان تاریخی شاه و شیخ را در برابر جنبشهای انقلابی، مبارزه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری و تلاش مستقل و به اتکالی اراده توده ای برای عدالت و آزادی یادآور می شود.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا،

## بیانیه سازمان...

بقیه از صفحه ۳

آنان تاکنون برملا شده، «هسته و جریان» اصلی قیامهای سراسری را «جبهه خلق» شامل نیروهای کار، فرودستان، تهیدستان، کسبه، اصناف، دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان، بازنشستگان، هنرمندان، ورزشکاران و... تشکیل می دادند.

شرکت میلیونی توده های محروم در منطقه های کارگری در تهران، از جمله در نازی آباد، شهرری و زندگی و شغل شهیدان جاوید نام به این امر گواهی می دهد:

-عبدالله فتحی منجری، ۴۷ ساله پدر سه فرزند در ۱۸ دی ۱۴۰۴ در شهر شوشتر که به ضرب گلوله ماموران حکومتی به قتل رسید، کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و یکی از همراهان همیشگی اعتراضها و اعتصابات کارگران گروه ملی فولاد بود.

-سمانه عبدی، ۲۴ ساله اهل کرج که روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، با شلیک مستقیم گلوله به قلبش به قتل رسید، فارغ التحصیل رشته حسابداری در مقطع فوق دیپلم بود و در یکی از تولیدیهای بزرگ کرج در منطقه باغستان کار می کرد. او برای تأمین هزینه های زندگی، پس از ساعات کاری نیز به عنوان راننده اسنپ فعالیت می کرد.

-مصطفی خرستدیان ۲۵ ساله و مکانیک بود که در شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی در نزدیکی ساختمان نیروی سروبوگر انتظامی رودبار در استان گیلان با شلیک مستقیم ماموران سپاه به قتل رسید.

-کریم تونی، متولد اول فروردین ۱۳۵۲ و جوشکار بود که در روز پنجشنبه ۱۹ دی در شهرک پرند در جنوب غربی تهران در حال کمک به یکی از زخمیها با شلیک گلوله به قلبش به قتل رسید.

-محسن مقیمی ۳۱ ساله، فوق لیسانس رشته تربیت بدنی که با راندگی زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کرد. وی روز پنجشنبه ۱۹ دی در شهر آبگرم قزوین با گلوله جنگی که از پشت وارد قلبش شد به قتل رسید.

-صادق قدسی، ۳۸ ساله و ایلیا قدسی، ۱۷ سال بر اثر اصابت گلوله در قلعه حسن خان (شهر قدس) تهران به قتل رسیدند. قدسی از طریق میوه فروشی روی وانت امرار معاش می کرد. تاکنون مشخص شده که دستکم سه پرستار در جریان خیزش به قتل رسیده اند. یکی از این پرستاران در کرمانشاه و در مسیر حضور در بیمارستان و یکی هم در رشت و در جریان ارائه خدمت به قتل رسیده است.

### پیشروی جامعه، خامنه ای فرمان قتل عام داد

خامنه ای که با خیزش میلیونها تن از شهروندان ایران زمین و با ابربحرانهای درگیر و از آشفتنگی در درون هرم قدرت با خبر بود، مثل همیشه فرمان به سرکوب بی امان داد. او روز شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۴، در یک سخنرانی نفرت آور و کینه توزانه با طرح دو قطبی غیرواقعی «معترض» و «اغتشاشگر» کوشش کرد که در جبهه انقلاب تفرقه ایجاد کند. سه روز بعد در روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ در فراز جدیدی از اعتلای جنبش انقلابی، بازار تهران با شعار «آزادی آزادی آزادی» بر دهان خامنه ای کوبید تا نتواند با دوگانه سازی «اعتراض» و «اغتشاش» در جبهه متحد خلق ایجاد شکاف کند. همزمان در شهرهای گوناگون خلق بپاخاسته و جوانان پیشتاز شورش را مراکز ارتجاع و ستم را به آتش کشیدند. شهرهای ملکشاهی و ابدانان ساعتها در کنترل قیام کنندگان بود.

ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم. ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواسته های ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان جنبش انقلابی کنونی به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی و عقیدتی را ارج می نهد و همبستگی خود را با آنان، به ویژه با شرکت کنندگان در کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» اعلام می کند.

با ادای احترام به خانواده شهیدان، عمیق ترین همدردی خود را با آنان اعلام می کنیم. ما نیز سوگواریم و به خود و مردم ایران تسلیت می گوئیم.

سپهفخا در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز پنجاه و پنجمین سال حیات خود، یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در مسیر هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرامی می دارد.

ما از تصمیم دولتهای اروپایی برای تروریستی دانستن سپاه پاسداران استقبال کرده و خواستار اخراج سفیران و اعضای سفارتخانه های جمهوری اسلامی و کارگزاران علنی و پنهانی جمهوری اسلامی از اروپا هستیم. ما از دولتهای اروپایی می خواهیم که هرگونه روابط اقتصادی با رژیم ایران را مشروط به لغو مجازات اعدام کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول مبارزه و قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند و کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری غیر دینی، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

ما آلتزناتیوی سازی برای مردم ایران را رد کرده و آن را ایده ای مخرب و به شدت زیانبار برای پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی کشور و منافع جامعه می دانیم. در این راستا ما در همان حال که از اعمال تحریمهای بین المللی و منزوی کردن سیاسی رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنیم، همزمان با مداخله نظامی برای سرنگونی آن مخالف هستیم. چنین مداخله ای در انتها مطامع مداخله گران و نه خواسته ها و آرزوهای دیرینه مردم ما را برآورده می کند.

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبوحانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»  
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»  
«برافراشته باد پرچم انقلاب دمکراتیک مردم ایران»

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ - ۵ فوریه ۲۰۲۶

در همین روز و در حالی که هفت حزب و جریان سیاسی در کردستان ایران برای اعتراض عمومی در روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه فراخوان داده بودند و در حالی که جنبشهای توده ای اعتلای جدیدی پیدا کرده بود، رضا پهلوی فرصت طلبانه فراخوان به تظاهرات همگانی در روزهای پنجشنبه ۱۸ دی و جمعه ۱۹ دی داد.

روز پنجشنبه ۱۸ دی شهرهای کردستان یکپارچه شاهد اعتصاب عمومی فراگیر بود. شهرهایی چون سنندج، نایسر، دیواندره، مریوان، بانه، مهاباد، کامیاران، روانسر، پاوه، قروه، ارومیه، سرپل ذهاب، ارومیه و چندین شهر دیگر به طور گسترده در اعتصاب بودند. همزمان با پیروزی فراخوان اعتصاب در کردستان، شهروندان در ملکشاهی، شهرکرد، بروجرد، آبدانان، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز و... خیابانها را به میدان نبرد برای سرنگونی نظام حاکم تبدیل کرده و سرخ ترین لحظه های تاریخ رهایی را ترسیم کردند. طی چهل ساعت در روزهای پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی، میلیونها شهروند ایران زمین دستکم در دویست شهر (بدون تکرار) به قیام برای رهایی ادامه داده و نهادهای ارتجاع و ستم را به آتش کشیدند. رژیم حاکم که آشکارا از پیش ساریوی کشتار وسیع در صورت مواجه شدن با قیام عمومی را در دستور کار داشت، با ساز و برگ نظامی و بسیج توان انسانی خود، به جنگ مردم بی دفاع رفت و به سلاخی بیرحمانه جوانان، زنان و مردان مبادرت کرد. قصابان خامنه ای همزمان اینترنت را به طور کامل قطع کردند تا جنایت شان را پنهانی ادامه دهند. اخبار تکاندنده از قتل عام هزاران تن از شهروندان به شمول کودکان در خیابانها، دستگیری چند ده هزار تن از معترضان و طراحی محاکمات صحرایی و اعدامهای دسته جمعی در زندانها به دستور اژه ای جنایتکار با عنوان «خونخواهی»، ربودن پیکر شهیدان جنبش از بیمارستانها، راهکار سرکوبگران جمهوری اسلامی برای مهار انقلاب رهایی بخش مردم ایران بود.

در حالی که ضحاک خون آشام در تدارک به نمایش گذاشتن پیکرهای به قتل رسیده بود، روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴ با عنوان «دیدار با مردم قم» به منبر روضه خوانی رفت تا بار دیگر برای مردم خط و نشان کشیده و مزدورانش را تهییج کند. او گفت: «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون چند صد هزار انسان شریف روی کار آمده و در مقابل کسانی که تخریب کردند کوتاه نخواهد آمد.»

این سخنان در شرایطی بیان می شد که مزدوران نظام با چراغ خاموش مشغول کشتار بودند. گرچه ولی فقیه با قتل عام دممنشانه و بی امان توانست خروش توده ها را مهار کند، اما نتوانست و نمی تواند این جنایت را پرده پوشی کند و البته نمی تواند شرایط و بحران انقلابی را مهار کند. ایران زمین همچنان آستان گدازه های خیزشهای دیگری است که از آتششان نابرابری، استبداد، شکاف طبقاتی، تبعیض و سرکوب، سیل وار به بیرون سرازیر خواهد شد. توده های قیام کننده در دی ماه گامهای بزرگی به سوی پیروزی انقلاب برداشتند و در جریان خیزشهای سترگ آن «ارتش و فرماندهان میدانی قیام» متولد شدند و بدین ترتیب گامهای بلندی در جهت تدارک شرایط ذهنی انقلاب برداشته شد.

### زنان و مردان ایران زمین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با اعلام نفرت و انزجار از جنایت تکان دهنده ولایت خامنه ای، سرکوبهای گسترده در جنبش انقلابی دی ماه را محکوم می کند.

## شب همبستگی با مردم ایران

همایش پنجاه و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد



رفیق کامران همچنین گفت: «در اینجا می خواهم یادای کنم از یاران دیرینه مان که امشب در میان ما نیستند و جای شان خالی ست. می خواهم به ویژه از همراه همیشگی، مهندس محسن عضدانلو، یاد کنم که خاطره حضور شریف اش، نه فقط زیر این سقف، زنده است.»



همایش با خواندن بخشهایی از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به این مناسبت ادامه پیدا کرد و آنگاه نماهنگی به یاد خیزش سیاهکل پخش شد. (متن کامل بیانیه در وبسایت «ایران نبرد» پوشش داشته و در شماره آینده ماهنامه «نبرد خلق» نیز چاپ می شود)



روز شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ (۱۴ فوریه ۲۰۲۶)، یادمان پنجاه و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل با شعار «یک سال پرتلاطم در پیکار برای انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم»، در شهر کلن - آلمان با شرکت پرشور شمار زیادی از ایرانیان آزادیخواه برگزار شد. این برنامه همزمان به طور زنده در فیس بوک نیز پخش شد.



در سخن آغازین برنامه رفیق کامران عالمی نژاد گفت: «دوستان و رفقا، به همایش پنجاه و پنجمین سالگرد سیاهکل خوش آمدید. امسال مراسم را در حالی برگزار می کنیم که قیام دی ماه را پشت سر داریم و خونهای جوان هنوز بر کف خیابان می جوشد. از این زاویه بزرگداشت روز تاریخی ۱۹ بهمن ۴۹ و یاد و نام پدیدآورندگان آن، همزمان بزرگداشت رویداد تاریخی دی ۱۴۰۴ و یاد و نام آفرینندگان اش است. چه مناسبتی واقعی تر از خروش صدها و صدهزاران که گزافه ثبات رژیم ولایت فقیه را به سُخره گرفتند، همانگونه که موج سرکش اراده گروه جنگل، از سر «جزیره ثبات» شاه گذشت و آن را درهم کوبید. دی و بهمن زیر بحران مشروعیت رژیمها علی خامنه ای و محمدرضا پهلوی، خطی به سرخی خون کشید. دی و بهمن همچنین در این اشتراک دارند که نقطه عطفی در حیات سیاسی و اجتماعی عصر خود هستند؛ دریچه های گذار به دوره ای که در آن هیچ چیز مانند گذشته نخواهد بود و آنچه که خواهد بود، از آینده الهام می گیرد.

بعد از آن، رفیق فرنگیس سروده ای از جاوید نام رفیق مرضیه اُسکویی به زبان ترکی همراه با ترجمه فارسی آن را دکلمه کرد در بخش بعدی، رفیق آرزو (دیلان) دو سرود انقلابی را به همراه یک دوست و هنرمند تک نواز اجرا کرد که مورد استقبال پرشور قرار گرفت. آنگاه مجری برنامه از رفقا زینت میرهاشمی و مهرداد قادری دعوت کرد که سخنرانی خود را ارائه دهند. (متن این سخنرانیها نیز در ماهنامه «نبرد خلق» منتشر خواهد شد)

اندوه ما به خاطر جای خالی سواران روشنایی، آنها که دلیرانه به تاریکی تاختند را یقین به راهی که گشودند و افق روشنی که نشان دادند، تسلی می دهد. از شما دعوت می کنم که برخیزیم و در ستایش شکوه مقاومت و رزم فرزندان دلیر ایران زمین کف بزنیم.»

پس از سخنرانیها، سی دقیقه تنفس اعلام شد. در بخش دوم ابتدا رفیق فتحی یکی از سروده هایش را قرائت کرد و آنگاه حاضران پرسشهای خود را از رفقای سخنران طرح کرده و با آنها به گفتگو پرداختند. همایش را رفیق فریدون با اجرای دو ترانه - سرود ادامه داد و در آخرین بخش، سرود وحدت ملل، انترناسیونال، اجرا شد.



پس از اجرای سرود انترناسیونال، هنرمند خردسال، چه گوارا، روی سن رفت و دو ترانه سیاسی در سبک «رپ» را اجرا کرد. همایش با دسته گل های تقدیمی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران مجاهدین خلق در آلمان آذین شده بود. آقای محمد قربانی، یکی از دوستداران سازمان، همچون سالهای پیش با اهدای یکی از آثار نقاشی خود به مراسم، جلوه زیبای دیگری به آن بخشید.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۶

## سخنرانی زینت میرهاشمی در پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل



این سه جریان از آستانه انقلاب مشروطه تا کنون در کشاکش با یکدیگر بوده اند تا مهر خود را بر تحولات بکوبند. به دو نکته در مورد این صف بندی باید تاکید کرد:

اول این که سه جریان را دیوار چین از هم جدا نمی کند و بین آنان جریانهای خاکستری به وفور وجود دارد و دوم این که در برخی از دورانه‌ها همسویی‌هایی بین هریک از این جریانها با دیگری وجود داشته است.

جنبش مشروطه تلاشی تاریخی برای «قانون‌مند کردن قدرت» و پایان دادن به استبداد مطلق شاه بود. هدف جنبش مشروطه محدود کردن قدرت شاه و حاکمیت قانون، مجلس منتخب، عدالت‌خانه و برابر سازی حقوق شهروندان بود. در مقابل این خواسته‌ها، نیروهای ارتجاعی صف کشیدند: شاه و دربار، بخش‌هایی از روحانیت سنتی مثل شیخ فضل‌الله نوری، مالکان بزرگ و قدرت‌های خارجی که ایران استبدادی و مستبد فاسد را ترجیح می‌دادند. به‌طور خلاصه، مشروطه با هر نیرویی که از «قانون، پاسخگویی و حق مردم» می‌ترسید، درگیر شد. در این رویارویی استبداد عقب نشست، اما «قدرت مدرن و نهادهای پایدار جایگزین آن نشد» و نزاع میان نیروهای تحول‌خواه و ارتجاع ادامه پیدا کرد. در بستر هرج‌ومرج، ضعف دولت مرکزی، نفوذ خارجی و ناتوانی مجلس و بحران اصلاحات نیمه‌تمام، رضاشاه با حمایت انگلستان به قدرت رسید. وعده نظم و نوسازی داد، اما دیکتاتوری متمرکز برپا کرد، مجلس را بی‌اثر نمود و آرمانهای مشروطه را لگد مال و قربانی اقتدار دولتی کرد. رضاشاه که با حمایت مستقیم استعمار انگلیس به سلطنت رسیده بود، در شهریور ۱۳۲۰ توسط متفقین کنار گذاشته شد و سلطنت به پسرش محمدرضاشاه منتقل گردید. این جابه‌جایی به تغییر نظام نینجامید؛ سلطنت ادامه یافت، در حالی که خواست جامعه، یعنی حاکمیت مردم — همان آرمان مشروطه — پابرجا مانده بود.

در دوران ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق قبل از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بین جریان دمکراتیک به رهبری مصدق و جریان ارتجاعی به رهبری آخوند کاشانی همسویی و هماهنگی وجود داشت، اما پس از سی تیر جریان ارتجاعی به سوی جریان وابسته که شاه نماینده آن بود چرخش کرد و در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به طور کامل با آن در یک جبهه قرار گرفت.

در برابر استبداد محمدرضاشاه، دو جریان اصلی شکل گرفت: ارتجاع بنیادگرایی مذهبی و نیروهای مترقی و عدالت‌خواه و در راس آنها سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران که دو پایه اصلی جنبش بودند. محمدرضاشاه در این کشاکش، ارتجاع را به یاری گرفت و عملاً مسیر آن را هموار کرد. این روند نهایتاً به استقرار استبداد مطلقه ولایت فقیه و شکست قیام ۵۷ و ناکام ماندن آماجهای دموکراتیک و آزادیبخش آن انجامید. چرخه‌ای که شکست مشروطه را در شکل دیگری تکرار کرد.

جریانی که امروز به اسم پهلوی برای ادامه سلطنت فعالیت می‌کند در حقیقت شکل وارونه و کمدی همان استبداد سلطنتی است که رضا شاه بنیاد نهاد و با ابتکار دولت انگلیس پس از جنگ جهانی دوم به محمدرضا پهلوی واگذار شد.

جریان پهلوی که رابطه اش را با سلطنت طلبان سنتی قطع کرده، «شبه جریان» است که تلاش می‌کند خود را به عنوان عزیز دردانه کدخدای جهان معرفی کرده و بر کُش انقلابی جامعه فرصت طلبانه سوار شود.

بقیه در صفحه ۷

درو به همه‌ی شما!

درو به شورشگران راه آزادی؛ به بازداشت‌شدگان، قیام‌آفرینان و شهیدان  
درو به زندانیان سیاسی مقاوم که زندان را به صحنه‌ی نبرد بدل کرده‌اند!

درو و ادای احترام به خانواده شهیدان و به ویژه به مادران داغدار  
«باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد

که مادران سپاه پوش

داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد

هنوز از سجاده‌ها سر بر نگرفته‌اند.» (شعر «آخر بازی» سروده زنده یاد احمد شاملو)

و اکنون مادران و پدران داغدار در سراسر این فلات دریند، رهایی را آرزو می‌کنند. از روزهای اول به قدرت رسیدن خمینی تا کشتارهای دهه شصت و از آن هنگام تا به امروز. ضحاک زمان سلاخی می‌کند، جنایت می‌کند، قتل عام می‌کند و من هنگامی که عکسهای کودکان به قتل رسیده را می‌بینم، زبانم در برابر ابعاد این جنایت ناتوان می‌شود.

«هانا» دوساله بود که خامنه‌ای فرمان قتلش را داد. او همراه مادر و پدرش، به قتل رسیدند.

«حذیفه اوستاخ» کودک ۱۱ ساله بلوچ و «نازنین زهرا صالحی»، نوجوان ۱۳ ساله کرد با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر ولی فقیه به قتل رسیدند. ملینا اسدی کودک سه ساله در کنار پدرش در کرمانشاه به قتل رسید و تا کنون می‌دانیم که نزدیک به دویست دانش آموز به شهادت رسیده اند و می‌بینیم که بسیار مادران سیاهپوش دیگر بر سر مزار عزیزان شان گریه نمی‌کنند و به جای آن شعار می‌دهند و با اندوه خود در خانه خلوت می‌کنند.

همگان بر این حقیقت آگاهند که کشتار سازمانیافته چند نسل بیان «نه» به دیکتاتوری آنانی است که برنتابیدن را بر اطاعت ترجیح می‌دهند.

پنجاه و پنج سال پیش هم گروه کوچکی از جوانان انقلابی با «نه» گفتن، تاریخ را ورق زدند و با قیام خود حماسه‌ای جاویدان را به ثبت رساندند و مادران داغدار آنان از مزارشان بی‌خبر ماندند.

۱۹ بهمن و رستاخیز سیاهکل که ما در سالگرد این حماسه تاریخی هستیم، صدای بی‌صدایان را با خلع سلاح پاسگاه سیاهکل فریاد زد و دیکتاتوری شاه به هیچ کدام از خانواده‌هایی که فرزندان شان «نه» گفته بودند، محل مزار عزیزان شان را نگفت تا هنگامی که «نه» آنها به توفان انقلاب بهمن فراروید.

حماسه سیاهکل تولد جنبش نوین کمونیستی در سپهر سیاسی ایران بود. جنبشی مستقل از قطبهای جهانی آن دوران و در شرایط انسداد سیاسی و سرکوب خشن از جانب حکومت که جامعه را به انفعال کشیده بود. متأسفانه برخی از توانان این جنبش بنا به شرایط روز، ارزشهای آن را در قالب خاطره نویسی و یا گفتگو با رسانه‌های حکومتی کتمان می‌کنند. اما سیاهکل را باید بسی فراتر از اسطوره و حماسه تاریخ دور ارزیابی کرد. سیاهکل معیار مقاومت و تسلیم ناپذیری علیه دیکتاتوری است و تا هنگامی که در بر پاشنه استبداد از هر نوع آن می‌چرخد، آفتاب کاران جنگل تکثیر می‌شود.

گفتم سیاهکل معیار مقاومت است و امروز مقاومت تغییر شکل پیدا کرده اما جوهر آن یعنی مبارزه ضد دیکتاتوری تغییر نکرده است. جنبش مسلحانه در زمان شاه بر دوش نسلی بود که سکوت نکرد، دست به سلاح برد، زیرا در برابر خشونت، دیکتاتوری عریان و سانسور، راهی جز مبارزه نمانده بود. امروز هم دیکتاتوری حاکم است. جنس دیکتاتوری تغییر کرده، از تاجدار به عمامه‌دار، اما عشق و انگیزه به کسب آزادی، برابری و عدالت اجتماعی همچنان پابرجاست. صحبت‌هایم را در مورد شرایط، نیروهای مداخله‌گر در تحولات سیاسی کشور و جایگاه خودمان ادامه می‌دهم.

قیام آفرینان دی ماه امسال فریاد سردادند که «ما می‌مانیم تا پیروزی!» گرچه تنی چند از «ما» در هاموردی با رژیم ما را ترک کردند. آنها که در دو هفته خیابان را از آن خود کردند، ادامه دهندگان رهروانی بودند که بیش از صد سال است که برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنند. پیش از این گفته ایم و اکنون تکرار می‌کنم که این مبارزه دوران ساز در شرایطی جریان داشته و جریان خواهد یافت که سه نیروی بزرگ سیاسی به این قرار در صحنه سیاسی ایران مداخله می‌کنند.

جریان ارتجاعی دینی؛ جریان برونگرایی وابسته و جریان دمکراتیک، تحول خواه و درونگرا.

## سخنرانی زینت میرهاشمی

بقیه از صفحه ۶

در سطح اعتراض باقی خواهند ماند. تجربه نشان داده که نه شکافهای درون حاکمیت، نه تغییر از بالا، و نه مطالبه سازوکارهای دموکراتیک از یک دیکتاتوری، مسیر تغییرات بنیادی را باز نمی‌کنند.

عده ای حقیقت موجود را نمی‌بینند. مدعی هستند هیچکس نیست، آلترناتیوی وجود ندارد. اما ما می‌گوییم هست. می‌توانیم در همبستگی با این آلترناتیو، در برانداختن دیکتاتوری مذهبی ولایت فقیه موثر باشیم.

ما با ایمان به اهداف رفقایمان یعنی آزادی، استقلال، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم، به مبارزه برای سرنگونی رژیم ادامه می‌دهیم.

بنا به تجربیات برگرفته از ۴۵ سال حیات رژیم جمهوری اسلامی، راهنمای عمل ما در این مسیر همکاری با نیروهای تحولخواه، دموکراتیک و انقلابی، همبستگی و همسویی با جنبشهای جاری شامل نیروهای کار، جنبش زنان، فعالیت مدافعان محیط زیست و... همچنین مرزبندی با دیکتاتوری سلطنتی است. سپاس که به من گوش کردید.



به دنبال سرنگونی رژیم شاه، صف بندی جدیدی شکل گرفت و قطب بندی میان دموکراسی تحول گرا با استبداد مذهبی شکل برجسته پیدا کرد. در این میان جریان برونگرای وابسته که نمایندگان آن در انقلاب بهمین ضربه جدی خورده بودند، برای شکل گیری جبهه خود تلاشهایی را آغاز کردند.

جریان حاکم بر اساس «ولایت مطلقه فقیه» با متکی شدن منابع نفت و سایر منابع با اقتصاد رانتی و غارتگری بر اساس نظریه «انفال» و با مشارکت سپاه پاسداران حجم اصلی سرمایه و سود را در اختیار دارد. این جریان ارتجاعی عصاره تمامی تاریخ ارتجاع در ایران است و تمامی بار منفی و تخریبی آن را در خود ذخیره کرده است.

در رابطه به صف بندیهای درون این جریان، ابتدا باید به جریان اصلاح طلبان حکومتی اشاره کرد که تلاش بیهوده ای برای «تغییر در درون» را آغاز کرد و عناصری از «برونگرایی وابسته» را با خود حمل کرد. اما در عمل خود را در جبهه ارتجاع تعریف کرد و تاکنون به جز بریدگان از این جریان، در جبهه ارتجاع قرار دارد.

خیزش دی ماه سال ۱۳۹۶ را می‌توان نقطه عبور از این توهم دانست. این خیزش حامل نفی همزمان جناحهای رسمی شریک در قدرت بود و از این جهت، پایان پروژه اصلاح طلبی حکومتی را نه در سطح شعار، بلکه در سطح اجتماعی اعلام کرد. شعار «اصلاح طلب، اصولگرا» بیان یک آگاهی سیاسی جمعی بود؛ مسئله نه درون ساختار، بلکه خود ساختار است.

در مرتبه بعد، جریان «اعتدالی» قرار دارد که برای ایفای نقش «جریان وابسته» تلاش بسیار می‌کند. این جریان در مرحله اول درصدد «مشروط کردن» ولایت مطلق فقیه است.

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده که شکافها در رژیمهای اقتدارگرا، تا زمانی که با نیروی اجتماعی سازمان یافته پیوند نخورند، نه به گذار، بلکه به بازتولید قدرت منجر می‌شوند.

جریان دموکراتیک و تحول خواه به شمول نیروهای انقلابی از تکامل مبارزه تاریخی با ارتجاع و امپریالیسم شکل گرفته و اکنون در شعار «نه شاه؛ نه شیخ» خود را نشان می‌دهد. این جریان با ارتجاع حاکم و بساط سلطنت مرزبندی روشن داشته و برای سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و برپایی جمهوری دموکراتیک و جدایی دین از دولت و نفی هرگونه تبعیض مذهبی جنسیتی و ملی قومی مبارزه ای دوران ساز را ساماندهی کرده است.

در این میان افراد و جریانهایی از دسته بندیهای درون و پیرامون حکومت به خاطر فشار جنبشها و قیامهای توده ای از نظام و به طور مشخص از ولایت خامنه ای و استبداد مذهبی جدا شده اند که باید به عنوان یکی از نشانه های تکامل شرایط انقلابی در نظر گرفته شود. این موضع گیریها در سطح نشان دهندهی فرسایش هژمونی نظام و به طور مستقیم خامنه ای است. اما این بریدگی، اگر به سازماندهی و پایه اجتماعی تبدیل نشود، به خودی خود تغییری در تعادل قوا ایجاد نخواهد کرد.

جایگاه ما مشخص است و در منشور سازمان و بیانیه های سالانه و در گزارشهای سیاسی شورای عالی سازمان به طور شفاف بیان شده است. شورای ملی مقاومت ایران که سازمان ما هم عضو آن است، به عنوان ساختاری سیاسی با سابقه ی طولانی، دارای برنامه، اساسنامه و تجربه ی کنش سازمان یافته است. فارغ از ارزیابی های متفاوت از این آلترناتیو، واقعیت این است که شورا به عنوان یک ساختار موثر سیاسی وجود دارد و نمی‌توان بحث سرنگونی را بدون در نظر گرفتن چنین جریانی پیش برد.

## جمع بندی

مساله محوری در این مرحله، نه صرفاً نفی وضع موجود، بلکه پاسخ به این پرسش است که کدام نیرو، با چه سازماندهی و چه استراتژی ای، قادر است نارضایتی اجتماعی را به قدرت سیاسی مؤثر تبدیل کند. بدون پاسخ به این پرسش، حتی رادیکال ترین مواضع نیز

## سخنرانی مهرداد قادری در همایش پنجاه و پنجمین سالگرد رستاخیز سپاهک

رققا، دوستان

با سپاس از حضورتان، خوش آمدید



سالهای پر تلاطمی را پشت سر گذاشتیم و همچنان شاهد سرکوب، کشتار و نسل کشی هستیم.

نسل کشی خلق فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری همچنان بدست صهیونیستهای اسرائیلی ادامه دارد. کشتار اطفال و مردم بی گناه غزه طی سه سال گذشته همه مرزهای فاجعه را در نور دیده. ما از آغاز این نسل کشی را محکوم کردیم و همچنان بر حق مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمینهای اشغالی، خودگردانی و حق داشتن دولتی مستقل پافشاری می کنیم. آنطور که به نظر می رسد پس از سقوط دولت بشار اسد در سوریه، اسرائیل خواهان کسترش هر چه بیشتر سرزمینهای اشغالی با یورش ارتش و با حضور شهرک نشینان مسلح می باشد. در سوریه خطر سرکوب دوباره خلق کورد روز بروز بیشتر شده و نیروهای مرتجع به سوی دامن زدن به جنگ و هرج و مرج دوباره در این کشور قدم بر می دارند.

رژیم جمهوری اسلامی این بازنده بزرگ ژئوپولیتیک با از دست دادن نفوذ در سوریه و گوشه نشینی در لبنان و فلسطین نه تنها حضور فیزیکی سپاه پاسداران و دیگر عاملان مستقیم خود را از دست داده، بلکه با سقوط دولت اسد و آخرین تحولات در روابط سوریه و روسیه و تثبیت حضور جنبی روسیه، ایران هر چه بیشتر منزوی و بیرون رانده شده.

اغلب تنها به پیامدهای سیاسی این فعل و انفعالات می پردازیم، اما در واقع جنبه اقتصادی آن که کمتر به چشم می خورد نیز نقش مهمی را ایفا می کند.

لیگاری سیاسی، اقتصادی و نظامی بنیادهای ولی فقیه و سپاه و نقش آنها کلید درک حضور رژیم ولایت فقیه در منطقه است. خامنه ای با به تباهی کشیدن زندگی مردم و سرکوب وحشیانه و بی سابقه سعی در بقای اختاپوس سیاسی اقتصادی خود را دارد. البته بسیار روشن است که عکس العمل های خامنه ای و نیروهای سرکوبگرش نسبت به قیام دی ماه امسال فقط با قدرت مردم و خطر سقوط رژیم تعریف می شود. در یک کلام ظرف چند سال جبهه مقاومت به جبهه شکست تبدیل شده.

رژیم ولایت فقیه با حضور در سوریه چشم انداز بسیار مهمی در بازسازی زیرساخت های منهدم شده در این سالها را داشت. لیگاری اقتصادی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران وجوه هنگفتی را در سرمایه گذاری های حال و آینده شان را از دست دادند.

نگاه به نقش رژیم در منطقه را نمی توان به جغرافیای خاورمیانه محدود کرد، چرا که نیروهایی که در فلج کردن نقش جمهوری اسلامی و نفوذ نیروهای نیابتی فعالیت دارند عمل شده اند یعنی اسرائیل و آمریکا، برای تضعیف رژیم به خاورمیانه بسنده نمی کنند. این به روشنی در حمله و فشار به ونزوئلا دیده می شود. حمله آمریکا و دستگیری «مادورو»، یک شبه سرمایه گذاری های جمهوری اسلامی که فقط یک پیمان همکاری ۲۰ میلیارد دلاری را شامل نمی شد بلکه در گوشه و کنار سرمایه گذاری های هنگفت دیگر نیز دیده می شدند را نابود کرد، به طور مثال بانک مشترک ایران ونزوئلا که در واقع فقط با پول های ایران عمل می کرد.

هرچند به صورت خلاصه به موقعیت جمهوری اسلامی خارج از مرزها برخورد کردیم اما روشن است که این موقعیت بدون انعکاس داخلی نیست.

نشانه بارز این هم قیام مردمی دی ماه امسال است.

نیروهایی در دنیای سیاست هم در ایران (رژیم و همپالگی هایش) و در جهان (نیروهای کمپگرا) که به طور مشخص پیروان تز «دشمن دشمن من دوست من است» هست، این قیام را نتیجه فعالیت های سرویس های مخفی اسرائیل و نقشه های امپریالیستی جلوه دادند تا حدی که شعبان بی مخ های امروزی و نه تنها آنها خواهان دخالت نظامی آمریکا شدند.

همین جا بگویم و تکرار کنیم که ما با هرگونه دخالت نظامی کشورهای خارجی مخالفیم. ما برعکس می گوئیم قیام راه گشگا و در نهایت انقلاب دموکراتیک مردم ایران، کلید آزادی و حاکمیت ملی است.

این ریزش ساختاری که امروز در ایران شاهد آن هستیم نتیجه توطئه های امپریالیستی یا نقشه های پشت پرده نیست، در واقع این نیز نتیجه عملکرد لیگاری اقتصادی سیاسی ولی فقیه می باشد. سرمایه داری رانتخواه ایران دیگر حتی برای خودی هایش هم کارآمدی ندارد. انباشت سرمایه متوقف شده و وقتی که انباشت متوقف می شود کل ساختار اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی وارد بحران می شود. ورشکستگی بانک سرمایه، نقطه آشکار این بحران بود. با پیش از ۵ میلیارد دلار ضرر و انبوهی از بدهی های بزرگ بازگردانده نشده و وام های «اهدایی» به اطرافیان و لیگاری رژیم، پروژه های غیر مولد بزرگ، شبکه های سیاسی و اقتصادی نیز زیر بار این ورشکستگی هنگفت درهم فرو ریختند.

اینها سرمایه گذاری های مولد نبودند، نه کار تولیدی می کردند و نه ارزش اضافی می آفریدند، بلکه ابزاری برای توزیع مجدد درآمد (رانت) و خودکفایی بورژوازی ایران بودند.

با شباهت زیادی به ورشکستگی بانک های آمریکایی و اروپایی در ایران نیز دولت دست نشانده این لیگاری دیده نمی توانست ورشکستگی بانک آینده را بپذیرد و سریع آن را به یک بانک دولتی تبدیل کرد و بدهی ها را جذب کرد و مبالغ هنگفتی پول برای پوشش ضررها چاپ کرد، با این وصف توانستند فقط ضررها را به جامعه تزریق کنند. این ترفند همیشگی سرمایه داری پولی و مالی است. سودها را خصوصی و ضررها رو اجتماعی می کنند.

این سیستم سالهاست که با درآمدهای نفتی خودش را نجات می دهد. دلارهای نفتی، واردات، ثبات پول و مصرف داخلی را تضمین می کردند. این درآمدها انباشت به حساب نمی آیند بلکه تنها رانت خواری هستند و تنها به صورت موقت تضادها را کم رنگ می کنند و با کمبود ارز این مکانیزم نیز از کار افتاد.

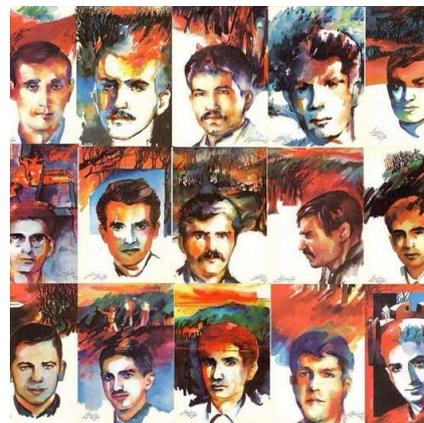
اعمال مجدد تحریم ها در سال ۲۰۱۸ توسط آمریکا بحران را روز به روز شدت بخشید. ایران دسترسی به دلار و ذخایر ارزی و کانال های مالی حیاتی خود را از دست داد. این همزمان با مشکل تر شدن فروش نفت و تعقیب هرچه گسترده تر ناوگان های سایه قاچاق نفت بود.

در یک کلام تولید ارز برای رژیم ولایت فقیه روز به روز گرانتر و از نظر اقتصادی غیر قابل تحمل می شد.

نتیجه این شرایط بالا رفتن سرسام آور نرخ تورم، سقوط ریال و نابودی قدرت خرید مردم بود. در سال گذشته ارزش ریال روز به روز پایین آمده و این خود موجب از کار افتادن اقتصاد و کاهش قدرت خرید شده است و در نتیجه دستمزدها قادر به پوشش نیازهای روزمره مردم نیست. وارد کنندگان اجناس نه تنها قادر به تعیین قیمت کالاها نیستند، بلکه قبل از فروش، سرمایه های خود را از دست می دهند. این فقط بحران تهی دستان نیست، در واقع باز تولید اجتماعی گسترده وارد بحران شده و این به بخش های سنتی اقتصاد ایران یعنی بازار و طبقات متوسط نیز سرایت کرده.

## سخنرانی مهرداد قادری

بقیه از صفحه ۸



در مقابل این شرایط فلاکت بار جامعه، رژیم ولایت فقیه منابع عظیمی از سرمایه و ارز را خرج پروژه‌های غیر مولد اقتصادی می‌کند.

ایران مال و صنایع نظامی و طرح‌های دفاعی نوعی از آن می‌باشند. این‌ها به خاطر نبودن باز تولید سرمایه است و هیچ ربطی به توسعه خارجی ندارد. در فقدان توان بازتولید ارزش، سرمایه برای خروج از بحران به هر دری می‌زند. به این صورت است که بحران اقتصادی به بحران دولت تبدیل شده است.

کمبود آب، برق، کاهش یارانه‌ها و سرکوب نتیجه ناتوانی ساختاری عمیق هستند. یارانه‌هایی چند دلاری دولت به سرعت با نرخ بالای تورم خنثی می‌شوند و این‌ها طبعاً قادر به جلوگیری از اعتراضات نیستند. تظاهرات‌هایی که همه ایران را فرا گرفت هیچ ربطی به حضور نیروهای خارجی نداشت.

این پاسخی بود به سیستمی که نتوانست استانداردهای اولیه زندگی مردم را تضمین کند، در حالی که کمک به بانک‌ها و مافیای اقلیتی ثروتمند و تحت پوشش ولی فقیه همچنان ادامه دارد.

شرایط جمهوری اسلامی شرایط یک سرمایه‌داری غیر عادی نیست و در چهارچوب معادلات کلاسیک سرمایه‌داری توضیح داده می‌شود. این تنها فروپاشی یک سرمایه‌داری ضعیف تر است که زودتر وارد بحران می‌شود. چرا که سود کمتر، ذخایر کمتر و ظرفیتی کمتر برای به تعویق انداختن تضادهای خود را دارد.

وقتی انباشت متوقف می‌شود سیستم به دلیل دشمنان خارجی از درون فرو نمی‌ریزد.

ریزش رژیم و سیستم الیگارش اقتصادی و سیاسی خامنه‌ای به این دلیل است که دیگر کارایی ندارد، حتی برای کسانی که از آن در گذشته سود برده اند، پس می‌توان به درستی گفت که قیام دی ماه نه تنها فروکش نکرده، بلکه مردم قدم به قدم به سوی انقلاب دموکراتیک پیش خواهند رفت و با هویشاری انقلابی سد راه اقدامات فریب دهنده سرمایه‌داری جهانی و ارتجاع ضد انقلابی خواهند بود.

## موج

### مرضیه احمدی اسکویی



جویبار خرد و باریکی بودم  
در جنگلها و کوهها  
و دره‌ها جاری بودم  
می دانستم آبهای ایستاده  
در درون خود می میرند  
می دانستم در آغوش امواج  
دریاها  
برای جویباران کوچک  
هستی تازه‌ای می زایند  
نه درازی راه  
نه گودالهای تاریک  
و نه هوس بازماندن از جریان  
مرا از راه باز نداشت  
اینک پیوسته ام  
به امواج بی‌پایان  
هستی مان  
تلاش و نیستی‌مان آسودن است!  
پاییز ۱۳۵۲

## عاشقانه‌ها

### فتح الله کیانیها

عاشقانه هایت را خواندم  
با رنگ خون  
بر سنگفرش سرد شقاوت  
آنجا که سنگهای نام آشنا  
زیر پتک فریب خرد می شوند.  
عاشقانه هایت را دیدم  
در لابلای کیسه های پلاستیک  
هنگام تند باد شقاوت  
که بی رحم می وزید.  
با گلوله‌ها و گلوله‌ها و گلوله  
از تفنگ شیخ و شاه  
همراه وعده های فریب آلوده صهیون  
و حنای بی رنگ امپریالیست.

پیراهنت کجاست؟  
تا پرچمش کنم  
خون سرخ ات را انقلاب  
و ماده شیران رهایی را  
طلایه داران روشنایی خورشید.

عاشقانه هایت را شنیدم  
در ترانه ی بابا  
وقتی که می خواندت.  
کجایی سپهر من  
و تو اما  
مستانه می خرامیدی.

عاشقانه هایت را گریستم  
در زیر زانوان خمیده ی مادر  
که اندوه را می رقصید.

ای کاروان پر شکوه خاوران  
رسم خونینت را می ستایم  
و عاشقانه هایت را  
که با شکوه و پر از راز  
بر گلولی خونین سپیدارهای بلند قامت دیروز  
پیوند بسته اید.

عاشقانه هایت را شنیدم  
وقتی که نه گویان  
از هفت خوان فریب، خدعه و نیرنگ  
گذشتی.

عاشقانه هایت  
سرود و پرچم فرداست،  
می دانی؟

ای عاشقان  
سرود رهایی را  
چه با شکوه خواندید.

### این سروده توسط رفیق فرنگیس باقره در سالگرد پنجاه و پنجمین همایش سپاهک قرائت شد

## پیمان کانون همبستگی ایرانیان مونیخ

### گرامیداشت پنجاه و پنجمین سالگرد حماسه ماندگار سپاهک

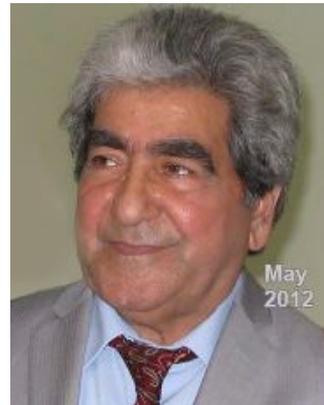
با گرامیداشت پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و حماسه ماندگار سپاهک، یاد و نام رفقای شهید سازمان را با احترام و افتخار گرامی می‌داریم؛ آنان که با جانفشانی و ایستادگی، مشعل آزادیخواهی و سوسیالیزم را برافروختند.

این روز نماد شجاعت، تعهد و امیدی است که در تاریک‌ترین روزها راه را نشان داد. این روز را به رفقای شورای مرکزی سازمان و هم‌زمان و آنان که دل در گروی آزادی و برابری دارند تبریک می‌گوییم و برای ادامه راه با همبستگی، پایدار و وفاداری به آرمانها و تاکید اصل، نه به جنگ استعماری، نه به مماشات ارتجاعی، آری به تغییر دموکراتیک به دست مردم و مقاومت سازمانیافته آن پای می‌فشاریم و با آرزوی تداوم قیام شکوهمند مردم بر سرنگونی فاشیسم دینی حاکم و تحقق آزادی و استقرار یک جمهوری دموکراتیک در ایران تاکید می‌کنیم

مقاومت زنده است آزادی در راه است



## در گذشت سراینده سحوری، نعمت میرزازاده (م. آزرَم)



با تأسف بسیار، نعمت میرزازاده، شاعر برجسته در پاریس درگذشت. زنده یاد نعمت میرزازاده که با نام ادبی «م. آزرَم» شعر می سرود، طی سالهای پیش از انقلاب از شاعران آزادیخواهی بود که با سروده هایش علیه دیکتاتوری شاه مبارزه می کرد. او عضو فعال کانون نویسندگان ایران بود و سراینده اشعار و مقاله های بسیار بود. از جمله کتابهای او، مجموعه اشعاری است که در کتاب «سحوری» برای اولین بار در پائیز ۱۳۴۹ منتشر شد و پس توقیف آن چند بار به صورت مخفی منتشر شد. اشعار این کتاب برای ساواک شاه گزنده و این سبب بازداشت زنده یاد نعمت میرزازاده شد.

م. آزرَم در دوران حیات استبداد مذهبی خمینی ساخته، مدافع آزادی و عدالت بود و پس از آغاز کشتارهای سال شصت، به فرانسه آمد و تا پایان عمر در پاریس و همچنان مدافع آزادی و عدالت بود.

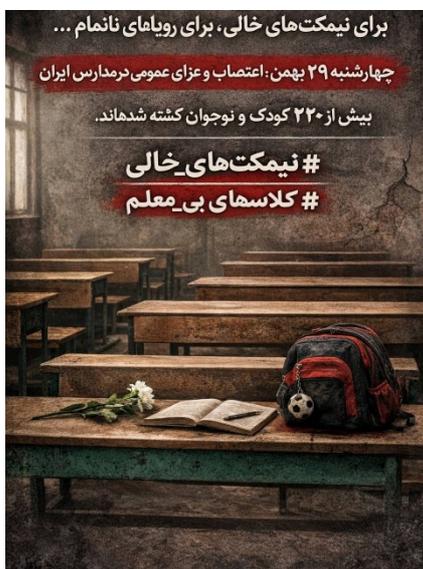
فقدان زنده یاد نعمت میرزازاده (م. آزرَم) را به خانواده و دوستان او و به جامعه فرهنگی تسلیت می گویم.

مهدی سامع / دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - ۲ فوریه ۲۰۲۶

## بازماندگی از تحصیل ۱۶۱ هزار دانش آموز در دوره ابتدایی

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد که ۱۶۱ هزار دانش آموز در دوره ابتدایی از تحصیل بازمانده اند. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در این خصوص گفت: در مجموع دوره ابتدایی، تعداد بازماندگان از تحصیل به ۱۶۱ هزار نفر رسیده که نسبت به ۱۹۵ هزار نفر در سال گذشته کاهش محسوسی را نشان می دهد. رضوان حکیمزاده به همکاری های فرابخشی برای کاهش بازماندگی از تحصیل کودکان افزود: هم افزایی میان دستگاه های مختلف از جمله وزارت رفاه، سازمان های خیریه و نهادهای حمایتی می تواند نقش مؤثری در شناسایی و رفع موانع تحصیلی داشته باشد.

## گزارشهایی از اعتصاب مدارس در روز چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴



جانباخته در اعتراضهای اخیر، از حضور در مدرسه خودداری کردند.

**گزارش سوم:** مدارس متوسطه دوم در مناطق ده، یازده و دوازده تهران، تعداد محدودی از دانش آموزان در مدرسه حاضر شدند که موجب تعطیلی مدارس شد. این در حالی است که در یکی از مدارس منطقه ده تهران، مسئولان حراست با حضور در مدرسه، از مدیریت مدرسه خواسته اند که با تماس با اولیا دانش آموزان، آنها را وادار به حضور در مدرسه کنند.

**گزارش چهارم:** تعداد زیادی از دانش آموزان خصوصاً پایه دوازدهم در مدارس شهرستان انزلی حضور پیدا نکردند. براساس گزارشات رسیده حراست اداره شهرستان بندر انزلی از معاونین آموزشی خواسته است، لیست کامل دانش آموزان و معلمان غایب را برای اداره ارسال کند.

**گزارش پنجم:** تعداد زیادی از دانش آموزان متوسطه اول و دوم در شهر گرگان در مدارس حاضر نشدند. همچنین در پی عدم حضور بسیاری از معلمان متوسطه دوم در مدرسه، حراست اداره کل آموزش و پرورش گرگان، با تهدید مدیریت مدارس، خواهان لیست کامل دانش آموزان و معلمان غایب شد.

**گزارش ششم:** مدارس متوسطه دوم در شهر بندرعباس، به خاطر عدم حضور دانش آموزان عملاً تعطیل شد. گزارش هفتم: مدارس متوسطه دوم در شهر جوانرود در استان کرمانشاه، به خاطر عدم حضور دانش آموزان عملاً تعطیل شد. همچنین مدارس متوسطه دوم در شهر ایذه در استان خوزستان، به خاطر عدم حضور دانش آموزان عملاً تعطیل شد.

## دیدار جمعی از اعضای کانون صنفی معلمان تهران با خانواده جاوید نام علی رضا انصاری فر

روز دوشنبه ۲۷ بهمن، جمعی از اعضای کانون صنفی معلمان تهران، با خانواده معلم سرافراز علی رضا انصاری فر که در اعتراضهای دی ماه به وسیله نیروهای حکومتی به قتل رسیدند، دیدار داشتند.



در این دیدار ضمن گرامیداشت نام و یاد همه دانش آموزان و معلمان جانباخته در اعتراضهای اخیر، بر تلاش تشکل های صنفی معلمان در ثبت اسامی این عزیزان تأکید شد.

در این دیدار خانواده جاوید نام انصاری فر توضیح دادند که باوجود مرگ مغزی عزیزشان و تلاش برای اهدا عضو و کمک به بیماران نیازمند و با وجود علاقمندی خود مرحوم انصاری فر برای اهدا عضو (در زمان حیات فرم اهدا عضو را پر کرده بود) در شرایط خاص، هیچ همکاری در این زمینه انجام نشده و عملاً نیروهای حکومتی مانع این خواست خانواده و انجام عمل انسانی شده اند.

(منابع مورد استفاده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، شورای بازنشستگان ایران، ایلنا، هرانا، ایرنا)

**گزارش اول:** در پی فراخوان شورای هماهنگی برای اعتصاب در مدارس، به منظور گرامی داشت یاد دانش آموزان و معلمان جانباخته و اعتراض به نیمکتهای خالی از حضور آنان، سیل گسترده ای از پیامها و گزارشهای دانش آموزان و معلمان از سراسر کشور به شورای هماهنگی رسیده است. گزارشهایی از مناطق مختلف استان تهران و البرز به شورای هماهنگی رسیده است که مدارس دوره متوسطه دوم در شهرهای شهریار، اسلامشهر، کرج، فردیس و ... عملاً تعطیل بوده اند.

این پیامها به روشنی نشاندهنده شکل گیری همبستگی و انسجامی کم سابقه در بدنه آموزش و پرورش است؛ اتحادی آگاهانه و ریشه دار که نویدبخش برگزاری اعتصابی سراسری، گسترده و قدرتمند در روز آینده است.

آنچه امروز در مدارس جریان دارد، صرفاً یک اعتراض صنفی نیست، بلکه پاسخی جمعی به رنجی مشترک و فریادی علیه فراموشی است؛ فریادی که با تعطیلی کلاسها و خالی ماندن آگاهانه نیمکتهای، به نمادی از مطالبه گری و مقاومت مدنی بدل خواهد شد.

**گزارش دوم:** مدارس متوسطه دوم در شهری، بهارستان، پاکدشت، ورامین، اسلامشهر بدون حضور دانش آموزان، عملاً تعطیل شده است.

دانش آموزان مدارس متوسطه دوم در شهرک اندیشه نیز در فاز یک، دو و سه و در تکریم و پاسداشت دانش آموزان

## چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۰

## یک مجلس نشین: حدود ۱۷ درصد از معترضان نوجوان بوده اند

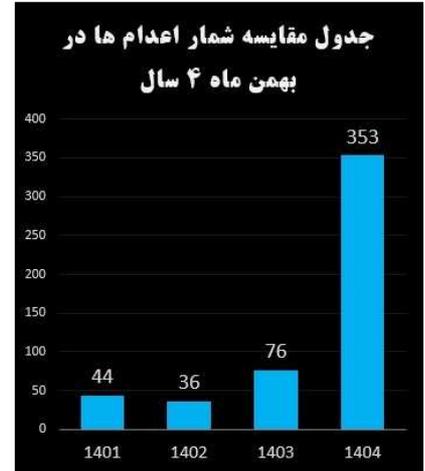
احسان عظیمی راد، سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: متأسفانه در ایام اخیر و اغتشاشات دی ماه در کشور، با موضوعی بسیار تأسف آور مواجه بودیم و آن این است که به طور متوسط و میانگین در سطح کشور اعلام شد که حدود ۱۷ درصد افرادی که در اغتشاشات و اعتراضهای شرکت کردند، از نسل نوجوان ما بوده اند که طبیعتاً عمده آنان دانش آموزان عزیز ما هستند.

وی عنوان کرد: در برخی از استانها حتی تا ۴۵ درصد جمعیت قشر زیر ۲۰ سال یعنی نسل نوجوان و جوان ما گزارش شده است. حتی شنیده ام در بعضی از مدارس یک کلاس به صورت کامل در این اغتشاشات شرکت کرده بود؛ یعنی تا این حد وضعیت به نظر من مطلوب و خوب نیست. بنابراین باید حتماً برنامه وزارتخانه را در این زمینه بررسی کنیم و ببینیم چه تدابیری اندیشیده شده است.

## اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

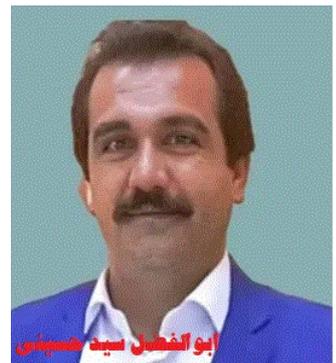
اسامی ۳۳۳ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

ماشین اعدام خامنه ای در بهمن ماه، در ۳۱ استان و ۶۵ شهر دستکم ۳۵۳ قربانی گرفت. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران



@mojahedin\_org

علی حقیقت دوست در لاهیجان/ هیرمان صدی در مهاباد/ مجید سهرابی در ملایر/ کورش نیری در یزد/ اسحاق میری در جیرفت/ مرادبیگ حقیقت در بیرجند/ پویا لشنی در سبزوار/ خلیل همتی در شیراز/ فرهاد و احمد حیدری در کرج/ فرهاد کریمزاده/ بیوک نامور زاده در تبریز/ علی محمد پور در قوچان/ ناصر شهمرادی و احمد برهانی در گرگان/ رضا سقایی در سبزوار/ ابوالفضل سیدحسینی در ساوه/ ابوالفضل لرنی و احمد ارزانی در اصفهان/ طالب هجرتی پور در سنندج **۲۶ نفر**



سرلک در دورود/ امیرحسین فغانی در کاشان/ داریوش مهرانی در کرمان **۹ نفر**

**سهشنبه ۷ بهمن:** مهدی بلالی در اهواز/ عباس کریمی در برازجان/ قیاد فتحی در ایلام/ مجتبی عزیزی در خواف/ خداکرم مرادی در بیرجند/ رجب علی نورزاد در رشت/ کریم انحصاری در یزد/ مهران اخباری در جیرفت/ سنجر دولت رشید در بم/ جواد حقیقت و ابوالفضل بیگ محمدی در زنجان **۱۱ نفر**

**چهارشنبه ۸ بهمن:** فواد امینی در مهاباد/ سجاد خانی در اسفراین/ فرهاد نمازی در سبزوار/ نیما افشاری در ملایر/ خسرو پزشکی در دامغان/ درویش عباس یادگاری در کاشمر/ حسین موسوی در شهر کرد/ مختار حسینی در بوشهر/ عرشیا چنگی در شیراز/ آرمین آقاپور در مشهد/ حمیدرضا ثابت اسماعیل پور/ سعید ملیکان در کرج/ هاشم عباسی در اهر/ امیر روحی در کرمان/ امیرحسین توکلی زانیانی در شهر کرد/ سیف الدین مهربان و نامق کسروی در شیراز **۱۷ نفر**

**پنجشنبه ۹ بهمن:** سوران احمدی در بوکان/ هوشنگ خالصی در بهبهان/ یونس سلامی در فردوس/ تورج نورافکن در ساری/ حامد چراغی در ماهشهر/ نصرت اسدی در بجنورد/ گلمراد آقایی در گناباد/ یاسر بابا کوهی در تایباد/ اردشیر مولایی در کرمان/ کاوه حسینزاده در یزد/ سعید امجدی، رحیم میرزازاده و ابراهیم عباسی در شیراز/ مراد عزیزی و کریم نذری در تایباد **۱۵ نفر**

**شنبه ۱۱ بهمن:** احمدرضا دریکوند در خرم آباد/ کیارش زکی پور در کرج/ شهاب بروجردی در الیگودرز/ جهان آزادبخت در دزفول/ مختار نوری در زاهدان/ حسین دولتشاهی در نهاوند/ صمد بهرامی در یاسوج/ محمد جواد نامداری در کرمانشاه/ دلاور اشرف آبادی در همدان/ هادی لشنی در ایرانشهر/ حاتم شمشیری/ مهرداد سیاحی و عارف هاشمی و مهناز روشنی در اصفهان **۱۴ نفر**

**یکشنبه ۱۲ بهمن:** شهریار فراهانی در اراک/ منوچهر مهربانی در نایین/ ناصر حسینی در قزوین/ بهروز حضرتی در اردبیل/ فردین کلامی در قم/ محمدعلی مریدان در بروجرد/ امین نصیری در سنندج/ سجاد دوستی در نوشهر/ پیمان شبیری در تبریز/ حکمت دریایی در بندرعباس/ مصطفی میناوند در سمنان **۱۱ نفر**

**دوشنبه ۱۳ بهمن:** حسین نجار در گرگان/ باقر محبی در نیشابور/ آرین شوخی در قائمشهر/ محمد جامع شورانی در دورود/ مهدی پورشهناز در زنجان/ یاشار رضایی در کاشان/ سهراب رفعتی در ساوه/ شریف مردانپور در کرمان/ ستار خالوند در اصفهان/ آرمان کوشکی در نوشهر **۱۰ نفر**

**سه شنبه ۱۴ بهمن:** سعید روحانی در سیرجان/ ایوب لشکری در رشت/ بهرام بنی اسد در اهواز/ هدایت میرزایی در برازجان/ افشین ملکی در ایلام/ طهماسب مهرجو در خواف/

**چهارشنبه ۱۵ بهمن:** جعفر شهری در گناباد/ خان مراد عزیزی در تایباد/ هومن مومنی در اسفراین/ مراد حسن در کاشمر/ امیرحسین نوروزی در فردوس/ مسلم الماسی در ساری/ حامد نیکتاج در ماهشهر/ ایوب مشهدی در بجنورد/ شروین یاری در بهبهان/ کوشا مرادی در بوکان/ پرهام فردوسی در شهر کرد/ محرم عبدی در بوشهر/ حسن علایی بخش، بختیار شهابی و ایرج مصطفوی در گرگان. **۱۵ نفر**

**پنجشنبه ۱۶ بهمن:** فریبرز مهتری در دامغان/ حجت منصور در چابهار/ اسکندر پشتکار در مشهد/ مرادحسن (فامیل نامشخص) در کاشمر **۴ نفر**

## اعدام؛ راهکاری

بقیه از صفحه ۷

## دلنوشته سوگوارانه

## مادر جاوید نام غزل جانقربان



جاوید نام غزل جانقربان

یک ماه گذشت...  
 یک ماه از شبی که زمان برای من ایستاد.  
 غزل من، دختر من، همه دنیای من، میان من و باباش  
 قدم می زد...  
 امن ترین جای دنیا.  
 سه گوی آتشین آمد، بی هوا، بی رحم، بدون خطا.  
 به کمر، پهلوی و پاهایش خورد و فقط گفت:  
 «آخ بابا...»  
 و من هنوز هر شب با همین دو کلمه می میرم.  
 غزل تک فرزندم بود.  
 همه آینده ای که برایش خواب دیده بودم، همان جا روی  
 زمین افتاد.  
 لباسی که آن شب تنش بود، هودی که بوی خودش را  
 می داد،  
 با سوراخی از سرب داغ... الان بوی خون می دهد  
 قبل از اینکه از من جدایش کنند، برداشتمش.  
 حالا هر شب بغلش می کنم،  
 بو می کنم،  
 گریه می کنم،  
 و با خودم فکر می کنم چطور ممکن است مادری نفس  
 بکشد وقتی فرزندش اش دیگر نفس نمی کشد؟  
 برای شما یک ماه گذشته،  
 برای من اما هنوز همان شب است.  
 هنوز همان «آخ بابا».  
 من مانده ام و تنها یادگاری تو «لثو»، که هنوز منتظر  
 برگشت تو هست...  
 من مانده ام و گلپای قشنگی که با دستان هنرمندت  
 درست کردی...  
 و من مانده ام، بدون تو و یک دنیا خاطره...

در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۴، در اصفهان، در بستر خشک رود  
 زاینده رود، دختری به نام غزل جانقربان در میان  
 معترضان با شلیک گلوله بر زمین می افتد و خون این  
 دختر ۱۵ ساله بر بستر رود جاری می شود.  
 غزل ۱۵ سال و ۶ ماه سن داشت که از پشت به او شلیک  
 شد.  
 غزل تنها فرزند پدر و مادرش بود.  
 منبع: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان  
 ایران

**دوشنبه ۲۷ بهمن:** خسرو رفیعی در قوچان / محمد  
 رودباری در قائمشهر / مولا شیخی در نیشابور / بیگی در  
 دورود / علی موسوی در اصفهان / سجاد مشکینی در  
 زنجان / وحید براتی در ساوه / جمال حسینی در گرگان /  
 کوروش عزیزی در کرمان / رضا حاتم زاده در کاشان / **مینا  
 نصیرپور** و صادق منافی در تبریز **۱۲ نفر**

**سه شنبه ۲۸ بهمن:** احمد شهبازی در سیرجان / صفر  
 فرهادی در رشت / قاسم امرایی در ایلام / علی قشقایی در  
 برازجان / مجتبی دهقان در جیرفت / محمدباقر جمشیدی  
 در اهواز / حمید مردان پور در بم / ناصر جابری در یزد /  
 جعفر فاطمی در خواف / نورالله تبری در بیرجند / محسن  
 سیدی و رسول خانی در شیراز **۱۲ نفر**

**چهارشنبه ۲۹ بهمن:** خشایار میری در کرج / دوشنبه  
 تاجیک در چابهار / خدایار جهان تیغ در کاشمر / مرتضی  
 افراشته در مشهد / جلیل شمسی در دامغان / صفا رجبیان  
 در گناباد / عماد زیدی در بوشهر / یاسر قاسمی در شهرکرد /  
 مجتبی افشار و سجاد احمدی در ملایر / میثم رتوفی در  
 سبزوار / محمد توکلی در مهاباد / اسماعیل کلهری در  
 لاهیجان. **۱۳ نفر**

**پنجشنبه ۳۰ بهمن:** رحمان عمری در اسفراین /  
 مهرشاد پنچی در ساری / فارز بابایی در بوکان / علی جعفر  
 صادقی در بهبهان / میلاد قانندی در ماهشهر / رحیم  
 مشایخی در فردوس / حسن امانی ناروی در سرخس /  
 مختار عزیزیان در بجنورد / نصرالله شنبه زهی در زاهدان /  
 جواد زارع (کشانی) در تربت حیدریه **۱۰ نفر**

## جامانده از ماههای پیش در سال ۱۴۰۴

**چهارشنبه ۱۷ مرداد:** شهاب کرمی  
**دوشنبه ۲۸ مهر:** نعمت مهربان در قائمشهر

**چهارشنبه ۷ آبان:** پیام نوری

**یکشنبه ۱۱ آبان:** یوسف عینی

**چهارشنبه ۲۱ آبان:** امید حاتمی

**دوشنبه ۲۶ آبان:** عظیم نورزاد

**چهارشنبه ۲۸ آبان:** سمیر عجم لو

**دوشنبه ۱۰ آذر:** نوشاد علیپور

**چهارشنبه ۱۲ آذر:** قربان رشیدی در لاهیجان

**دوشنبه ۲۴ آذر:** کورش زمانی در لاهیجان / میثم  
 رفیعی

**چهارشنبه ۲۶ آذر:** ایمان نجاتی در لاهیجان

**دوشنبه ۸ دی:** جابر محمدی

**چهارشنبه ۱۰ دی:** کیانوش رستمی

**پنجشنبه ۱۸ دی:** اصغر کفافی، شاهین بی باک و  
 محمد ملکی زاده در شیراز

**یکشنبه ۲۱ دی:** بنیامین نوبخت و علی اسدیپور در  
 سمنان / علی شاهقلی و سیامک روزبه در قم

**دوشنبه ۲۲ دی:** شهرزاد حسینی

**دوشنبه ۲۹ دی:** بهزاد رنجبر و جهانگیر فزازی در  
 سمنان

**شنبه ۱۸ بهمن:** فرشاد شیخی در کرج / آوین سرخی در سندج /  
 جعفر فریادی در دزفول / علی سرلک آباد در الیگودرز / سوشا مرادی  
 در کرمانشاه / بهزاد مشایخی در یاسوج / محمد علی سعیدلو در نهاوند /  
 مراد گلی در زاهدان / ابوالفضل نقوی در همدان / بابک امرایی، علی  
 فضا خوش نشین و محمدقاسم امرایی در خرم آباد / علی میردار در  
 گرگان / مراد ساحلی در زاهدان / فرهاد شیخی در کرج / مختار عطایی  
 و بهرام چمنی در خرم آباد **۱۷ نفر**

**یکشنبه ۱۹ بهمن:** خالد حسینی در نوشهر / مهدی جعفریان در  
 اردبیل / عباس خردبین در سمنان / شاه میرزا قائد رحمتی در بروجرد /  
 رحمان نجفی در اراک / نظام تاجیک در بندرعباس / یونس باقری در  
 تبریز / پارسا تقی زاده در قزوین / دانیال عبدی در قم / حمید کاریایی  
 در نایین / امرالله سجادی و سیدناصر عیوضی در اهواز / هادی مومنی  
 و شهریار ویسی در کرمانشاه

**۱۴ نفر**

**دوشنبه ۲۰ بهمن:** شایان توجیهی در قائمشهر / روزبه امانت  
 دوست در قوچان / محمد زالی تبار در گرگان / عابدین احمدی در  
 نیشابور / محسن رضایی در دورود / کریم جوادی در زنجان / **شهلا  
 دولت آبادی** در کرمان / هوشنگ شوخی در ساوه / کیوان اکبری در  
 اصفهان / صید علی کلامی در کاشان **۱۰ نفر**

**سه شنبه ۲۱ بهمن:** کاظم فرجی نژاد و طه شیرزاد در ساری / پیروز  
 پیروانی در شیراز / رجبعلی آرای در سبزوار / افشین قبری در یزد / ایوب  
 صرفی در خواف / محمود نیازی در لاهیجان / یدالله مختاری در  
 سیرجان / مجتبی بارانی در رشت / علی بازگان در چابهار / مهرشاد  
 علی نیا در دامغان / امین ترکمان در ملایر / تقی زالپور در مهاباد / مراد  
 جهرمی در جیرفت / جواد نجار در اهواز / سینا ملکی در برازجان /  
 محمدکرم جعفری در ایلام / فریبرز سلجوقی در بم / غلام حسینی در  
 بیرجند / محمدشاه رشیدی و علی داوطلب در کرج **۲۱ نفر**

**پنجشنبه ۲۳ بهمن:** حسن کمره‌ای در گناباد / رضا براتی در  
 کاشمر / درویش علی امامی در مشهد / محمدرضا عبداللهی در ساری /  
 پیمان خانی در فردوس / پنجعلی ابراهیمی در ماهشهر / آقاپور در  
 بجنورد / امیرحسین قدمی در بهبهان / کیارش لشگری در بوکان /  
 کیهان روزی در اسفراین / سعید آدینه در شهرکرد / آرش داوری در  
 بوشهر / نیما جعفری زیر شکنجه در بندرعباس **۱۳ نفر**

**شنبه ۲۵ بهمن:** ولی الله عبدولی در دزفول / آریو مقدم در کرج /  
 توماچ چگنی در خرم آباد / گودرز مخبر در سندج / یک زندانی در  
 زاهدان / قربان موسیوند در نهاوند / موسی نجات پور در همدان / خیدان  
 احمدی در کرمانشاه / کرمنشاه ساکی در الیگودرز / پوریا شفیعی در  
 یاسوج / سلمان محمدی در ایرانشهر / کریم گرابی در تایباد **۱۲ نفر**

**یکشنبه ۲۶ بهمن:** سیروس علی زاده در نوشهر / امیر حسین خان  
 محمدی در بندرعباس / سهراب دایی در اردبیل / **عصمت نجفی** در  
 قم / ساسان پازوکی در سمنان / علی اشرف رحمتی در بروجرد / علی  
 نوری در نایین / فرود خلیلی در اراک / حسن دوستی در تبریز / مصطفی  
 چشمی در قزوین / فرزاد فضلی و داوود غفوری در قم / رضا کرمی در  
 دورود / اصغر اسماعیلی در شیراز / عرفان صالحی و اصغر فتحی در  
 اصفهان / نوید شبانیان در کاشمر **۱۷ نفر**

## زنان در مسیر رهایی (بهمن ۱۴۰۴)

اسد طاهری

اما تاکید می‌کند که «در دوران گذار، اشتباه پیش می‌آید». او همچنین می‌گوید یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات رئیس‌جمهور این بوده که زنان بیشتری به کابینه نیاورده است، هرچند، به گفته او، وعده داده شده که این کار انجام خواهد شد.

در کابینه ای که بیشتر از یاران نزدیک رئیس‌جمهور و چند مبارز سابق تشکیل شده، او باید با چالشهای بزرگی دست و پنجه نرم کند.

### روشن کردن سیگار با آتش عکس خامنه‌ای



شیوه‌های منحصر به فرد زنان ایران در مبارزات شان با حکومت از بریدن مو و سوزاندن روسری فراتر رفته است؛ این‌بار با لپهای خونین به خیابان می‌آیند، مقابل ماموران سرکوب حرکات ژیمناستیک انجام می‌دهند و با آتش عکس خامنه‌ای سیگارشان را روشن می‌کنند.

امید سرلک، مرد جوان ساکن الیگودرز در غرب ایران، در آبان ۱۴۰۴، ویدئویی از خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که او را در حال آتش زدن عکس علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نشان می‌داد. تنها ساعاتی پس از انتشار این تصاویر، جسد او در حالی که به ضرب گلوله کشته شده بود، در خودروی شخصی اش پیدا شد.

صمد پورشه، زندانی سیاسی پیشین، در همان ماه در اعتراض به کشته شدن «امید سرلک» اقدام مشابهی انجام داد و بار دیگر عکس علی خامنه‌ای را سوزاند. تنها ساعاتی پس از انتشار ویدئوی او، ماموران امنیتی به خانه‌اش در شهر یاسوج واقع در غرب ایران حمله کردند. او در خانه نبود و دستگیر نشد؛ اما از همان زمان به صورت مخفی زندگی می‌کند.

پیش‌تر نیز قاسم بهرامی، شاعر منتقد ایرانی، در شهریور ۱۴۰۰ به دلیل به آتش کشاندن عکس علی خامنه‌ای، از سوی ماموران حکومتی شهر مشهد، محل سکونتش دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. برای مدت دو ماه کسی از سرنوشت او اطلاعی نداشت.

با این وجود به نظر می‌رسد واکنش خشن نیروهای امنیتی ایران به این شکل از اعتراض، نه‌تنها خللی در عزم زنان ایران در اعتراضات شان ایجاد نکرده بلکه مبارزات شان را رادیکال‌تر کرده است.

زیرا در روزهای اخیر و همزمان با دور جدید اعتراضات سراسری در ایران که از (۷ دی ۱۴۰۴) با خشم مردم نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی آغاز شد، تصاویر زنان جوانی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نه‌تنها عکس رهبر جمهوری اسلامی را می‌سوزانند، بلکه با آتش آن، سیگارشان را روشن می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۵

نخست‌وزیر ژاپن به همراه بیش از ۵۰ نماینده زن پارلمان این کشور کارزاری را برای افزایش تعداد سرویسهای بهداشتی زنان در پارلمان آغاز کرده است. آنها می‌گویند افزایش شمار نمایندگان زن باعث صفهای طولانی مقابل دستشوییها شده است.

طبق دادخواستی که توسط نمایندگان زن پارلمان ارائه شده است، در مجلس نمایندگان ژاپن که همچنان نهادی عمدتاً مردانه محسوب می‌شود فقط دو کابین سرویس بهداشتی برای ۷۳ نماینده زن وجود دارد.

سانا تاکاچی، نخست‌وزیر ژاپن و نخستین زن در تاریخ این کشور که به این سمت رسیده است، یکی از ۵۸ قانون‌گذاری است که از این درخواست حمایت کرده است.

طبق اعلام حزب دموکرات اساسی (اپوزیسیون)، این طرح از نمایندگان هفت حزب و همچنین نمایندگان مستقل حمایت گرفته است.

ياسوكو كوموياما، نماینده زن حزب دموکرات قانون اساسی گفت: «پیش از آغاز جلسات علنی، تعداد بسیار زیادی از نمایندگان زن مجبورند در صف طولانی مقابل سرویس بهداشتی زنان بایستند.»

ژاپن کشوری با فرهنگ محافظه‌کارانه است که سیاست و محیط‌های کاری آن سالها تحت سلطه مردان مسن بوده است.

این کشور همچنان رتبه پایینی در شاخص جهانی شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد دارد و در آخرین گزارش در رتبه ۱۱۸ از میان ۱۴۸ کشور قرار گرفته است.

### هند قبوات، تنها وزیر زن سوریه: «برای تزئین اینجا نیستیم»



هند قبوات می‌گوید: «در همان روز اول پرسیدم چرا زنهای بیشتری در کابینه نیستند؟» او وزیر امور اجتماعی و کار سوریه است؛ تنها زن در کابینه انتقالی که وظیفه دارد کشورش را از مسیر پرنسنگلاخ جنگ به طرف صلح هدایت کند.

خوشونت‌های فرقه‌ای، که هزاران کشته به جا گذاشته، ماههای نخست قدرت گرفتن این دولت را خدشه‌دار کرده و بسیاری از اقلیت‌های سوریه نیروهای دولتی را مقصر می‌دانند.

خانم قبوات، که زمانی از رهبران مخالفان در تبعید بشار اسد بود، اذعان می‌کند که دولت از زمان ورود نیروهای شورشی به رهبری رئیس‌جمهور احمد شرع به دمشق در ۸ دسامبر ۲۰۲۴، که به دهه‌ها دیکتاتوری خشن خانواده اسد پایان داد، اشتباهاتی داشته است.

### رسانه های حکومتی و تبعیض جنسیتی

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

مواجهه اقتصادی: چرا زنان برای کار یکسان دستمزد؟

عصر رسانه: بیکاری دو برابری زنان نشانه یک اختلال مزمن اقتصادی. زنانه شدن فقر زیر سایه تورم و بیکاری.

### زنان سوئیس: زنان خاورمیانه تنها نیستند



زنان اعتصاب کننده در سوئیس با انتشار بیانیه ای، مواضع خود را درباره تحولات خاورمیانه و وضعیت زنان در این منطقه اعلام کردند. این بیانیه روز پنجشنبه ۲ بهمن منتشر شده و بر آنچه «افزایش خشونت، جنگ و سرکوب» علیه زنان در خاورمیانه خوانده شده، تمرکز دارد.

در این بیانیه آمده است که گروههای مختلف قومی و مذهبی از جمله کردها، علویان، دروزیها و مسیحیان در سوریه با جا به جایی اجباری رو به رو هستند و زنان به طور ویژه تحت تأثیر این وضعیت قرار دارند.

جنبش اعتصابی زنان سوئیس همچنین به توافقهایی منعقد شده در ماههای مارس و آوریل گذشته میان دولت موقت سوریه و نیروهای سوریه دموکراتیک اشاره کرده و آنها را بستری مهم دانسته و از طرفهای درگیر خواسته است به مفاد این توافقها پایبند باشند.

در بخش دیگری از بیانیه، به شعار «زن، زندگی، آزادی» و نقش آن در اعتراضهای زنان در ایران و شرق کردستان اشاره شده است. همچنین از شماری از چهره‌ها و رویدادهای مرتبط با مبارزات زنان، از جمله کشته شدن مهسا ژینا امینی و پیامدهای آن، یاد شده است.

### نخست وزیر ژاپن به کارزار «افزایش توالتهای ویژه زنان» در پارلمان پیوست



## زنان در مسیر رهایی

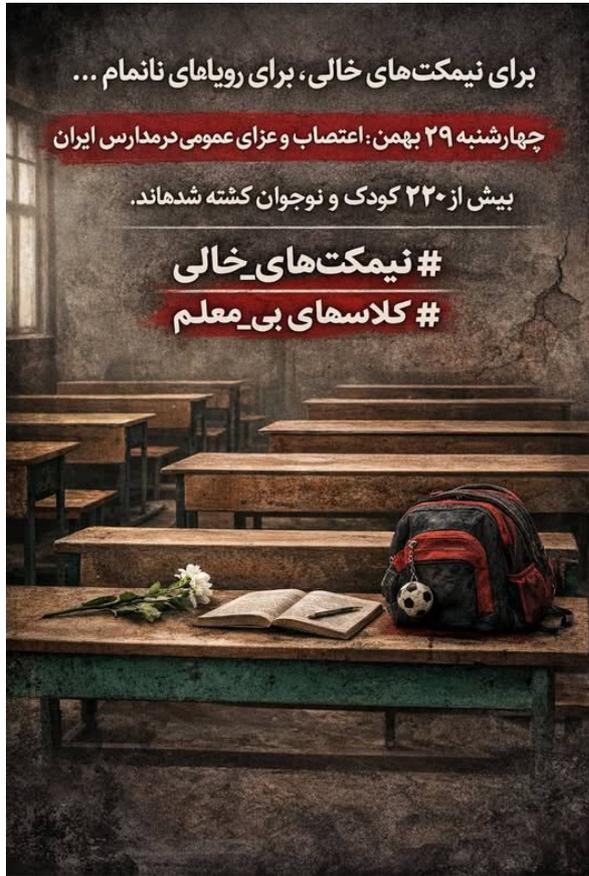
بقیه از صفحه ۱۴

## برای نیمکتهای خالی، برای رویاهای ناتمام...

چهارشنبه ۲۹ بهمن: اعتصاب و عزای عمومی در مدارس ایران. بیش از ۲۳۰ کودک و نوجوان کشته شده‌اند.

امنیت، کرامت و حق زندگی دانش‌آموزان را نمی‌توان به تعویق انداخت. ما نیمکتهای خالی را عادی نمی‌کنیم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



گفت. او خواستار به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی در افغانستان شد و گفت «طالبان دولت نیست بلکه یک گروه تروریستی است.»



خانم حمیدی در این نشست گفت: «افغانستان یک کشور مسلمان است اما در آن قومیتها، باورها و هویتهاى مختلف زندگی می کنند. همه این افراد سزوار حفاظت و کرامت هستند.»

مرضیه حمیدی تاکید کرد که «بهتر است پسرها و دخترهای افغان به مکتب طالبان نروند زیرا آنجا مکتب نه بلکه کارخانه تروریسم است.»

او بار دیگر از تیم ملی کریکت افغانستان به دلیل ارتباط این تیم با اعضای طالبان انتقاد کرد و گفت: «نمی توانید با تروریستها همکاری کرد، از

آنها نمایندگی کنید و وانمود کنید که بی طرف هستید.» او همچنان افزود: «شما نمی توانید تروریست را عادی سازی کنید و نام آن را ورزش بگذارید.»

او افزود که به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی در افغانستان عادی سازی سیاسی طالبان را کاهش خواهد داد و عدالت را برای زنان افغانستان فراهم خواهد کرد. خانم حمیدی همچنین جایزه بین المللی حقوق زنان اجلاس ژنو را به زنان افغانستان تقدیم کرد.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: خبرگزاری زن، یورونیوز، بی بی سی، تابناک، خراسان، افغانستان اینترنشنال، ایران وایر)

## کارشکنی قوه قضاییه در رسیدگی به پرونده قتل دلارا جهانیدیده

در حالی که نزدیک به یک سال از قتل «دلارا جهانیدیده» به دست همسر سابقش می‌گذرد، قوه قضاییه به بهانه‌های واهی از رسیدگی به پرونده این جنایت خودداری می‌کند. دلارا جهانیدیده زن جوان ۳۸ ساله اهل چهارم شامگاه ۷ اسفند ۱۴۰۳ به وسیله سلاح سرد توسط همسرش به



شکستگی جمجمه دچار و به کما رفت. او دو روز بعد به دلیل شدت جراحات وارده به بافت جمجمه و مغز جان خود را از دست داد و دو کودک خود را تنها گذاشت. خانواده دلارا جهانیدیده که پیش از کشته شدن او نیز علیه خشونت و ایجاد مزاحمت‌های مداوم همسر سابقش در جریان اقدامات قضایی او بودند علیه او شکایت کرده و از همان ابتدا تقاضای «اشد مجازات» را مطرح کردند.

یک منبع نزدیک به خانواده جهانیدیده می‌گوید: «با این که وکیل داریم اما دادگاه به مراجعات مکرر مادر دلارا به عنوان ولی دم واقعی نمی‌گذارد. بارها وعده داده‌اند که به کار شما رسیدگی می‌کنیم اما پرونده را معلق و بلا تکلیف نگه داشته‌اند.»

به گفته این فرد آگاه در سالی که گذشت با تغییر دادستان چهارم پرونده به دادستان جدید سپرده شده و او بدون احساس همدلی با اولیای دم مدام می‌گوید: «ما خودمان کارمان را بلدیم.»

دلارا جهانیدیده مدتها در رابطه ای پر خشونت بود و تنها به دلیل آن که به لحاظ اقتصادی مستقل نبود ناچار شده بود زندگی زناشویی خود را ادامه دهد.

سه ماه پیش از کشته شدن به دست همسر سابقش نهایتاً او موفق شد رضایت او را برای طلاق توافقی جلب کند، اما حکم نهایی هنوز صادر نشده بود و او ناچار بود به خانه پر خشونت بازگردد.

دو ماه پیش از اقدام به قتل دلارا توسط همسرش او در نیمروزی که دلارا در اتاقی در حال استراحت بود به او حمله کرد و گلولیش را به قصد کشتن و خفه کردن فشار داد و تنها زمانی رهایش کرد که گمان کرد مرده است.

دلارا بعد از این اقدام همراه با خانواده‌اش به پزشکی قانونی مراجعه کرد و کلیه شواهد و مستندات که نشان می‌داد امنیت جانی ندارد، ثبت شد اما با وجود طی تمامی مراحل قانونی و تشکیل پرونده، هیچ اقدامی جهت تامین امنیت این شهروند انجام نگرفت.

## صدور گواهینامه برای زنان امتیاز نیست



صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان، اگرچه خبر خوب و خاصی است، اما نباید به عنوان یک امتیاز روایت شود، چرا که در حقیقت به رسمیت شناختن چالشی قدیمی در کشور به خصوص کلان شهرهاست.

البته این خبر در هیاهوی روزهای ملت‌پسند ابتدای بهمن گم شد؛ در

این مسیر، مخالفت‌های پراکنده برخی نمایندگان هم نتوانست اصل ماجرا را متوقف کند و واقعیت خیابان زود تصمیمش را گرفته بود.

نشانه‌اش هم روشن است: افزایش تقاضا برای موتورهای که به اصطلاح «زنانه» نامیده می‌شوند. حتی کمابیش خانمهایی را می‌بینیم که سوار بر موتور هستند درحالی که بعید است در این زمان کوتاه موفق به دریافت گواهینامه شده باشند.

## طالبان را دولت خطاب نکنید آنها تروریست هستند

مرضیه حمیدی، تکواندوکار افغان هنگام دریافت جایزه بین المللی حقوق زنان در هجدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی درباره وضعیت زنان و دختران در افغانستان سخن

## سرمایه‌داری در فاز جنگ، بحران هژمونی و سیاست مرگ

گردآوری و تنظیم: اسد طاهری



سال گذشته میلادی، جهان نه وارد «دوران جدیدی از ثبات»، بلکه عمیق‌تر به درون بحران ساختاری سرمایه‌داری جهانی فرو رفت. جهان نه وارد «وضعیت اضطراری» تازه‌ای شد و نه از بحران‌های پیشین عبور کرد؛ بلکه به مرحله‌ای رسید که در آن بحران، شکل عادی سیاسی و اقتصادی شد. جنگ دیگر رویدادی استثنایی نبود، بلکه به ابزار تنظیم مناسبات قدرت بدل گردید.

انتخاب مجدد دونالد ترامپ را نباید به‌مثابه یک «انحراف پوپولیستی» یا بازگشت راست افراطی تفسیر کرد، بلکه باید آن را نشانه‌ای از بحران عمیق هژمونی در ایالات متحده دانست. آنچه در آمریکا رخ داده، نه بحران یک دولت یا یک حزب، بلکه بحران سیستم سرمایه‌داری است؛ بحرانی که در آن، سازوکارهای سنتی ایجاد همگرایی نئولیبرال دیگر قادر به تضمین رضایت اجتماعی نیست و به اشکال عریان‌تر و اقتدارگرایانه‌تر متوسل می‌شود.

ترامپسیسم محصول مستقیم تلاقی چند بحران هم‌زمان است: بحران انباشت سرمایه در اقتصاد آمریکا، زوال طبقه‌ی متوسط، قطعی شدن شدید اجتماعی-نژادی و بی‌اعتباری نهادهای نمایندگی سیاسی. ترامپ نه «ضد سیستم»، بلکه بیان سیاسی بخشی از همان سرمایه‌داری آمریکایی است که دیگر نمی‌تواند وعده‌ی رفاه، ثبات و پیشرفت را حتی به‌طور نمادین محقق کند.

از منطق اقتصاد سیاسی، انتخاب مجدد ترامپ با چرخشی آشکار به‌سوی ناسیونالیسم اقتصادی، حمایت و پیوند تنگاتنگ‌تر دولت با سرمایه‌ی بزرگ به‌ویژه در حوزه‌های انرژی، نظامی و امنیتی همراه است. این روند، در سطح جهانی، به تشدید رقابت‌های امپریالیستی، تضعیف نهادهای چندجانبه و مشروعیت‌بخشی بیشتر به سیاست قدرت منجر می‌شود.

در سطح سیاست داخلی، ترامپسیسم را می‌توان نمادی از شکاف فزاینده میان مطالبات مادی طبقات فرودست و پاسخهای نمادین، نژادی یا فرهنگی دانست که از سوی راست اقتدارگرا عرضه می‌شود. در غیاب یک بدیل چپ سازمانیافته، خشم اجتماعی نه به پروژه‌های رهایی‌بخش، بلکه به نیرویی برای بازتولید سلطه در شکلی خشن‌تر تبدیل می‌شود.

اگرچه انتخاب مجدد ترامپ و گسترش راست اقتدارگرا در ایالات متحده نشانه‌ای از تعمیق بحران هژمونیک سرمایه‌داری آمریکاست، اما این روند به‌طور دیالکتیکی با ظهور و تقویت جریان‌های مترقی و چپ نوین نیز همراه بوده است. به بیان دیگر، همان شرایط مادی و اجتماعی که

فاشیسم-ترامپسیسم را ممکن می‌سازد، بدر مقاومت و بازسازی سیاست رهایی‌بخش را نیز در دل خود می‌پروراند.

در این چارچوب، چهره‌هایی چون «ظهران ممدانی» را می‌توان نمایندگان یک گرایش مترقی نوظهور دانست که در تقابل مستقیم با ناسیونالیسم اقتدارگرا و سیاست نفرت‌محور ترامپستی قرار می‌گیرد. اهمیت این جریان نه صرفاً در موفقیت‌های انتخاباتی، بلکه در بازتعریف میدان سیاست است: انتقال منازعه از سطح جنگ‌های فرهنگی و هویتی به سطح مطالبات مادی، طبقاتی و زیست‌پذیر.



ممدانی و جریان‌های «سندرز»، «الکساندریا کورتز»، «کیتی ویلسون» ووو. واکنش اجتماعی به همان زخم‌هایی‌اند که ترامپ از آنها سواستفاده کرد، اما با جهت‌گیری طبقاتی معکوس. در مقابل سنت سوسیال دموکراتیک و چپ شهری بر مسائلی چون مسکن به‌مثابه حق، عدالت نژادی-طبقاتی، تغذیه رایگان برای مدارس، خدمات عمومی، و محدودسازی قدرت سرمایه‌ی مالی و املاک تمرکز دارند. این چرخش، به‌ویژه در شهرهای بزرگ آمریکا، نشان‌دهنده تلاش برای بازسازی آن چیزی است که به قول گرامشی «هژمونی از پایین» می‌نامید: پیوند میان تجربه‌ی زیسته‌ی فرودستان و پروژه‌های سیاسی با افق جمعی.

انتخاب ممدانی در سطح جهانی نشان می‌دهد که بحران سرمایه‌داری، اگرچه اشکال متفاوتی می‌یابد، نشانه‌ای از الگوی در حال ظهور پاسخ طبقاتی به بحران سرمایه‌داری جهانی است؛ الگویی که اگرچه هنوز پراکنده، ناهمگون و منطقه‌ای است، اما از منطق مشترکی پیروی می‌کند.

اهمیت سیاسی این جریان، فراتر از مرزهای ایالات متحده است. اگر ترامپسیسم با جنگ‌های اوکراین و غزه در سطح جهانی از طریق عادی‌سازی خشونت و بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل شاخص می‌شود، جریان‌های مترقی‌ای چون آنچه ممدانی نمایندگی می‌کند، بالقوه می‌توانند زمینه‌ساز نقد امپریالیسم، حمایت از صلح عادلانه و پیوند مبارزات داخلی با همبستگی فراملی شوند.

ظهور مجدد فاشیسم در جهان معاصر به‌ویژه در اروپا را نباید به‌عنوان بازگشت صرف یک ایدئولوژی تاریخی یا واکنشی فرهنگی به «مهاجرت» و «جهانی‌شدن» تقلیل داد. آنچه امروز شاهد آن هستیم، شکل‌بندی نوینی از فاشیسم است که در دل بحران ساختاری سرمایه‌داری متأخر، فرسایش دموکراسی لیبرال و شکست پروژه‌های نئولیبرالی زاده شده است. این فاشیسم جدید، برخلاف نمونه‌های کلاسیک قرن بیستم، نه الزاماً در تقابل با نظم لیبرال، بلکه اغلب درون آن و با استفاده از سازوکارهای رسمی قدرت رشد می‌کند.

اروپا در وضعیتی که گرامشی آن را «بحران هژمونیک» نامیده، قرار دارد. نخبگان حاکم دیگر قادر به تولید رضایت

اجتماعی نیستند، اما همچنان ابزارهای کنترل و سلطه را در اختیار دارند. در چنین وضعیتی، راست افراطی به‌مثابه نیرویی «ضدسیستم» ظاهر می‌شود، در حالی که در عمل، نقش آن مدیریت خشم اجتماعی و انحراف آن از ریشه‌های طبقاتی بحران است.

فاشیسم معاصر اروپا را باید محصول مستقیم سیاست‌های ریاضتی، خصوصی‌سازی گسترده و فروپاشی امنیت اجتماعی دانست. اتحادیه اروپا، با تحمیل منطق انضباط مالی و بازار محور، به تضعیف پیوند میان دموکراسی و رفاه انجامید. حاصل آن شد که بخش‌های وسیعی از طبقه کارگر و فرودست به‌ویژه در مناطق صنعتی‌زدایی‌شده، خود را در ساختارهای نمایندگی سیاسی، بی‌صدا یافتند.

در غیاب یک چپ سازمانیافته، این خلأ توسط نیروهای راست افراطی پر شد؛ نیروهایی که با ترکیب ناسیونالیسم، نژادپرستی فرهنگی و اقتدارگرایی، به بحران مادی جامعه «مساله‌ی هویت» پوشاندن. به تعبیر «کارل پولانی»، جامعه در برابر ویرانگری بازار واکنش نشان می‌دهد، اما این واکنش می‌تواند به‌جای دموکراتیک‌بودن، به اشکال اقتدارگرایانه و فاشیستی منحرف شود.

یکی از کانون‌های اصلی فاشیسم نوین اروپایی، سیاست‌های مهاجرتی و مرزی است. پناهجویان و مهاجران به‌ویژه از خاورمیانه و آفریقا به «بیگانه تهدیدگر» بدل شده‌اند؛ بیگانه‌ای که همزمان محصول جنگ‌ها و سیاست‌های امپریالیستی اروپاست. این تناقض، هسته‌ی اخلاقی فاشیسم معاصر را می‌سازد: اروپا بحران‌هایی را می‌آفریند و قربانیان آن را «مجرم» معرفی می‌کند.

در این‌جا، پیوند میان فاشیسم داخلی و امپریالیسم خارجی آشکار می‌شود. همان منطق نظامی‌گری که در اوکراین و غزه به کار گرفته می‌شود، در داخل اروپا به شکل دولت امنیتی، نظارت گسترده و تعلیق حقوق مدنی بازمی‌گردد. به تعبیر «فوکو»، زیست سیاست در مرکز، بدون مرگ سیاست در پیرامون قابل دوام نیست.

ظهور فاشیسم در اروپا را باید در تداوم همان روندی دید که انتخاب مجدد ترامپ در آمریکا و عادی‌شدن جنگ در نظم جهانی را ممکن ساخته است. جنگ، نه تنها در خارج، بلکه در داخل نیز کاربرد دارد.

فاشیسم معاصر نه بازگشت گذشته، بلکه آینده‌ای ممکن است که در دل اکنون ساخته می‌شود. اروپا، به‌عنوان یکی از مراکز تاریخی لیبرالیسم، امروز نشان می‌دهد که بدون عدالت اجتماعی، دموکراسی به‌سرعت به پوسته‌ای توخالی بدل می‌شود. همانگونه که تجربه‌ی قرن بیستم هشدار می‌دهد، اگر بحران سرمایه‌داری با پروژه‌های رهایی‌بخش، طبقاتی و فراملی پاسخ داده نشود، فاشیسم در اشکالی بروز شده، قانونی و نرمالیزه شده بار دیگر به گزینده‌ی «عقلانی» برای نظم مسلط بدل خواهد شد.

جنگ اوکراین را باید نه به‌مثابه نزاعی دوجانبه میان روسیه و اوکراین، بلکه به‌عنوان جنگی امپریالیستی در بستر رقابت میان روسیه، ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا دانست. این جنگ، بیانگر مرحله‌ای از تشدید تضادها در نظم

بقیه در صفحه ۱۷

## سرمایه‌داری در فاز جنگ، بحران هژمونی و سیاست مرگ

بقیه از صفحه ۱۶



سرمایه‌داری جهانی است که در آن، گسترش حوزه‌های نفوذ، کنترل منابع، مسیرهای انرژی و بازاریابی موازنه‌ی ژئوپولیتیک، بر حق تعیین سرنوشت ملت‌ها تقدم یافته است. روسیه با تکیه بر منطق امپریالیسم پیرامونی و نوستالژی قدرت بزرگ، در پی تثبیت حوزه‌ی نفوذ خود در فضای پسا شوروی است؛ در حالی که ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا، از طریق گسترش ناتو، تحریم‌های اقتصادی و نظامی‌سازی شرق اروپا، این جنگ را به فرصتی برای تضعیف رقیب دیرینه خود روس، بازسازی هژمونی آتلانتیکی و تضمین منافع صنایع نظامی سیاسی خود بدل کرده‌اند.

اوکراین، در این میان، مستقل نیست، بلکه میدان برخورد بلوک‌های امپریالیستی است؛ فضایی که در آن، انسانها و زیرساختها به سرمایه‌ی مصرف‌شدنی در منازعه‌ی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند. این جنگ نه دفاع از دموکراسی است و نه صرفاً واکنش به تهدید امنیتی، بلکه شکلی از بازتوزیع خشونت‌آمیز جهان در شرایط افول نظم پیشین سرمایه‌داری جهانی است.

برای مردم اوکراین، جنگ نه افق رهایی، بلکه افق فرسایش بوده.

جنگ اوکراین و جنگ غزه، با وجود تفاوت‌های تاریخی، جغرافیایی و حقوقی، از منطق واحدی تبعیت می‌کنند: منطق امپریالیسم-صهیونیسم و نظامی‌سازی بحران در سرمایه‌داری جهانی. در هر دو مورد، جنگ نه به‌مثابه شکست سیاست، بلکه به‌عنوان ابزار بازتنظیم موازنه‌ی قدرت، مدیریت اقتصادی و تثبیت هژمونی بلوک‌های مسلط عمل می‌کند.

جنگ غزه را باید یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های انسانی دهه‌های اخیر دانست؛ جنگی که توسط دولت نژادپرست و استعمارگر اسرائیل بیش از دو سال به‌طور سیستماتیک پیش برده شد و بنا بر برآوردها، به کشته‌شدن بیش از هفتاد هزار نفر و آوارگی صدها هزار انسان انجامید. آنچه در غزه رخ داد، صرفاً «جنگ» نبود، بلکه نمونه‌ای کلاسیک از نسل‌کشی مدرن در چارچوب نظم بین‌المللی معاصر بود: تخریب کامل زیرساخت‌های زیستی، نابودی سازمانیافته‌ی امکان بقا، و تبدیل یک جمعیت محصور به هدف مشروع خشونت بی‌حد.

حمله‌ی سازمانیافته‌ی حماس فارغ از انگیزه‌های ایدئولوژیک یا نظامی آن در عمل به بهانه‌ای بدل شد که دولت اسرائیل برای اجرای پروژه از پیش آماده‌شده‌ی ویرانی تمام‌عیار غزه

تحریم تا تهدید نظامی تبدیل شده است؛ خشونت‌ی که بیش از هر چیز، طبقات فرودست را هدف قرار می‌دهد.

اگر از دید نئین به این مساله نگاه کنیم، امپریالیسم مرحله‌ای از سرمایه‌داری است که با تمرکز سرمایه، صدور سرمایه و رقابت میان قدرتهای بزرگ برای تقسیم جهان تعریف می‌شود. امپریالیسم نئین، ضمن حفظ این منطق، با ویژگیهای تازه‌ی امروز می‌کند؛ چندقطبی‌شدن رقابت ((آمریکا/چین/روسیه) جنگ‌های نیابتی (تحریم، جنگ اقتصادی، فشار مالی، تهدید نظامی محدود)، نقش محوری انرژی و زنجیره‌های تامین، جایگزینی اشغال مستقیم با مدیریت بحرانهای مزمن.

در این چارچوب، جنگ لزوماً به معنای تهاجم تمام‌عیار نیست؛ بلکه طیفی از خشونت‌های سازمانیافته است که به بازتولید شرایط انباشت کمک می‌کند.

ونزوئلا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفتی جهان، در قلب تضادهای سرمایه‌داری انرژی محور قرار دارد. بحران اقتصادی این کشور نه صرفاً نتیجه ناکارآمدی داخلی، بلکه محصول همزمان سیاست آمریکا در قبال ونزوئلا از تحریم‌های فلج‌کننده تا تهدید مداخله است. تهاجم به این کشور در این معنا، کوششی برای، بازپس‌گیری اعتبار هژمونیک در «حیاط خلوت»، همچنین مهار نفوذ رقبای جهانی، و پیمای بازدارنده به دیگر دولت‌های سرکش منطقه است.

در سال ۲۰۲۵ جهان وارد مرحله‌ای شد که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً «دوره بحران» نامید؛ این یک گذار تاریخی است. نظامی که پس از جنگ سرد بر پایه برتری آمریکا، سلطه دلار و ساختارهای غرب‌محور شکل گرفته بود، اکنون عملاً کارکرد خود را از دست داده است. اما مشکل اصلی اینجاست: نظم جایگزین هنوز متولد نشده است. این خلأ قدرت، ناگزیر مناطقی مانند خاورمیانه را به خط مقدم رقابت‌های جهانی تبدیل کرده است.

خاورمیانه امروز نه فقط یک منطقه بحران‌خیز، بلکه آینه تمام‌نمای فروپاشی نظم قدیم جهانی است. جایی که جنگ‌های نیابتی، رقابت انرژی، تنش‌های امنیتی و فشار اقتصادی هم‌زمان در جریان است. کاهش حضور مستقیم آمریکا، ورود اقتصادی چین و بازی امنیتی روسیه، معادله‌ای ساخته که ثبات را به کالایی نایاب تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، قدرت‌های منطقه‌ای نیز وارد فاز رقابت آشکارتر شده‌اند. ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل هر کدام در حال باز تعریف نقش خود هستند. این رقابت نه بر سر ایدئولوژی، بلکه بر سر نفوذ، امنیت و سهم در نظم آینده است. نتیجه آن، شکل‌گیری یک تعادل شکننده است؛ وضعیتی که نه جنگ تمام‌عیار است و نه صلح پایدار، بلکه «آرامش موقت پیش از طوفانهای دوره‌ای».

در برابر سرمایه‌داری بحران‌زده‌ای که نابرابری، تخریب محیط زیست و سلطه انحصارات را بازتولید می‌کند، چه مستقل پیشرو خواهان گذار به نظامی است که در آن ثروت اجتماعی از چنگ اقلیت خارج شود، سرمایه بزرگ تحت کنترل دموکراتیک قرار گیرد و اقتصاد در خدمت اکثریت جامعه سازمان یابد. این بدیل نه بازگشت به دولت‌سالاری اقتدارگر است و نه ادامه بازار افسارگسیخته، بلکه تلاشی برای ساخت نظامی عادلانه، مشارکتی انسانی بر پایه عدالت اجتماعی است.

به آن نیاز داشت. کنش حماس نه تنها هیچ افق رهاییبخشی برای مردم فلسطین نگشود، بلکه دستاوردهای سالها مبارزه‌ی رادیکال، مدنی و اجتماعی فلسطینیان را به شدت تضعیف کرد و میدان را به‌طور کامل به منطق جنگ دولتی و نابودگر سپرد. حماس، هرچند خود را در گفتمان «مقاومت» تعریف می‌کرد، عملاً از منطق قدرتی عمل کرد که به بازتولید هژمونی نظامی اسرائیل انجامید. این کنش نه به ساخت «هژمونی بدیل»، بلکه به تقویت بلوک مسلط و مشروعیت‌بخشی به خشونت عربیان آن منجر شد.

پیامد این جنگ، غزه‌ای است که عملاً دیگر وجود ندارد: نه به‌عنوان یک فضای زیست‌پذیر، نه به‌مثابه یک واحد اجتماعی سیاسی. آتش‌بسهای نیمه‌جان کنونی نیز بیش از آن که نشانه‌ای از پایان خشونت باشد، تلاشی برای مدیریت و تثبیت نتایج نسل‌کشی‌اند. طرح‌هایی که امروز تحت عنوان «آینده‌ی فلسطین» یا «مدیریت پساجنگ غزه» مطرح می‌شود، همگی در چارچوب نظارت و کنترل کامل اسرائیل تعریف شده است و فاقد هرگونه حاکمیت واقعی برای مردم فلسطین می‌باشد. حتی همین طرح‌های حداقلی نیز با بحران مشروعیت و اجرا مواجه است: کشورهایی که قرار بود نیروهای بین‌المللی به غزه اعزام کنند، یا از پذیرش این نقش‌سرای زده‌اند یا شروطی گذاشته‌اند که در عمل این ماموریت را بی‌معنا می‌کند. این امتناع، بیش از هر چیز، بیانگر اجماع ضمنی نظم جهانی بر سر حفظ وضعیت موجود است؛ نظامی که در آن، امنیت اسرائیل اولویت مطلق است و حق حیات فلسطینیان متغیری قابل تعلیق.

در نهایت، جنگ غزه نشان داد که بدون گسست از منطق نظامی‌گری، چه در شکل دولتی و چه در قالب نیروهای شبه‌دولتی، هیچ پروژه‌ی رهاییبخشی برای فلسطین قابل تصور نیست.



ونزوئلا را نه به‌مثابه رویدادی منطقه‌ای یا پیامد «مدیریتی» بلکه به‌عنوان گره‌گشایی در بازار رقابت‌های بین‌امپریالیستی باید دید. استدلال اصلی آن است که ونزوئلا به‌واسطه جایگاه خود از حیث منابع انرژی، بحران انباشت جهانی و افول هژمونی آمریکا در آمریکای لاتین (حیات خلوت آمریکا) به صحنه‌ای برای اعمال خشونت ساختاری از

## جنبش رنگین کمان بیشماران (بهمن ۱۴۰۴)

### گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

**روز چهارشنبه ۲۹ بهمن** در شهرهای: اردکان / اصفهان / الوند / بوشهر، روستای بنه‌گز / بوشهر، رستم / کلا / خوی / سعیدآباد / کرمانشاه (سه شنبه ۲۸ بهمن) / مشهد / نجف آباد / نور، چمستان / نیشابور / هشتگرد / همایونشهر / یزدانشهر

**روز پنجشنبه ۳۰ بهمن** در شهرهای: اسلام آباد غرب / اصفهان (خوراسگان) / ایلام / بوشهر / تنکابن / دورود / رامهرمز / زاینده رود / لنجان / زرین شهر / ساوه / سرپل ذهاب / فلاورجان (و همچنین گارماسه) / فیروزآباد / مبارکه / نورآباد ممسنی / نهاوند / هشتگرد / بندر گناوه / بوکان / روستای گردقبران / بهمی / تهران، بهشت زهرا / دزفول / زنجان / شوشتر / شیراز / قوچان / کرج / مرودشت

### برخی از گزارش‌های مشخص

#### تظاهرات گسترده در زاهدان، راسک، خاش و آش

شمار کثیری از مردم بلوچ در زاهدان، راسک و خاش پس از برگزاری نماز جمعه، با شعارهای کوبنده «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر بسیجی» و «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» دست به تظاهرات گسترده زدند. در راسک مردم خشمگین شعار «مرگ بر سپاهی بی غیرت» و «بسیجی بی ناموس» سر دادند. شماری از شهروندان بلوچ با آتش زدن لاستیک خودرو و شعارهای اعتراضی در ورودی شهر آش دست به اعتراض زدند. به گزارش حال وش، معترضان ضمن مسدود کردن مقطعی مسیر، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند. این اعتراضات در ادامه ناراضی‌های سراسری و در واکنش به سرکوب خونین معترضان در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه صورت گرفته است.

#### خروشی جوانان آبدانان و سردادن شعار مرگ بر خامنه‌ای

گرامیداشت یاد جانبختگان خیزش سراسری دی ماه ۱۴۰۴ با تجمع تعدادی از جوانان آبدانان و سردادن شعار مرگ بر خامنه‌ای، برگزار شد. در شامگاه دوشنبه ۲۷ بهمن، شهر آبدانان با قطعی گسترده اینترنت و اختلال شدید در خطوط تلفن همراه و ثابت مواجه شد. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که گزارش‌ها از حضور نیروهای سرکوبگر و تیراندازی به سوی معترضان خبر می‌دهد. آبدانان پیش‌تر در جریان سرکوب خونین اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ به یکی از کانون‌های اصلی خشم مردمی تبدیل شده بود.

#### مراسم چهلم جاوید نام آرنیکا دباغ در گرگان

روز چهارشنبه ۲۹ بهمن، خانواده، بستگان و شماری از شهروندان با حضور بر مزار جاوید نام آرنیکا دباغ، با گذاشتن گل و روشن کردن شمع یادش را گرامی داشتند. در این مراسم شاهنامه خوانی، اجرای سرود «ای ایران»، رقص سوگ و همچنین آزاد کردن کبوتران انجام شد. زنده یاد آرنیکا دباغ، شهروند گرگان، قهرمانان رشته شنا بود و در مسابقات کشوری به مقام‌های قابل توجهی دست یافته بود؛ از جمله مدال نقره و دو مدال برنز در رقابت‌های قهرمانی کشور و هفت مقام ممتاز در جشنواره شنای دختران زیر ۱۲ سال کشور به دست آورده بود.



پس از سرکوب‌های وحشیانه دی ماه، جنبش نیروی کار افت قابل توجهی پیدا کرد. با وجود این واقعیت در این مدت مراسم چهلم شهیدان جنبش انقلابی در ماه و خروش سراسری دانشجویان اعتلای جدیدی داشته است. در جنبش انقلابی دی ماه سال جاری تعداد کلانی از نیروهای کار (کارگران، معلمان، پرستاران، رانندگان، کارمندان، دستفروشان، فروشندگان، بیکاران و دیگر مزدبگیران) با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر به قتل رسیدند. اینان شهیدان جاویدمانند که برای رهایی از ستم و استثمار قیام کردند. رسانه‌های حکومتی به وفور در این مورد خبر و گزارش منتشر کرده‌اند.

برای مثال؛ رسانه جهان صنعت، در شماره روز سه شنبه ۲۸ بهمن نوشت: «مردمی که زیر بار گرانی؛ بیکاری و فشارهای معیشتی سفره‌های شان کوچک تر شده در ۱۸ و ۱۹ دی به خیابان آمدند تا بگویند طاقت شان به سر آمده و کارد به استخوان شان رسیده است.» و روز پنجشنبه ۳۰ بهمن، رسانه توسعه ایرانی نوشت: «کارگران برای اعتراض به خیابان آمدند.» در میان شهیدان جنبش دی ماه، زنده یادان تهیدست و فرودست به وفور وجود دارند. جاوید نام سمیه قبادی، ۳۹ ساله، در جریان قیام دی ماه در منطقه نازی آباد تهران در روز آدینه ۱۹ دی، هدف گلوله ماموران حکومتی قرار گرفت و به قتل رسید.



الهه محمدی، روزنامه نگار در پستی در ایکس نوشت: «با خانواده‌های بازداشت شدگان که حرف می‌زنیم می‌بینیم اغلب شان از خانواده‌های فرو دستند. امروز [شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴] با مردی صحبت می‌کردم که برادر ۱۶ ساله اش در کانون اصلاح و تربیت تهران بازداشت است. در محله خزانه زندگی می‌کنند، در خانه اجاره ای بسیار کوچک. برای آزادی این پسر ۱۶ ساله، ۵ میلیارد تومان وثیقه

تعیین کرده‌اند. می‌گفت پدرم با یک فیش حقوقی رفته پیش قاضی اما قبول نمی‌کنند. برادرم امروز از زندان زنگ زد و گفت به کارت زندانش ۵۰۰ هزار تومان پول بریزم که بتواند چیزی بخرد و بخورد، من اما ۲۰۰ هزار تومان ریختم، بیشتر نداشتم.»

رسانه‌های حکومتی پیرامون بحران معیشت و فلاکت عمومی که موجب خروش توده‌ای شده، گزارش‌های متعددی منتشر کرده‌اند. اقتصاد پویا در شماره روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ نوشت: «گسترش فشار معیشتی زمینه ساز انفجار اجتماعی/ خط فقر در تهران به ۷۰ میلیون تومان رسیده است و حداقل دستمزد ۱۷ میلیون تومان تعیین شده است.» توسعه ایرانی در شماره یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴ نوشت: عدد سازی دیگر دردی از زندگی دوا نمی‌کند. سید معیشت حداقل ۷۰ میلیون تومان است. در همین روز کار و کارگر نوشت: «شکاف طبقاتی و فشارهای اقتصادی هیژم ناراضی‌های اجتماعی است. آمارهای مهندسی شده نسبتی با واقعیت‌های جامعه ندارد.»

کارگران و تهیدستان در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۳۴ روز حرکت اعتراضی در ماه بهمن انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکت‌ها را در این مجموعه خواهید خواند. حرکت‌های اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در شماره کنونی ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در همین ماه شاهد سه شنبه‌های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده‌های محکوم به اعدام بودیم.

#### خروشی توده در چهلمین روز شهیدان

چهلمین روز یاد و نام شهیدان جنبش انقلابی سراسری دی ماه سال ۱۴۰۴ با شرکت تعداد کلانی از زنان و مردان ایران زمین در سراسر کشور، در مزار شهیدان و در دانشگاهها و مدارس کشور با سخنرانی و سردادن شعارهای انقلابی همراه با ساز و دهل، کل زدن، رقص، هوا فرستان بادکنکها، پرواز دادن کبوترهای سفید و... برگزار شد.

## جنبش رنگین کمان بیشماران ...

بقیه از صفحه ۱۸



## شنبه ۱۸ بهمن

\* جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وایسته به شهرداری، تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کسبه این بازار از شهردار تهران تقاضای رسیدگی هرچه سریع تر نسبت به جبران خسارات وارده را داشتند و خواستار راه اندازی مجدد کسب و کارشان تا پیش از شب عید شدند. کسبه معترض می گویند: «حداقل بخشی از خسارت را بدهید؛ نان شب بچه‌ها مانده، اجاره خانه نداریم، سرمایه چند سال کارمان در ۲۰ دقیقه سوخت.» در آستانه شب عید، خانواده‌هایی که از همین بازار زندگی می‌گذرانند، حالا با بی‌پولی و بلاتکلیفی روبه‌رو هستند.

\*تجمع سپرده‌گذاران تعاونی انقلاب برای اعتراض به بلاتکلیفی و وضعیت نامشخص دارایی‌های شان و عدم پاسخگویی مسئولان مقابل ساختمان شرکت و بستن خیابان.

## یکشنبه ۱۹ بهمن

\*به گزارش تلگرام شورای بازنشستگان ایران، تجمع و راهپیمایی بازنشستگان شوش، هفت تپه و کرخه با یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان دی ماه آغاز و یاد عزیزان از دست رفته گرامی



بازنشستگان شوش

داشته شد. تجمع در اعتراض به فقر و تنگدستی، تورم و گرانی، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، فضای کشتار، رعب و وحشت، دزدی و غارت و چپاول ثروت جامعه، فساد و تبعیض و نابرابری و استثمار بود.

بازنشستگان شعار می‌دادند:

- فقط کف خیابون، به دست می‌آید حقمون
- جنگ افروزی کافیه، سفری ما خالیه!
- کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد!
- بیمارستان ملکی، حق مسلم ماست!
- نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت!
- هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه!
- معیشت منزلت، حق مسلم ماست!
- بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن ماست!
- حقوق بازنشسته، فقط واسه یک هفته!

\* جمعی از کارکنان دفتر تعاونیه‌های سهام عدالت مقابل وزارت اقتصاد تجمع برگزار کردند. معترضان گفتند، پیگیریه‌های صنفی آن‌ها از همراه تاکنون با بی‌توجهی وزارت اقتصاد روبرو شده است. مطالبه اصلی معترضان از این قرار است:

پرداخت فوری و بدون قید و شرط معوقات حقوقی و بیمه‌ای که بیش از سه سال (از ۱۴۰۲) عقب افتاده است. بسیاری از کارکنان نزدیک به ۱۹ سال سابقه کار دارند اما همچنان وضعیت استخدامی مشخصی ندارند.

با وجود مصوبات شورای عالی بورس و وعده‌های وزارت اقتصاد و وزارت کار، هیچ اقدام عملی مؤثری انجام نشده است.

برخی از معترضان برای حضور در تجمع، به دلیل فقر شدید، ناچار به قرض گرفتن شده‌اند. در میان کارکنان، افراد دارای معلولیت، زنان سرپرست خانوار و مددجویان کمیته امداد و بهزیستی حضور دارند.

## دوشنبه ۲۰ بهمن

\*کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز برای دومین روز متوالی در محوطه این مجتمع تولیدی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش پژواک کار ایران، کارگران می‌گویند پرداخت حقوق و مزایای آنان با تاخیر مواجه است و مدیریت مجموعه پاسخی روشن درباره زمان تسویه مطالبات ارائه نکرده است.

## یورش نظامی به روستای چنار شیخ در همدان

ساعت ۴ بامداد روز دوشنبه ۲۷ بهمن، نیروهای امنیتی با بیش از ۷۰ خودروی زرهی، ون و مینی بوس و با چندین قبضه دوشکا، به روستای چنار شیخ اسدآباد یورش بردند و حدود ۴۰۰ نفر از اهالی آن را؛ از دختر بچه تا پیرزن و پیرمرد، با خشونت شدید بازداشت کردند. این روستا از نخستین کانون‌های اعتراضات دی‌ماه در استان همدان بود.

## خروش شبانه در شهر مورموری در قلب ایلام

روز سه شنبه ۲۸ بهمن، شهر مورموری در استان ایلام بار دیگر به صحنه اعتراضات پرشور و شعارهای شبانه جوانان شورشی تبدیل شد. مردم این منطقه با زنده نگاه داشتن یاد شهدای قیام و فریاد شعارهای محوری علیه رأس هرم قدرت، بر تداوم نبرد تا سرنگونی کامل رژیم آخوندی تأکید کردند.

## چهلیم شهید راه آزادی بهنام عنایت



بامداد روز آدینه ۲۴ بهمن، مراسم چهلیم شهید راه آزادی بهنام عنایت در کازرون برگزار شد؛ طبق گفته حاضران، از همان روزهای نخست، خانواده او تحت فشار شدید قرار داشتند تا اعلام کنند که بهنام در یک «تصادف» کشته شده است؛ فشاری تا حدی که حتی برخی از نزدیک ترین اقوام نیز از حقیقت ماجرا بی‌خبر نگه داشته شدند. اما امروز، هم‌زمان با برگزاری مراسم چهلیم، سکوت شکسته شد. مردم حاضر در مراسم در برابر روایت تحمیلی ایستادند، با مداح حکومتی مقابله کردند و با سر دادن شعارها، روایت خود از آنچه رخ داده را بیان کردند.

چهلیم شهید راه آزادی بهنام عنایت، تنها یک مراسم یادبود نبود؛ صدایی بود که پس از هفته‌ها فشار و سکوت، فریاد زده شد.

## گنجهای اعتراضی نیروهای کار

## یکشنبه ۱۲ بهمن

\*تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و رشت با شعارهای:

- «فقر و فساد و بیداد مرگ بر استبداد»
- «تنگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»
- «نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت»
- «کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد»
- «تاحق خودنگیریم از پانمی نشنیم»
- «هزینه ها دلاریه حقوق ما ریالیه»
- «خونی که دررگ ماست هدیه به معیشت ماست»
- «بیمارستان ملکی حق مسلم ماست»

## دوشنبه ۱۳ بهمن

\* جمعی از کارکنان شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه دست به تحصن زدند و با بستن در ورودی این مجموعه، خواستار پاسخگویی مسئولان شدند. بر اساس گزارشها، پس از شکل‌گیری تجمع کارکنان شهرداری ایلام، نیروهای امنیتی در محل حاضر شده و معترضان را با ضرب و شتم متفرق کردند. این برخورد در حالی صورت گرفته که کارکنان، اعتراض خود را مسالمت آمیز و صرفاً در مطالبه حقوق قانونی شان عنوان کرده بودند.

کارکنان شهرداری می‌گویند در شرایطی که فشار معیشتی به اوج رسیده، نه تنها مطالبات شان پرداخت نمی‌شود، بلکه صدای اعتراض شان نیز با برخورد امنیتی پاسخ داده می‌شود.

## جنبش رنگین کمان بیشماران ...

بقیه از صفحه ۱۹

## سه شنبه ۲۱ بهمن

\*کارگران پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای ششمین روز متوالی در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، نامناسب بودن شرایط رفاهی، تراکم بالای خوابگاهها، افزایش هزینه اجاره مسکن، پرداخت نشدن برخی مزایا از جمله حق کمپ یا خوابگاه و همچنین نواقص جدی در محاسبه و پرداخت کامل اضافه کاری از مهم‌ترین دلایل این اعتراض عنوان شده است. کارگران پیش تر اعلام کرده بودند که به جای رسیدگی به مطالبات، با تهدید مواجه شده اند. به گفته آنان، مسئولان هشدار داده اند در صورت ادامه اعتصاب، علاوه بر اعمال کسورات در اضافه کاری، محدودیتها و فشارهای بیشتری نیز اعمال خواهد شد. در پایان همین روز کارگران به اعتصاب شان پایان داده و از روز چهارشنبه ۲۲ بهمن برسر کار بازگشتند.

\*دهها تن از مال باختگان صرافی رمزراز «کس کوینو» برای اعتراض به بلاتکلیفی مقابل دفترین صرافی در تهران تجمع کردند و خواستار ورود جدی قوه قضاییه و نهادهای نظارتی و تعیین تکلیف نهایی با سرمایه‌های مسدود شده خود شدند. به گزارش شبکه اطلاع رسانی راه دانا؛ به نقل از تلگرام عصر فوری، در بنرهای در دست تجمع‌کنندگان، خطاب به ریاست قوه قضاییه تأکید شده است که بیش از ۵ هزار نفر از مال باختگان اکسکوینو طی ماههای گذشته متضرر شده اند و همچنان در انتظار بازگشت سرمایه‌های خود هستند؛ سرمایه‌هایی که بنا به گفته آنها، بدون ارائه توضیح شفاف از سوی این صرافی، بلوکه یا غیرقابل برداشت شده است.

## شنبه ۲۵ بهمن

\*تجمع اعتراضی جمعی از تکنسین‌های اورژانس تبریز در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات و وعده‌های توخالی مسئولان مقابل ساختمان اداری دانشگاه علوم پزشکی تبریز \*برای ششمین روز متوالی، تعداد قابل توجهی از کارکنان پتروشیمی غدیر، اعم از محل شرکت در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی و همچنین دفتر مرکزی در تهران، در تماس با ایلنا نسبت به پاره‌ای از تصمیمات مدیرعامل جدید این شرکت، اعتراض کردند.

یک منبع کارگری با تأیید این خبر، به ایلنا گفت: در حالی که تورم در حال افزایش است، دریافتی ما را کاهش می‌دهند و دلیل آنرا مشکلات مالی شرکت اعلام می‌کنند. وی افزود: در روز دوشنبه هفته گذشته، کارکنان در اعتراض به بی‌توجهی مدیرعامل به نگرانی و مشکلات ناشی از تصمیمات اخیر وی، دست به اعتصاب غذا زده اند.

\*برای سومین بار در نیمه دوم سال جاری، رانندگان استیجاری نهادهای مختلف کشور خود را به تهران رساندند و با تجمع مقابل نهاد ریاست جمهوری اعتراض شان را نسبت به عدم تبدیل وضعیت به نمایش گذاشتند. تجمع کنندگان به خبرنگار ایلنا گفتند: خواسته ما تبدیل وضعیت است؛ براساس قانون بودجه ۱۴۰۰ باید اینارگران همه نهادهای و ارگانهای دولت تبدیل وضعیت می شدند؛ ولی این الزام قانونی برای تعدادی از ما رانندگان استیجاری تا امروز اجرایی نشده است. آنها افزودند: بارها پیگیری و مطالبه‌گری کردیم؛ به تهران آمدم، با مسئولان سازمان اداری و استخدامی صحبت کردیم ولی نتیجه‌ای نگرفتیم.

## یکشنبه ۲۶ بهمن

\*تجمع نانوایان کشور در اعتراض به کسر سهمیه های آرد و عدم واریز یارانه نان مقابل استانداری خوزستان با سردادن شعارهای «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «نانینو تیاکن ناوایی و رهاکن» و... به گزارش ایلنا، نانوایان می‌گویند: عدم پرداخت کمک هزینه نان از سوی دولت یک‌ساله شده است.

\*بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و کرمانشاه مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند تا صدای اعتراض خود را به وضعیت معیشتی و حقوق پایین به گوش همگان برسانند. این تجمعها در اعتراض به گرانی، تورم، فقر و نداری، دستمزدهای ناچیز و نامناسب، نبود رفاه و آسایش و امنیت، نبود امکانات بهداشتی، درمانی رایگان و مناسب، نبود خدمات رفاهی، اعتراض به دزدی و غارت و چپاول، اعتراض به تبعیض و نابرابریها، اعتراض به ستم و استثمار، اعتراض به نبود نان و آزادی برگزار شد.

بازنشستگان شمار می‌دانند:

«بازماندگان دی ماه همدردیم همدردیم»

«قتل عام معترض محکومست محکومست»

«معترض زندانی آزاد باید گردد»

«کارگر زندانی آزاد باید گردد»

«بازنشسته زندانی آزاد باید گردد»

«فریاد فریاد از این همه بیداد»

«سفره بی نان ما رنگین شد از خون ما»

«نان می‌خواستیم منزلت رگبار بستن به ملت»

«همبستگی اتحاد پایان ظلم و بیداد»

«مذاکره یا کشتار اوضاع اینه ستم کار»

«ظلم و ستم فراوان ما را کشاند خیابان»

«تورم ۶۰ درصد افزایش ۲۰ درصدی خولیم نمی‌خوایم»

«گرانی تورم بالای جان مردم»

«هزینه‌ها دلاریه حقوق ما ریالیه»

«نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت»

«مدعی عدالت تاکی دروغ به ملت»

«درمان رایگان حق مسلم ماست»

«بیمارستان نداریم به کی کنیم شکایت»

«بیمارستان ملکی حق مسلم ماست»

## دوشنبه ۲۷ بهمن

\*کارگران پیمانی اخراجی فضای سبز استادبوم آزادی تهران دست به تجمع مقابل ساختمان وزارت ورزش و جوانان زدند. برپایه گزارش تابناک، مجموعه ورزشی آزادی به عنوان یک مجموعه دولتی-عمومی در اختیار وزارت ورزش و جوانان است که زیر نظر شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی اداره می‌شود. هرچند برای این مجموعه مدیریتی جداگانه مانند سایر مجموعه‌ها تعریف می‌شود، با این حال کارگران و کارمندان این مجموعه‌ها زیر نظر بخشهای مختلفی حضور دارند. تعدادی قراردادشان مستقیم با وزارت ورزش و جوانان است و تعدادی هم به صورت قراردادهای پیمانکاری در این مجموعه‌ها از جمله آزادی مشغول به فعالیت هستند که اگرچه آنها با پیمانکارها مستقیم طرف حساب هستند، اما این پیمانکارها قراردادشان با شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی یا در رده بالاتر، با وزارت ورزش و جوانان است. حالا از ابتدای بهمن ماه سال جاری حدود ۷۰ نفر از کارگران فضای سبز مجموعه ورزشی آزادی بی کار شده‌اند و کسی هم پاسخگوی آنها نیست.

## سه شنبه ۲۸ بهمن

\*بیش از ۱۰۰ نفر از بیماران مبتلا به بیماریهای خودایمنی از جمله بیماریهای التهابی روده مانند کرون و کولیت، بیماریهای روماتیسمی و پسوریازیس برای اعتراض به کمبود طولانی مدت داروی حیاتی خود و توزیع نامناسب مقابل ساختمان سازمان غذا و دارو تجمع کردند. به گزارش سلامت نیوز به نقل از مهر، تجمع کنندگان گفتند: این دارو که عمدتاً به صورت تزریقی و در بسیاری موارد فقط در مراکز درمانی یا بیمارستانها قابل تزریق است، باید به صورت منظم و ماهانه مصرف شود و قطع یا تأخیر در تزریق آن می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

\*تجمع کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق از جمله تبعیض در پرداخت -کار یکسان حقوق نابرابر- با شعار «ما اعتراض داریم».

\*جمعی از کسبه بازار جنت در ادامه اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع دوباره مقابل ساختمان شورای شهر تهران زدند.

## چهارشنبه ۲۹ بهمن

\*تجمع جمعی از کارگران حفاظت از جنگلهای مازندران، به نمایندگی از ۱۲۰۰ نفر از قربانان، در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق مقابل استانداری. به گزارش ایلنا، این کارگران با بیان اینکه «قراردادهایمان کوتاه مدت است و باید پیمانکاران به طور کل در مقوله حفاظت از جنگلهای کنار گذاشته شوند» در پایان گفتند: طی چندین سال کار و خدمت، نه امنیت شغلی داریم و نه معیشت. مدام نگران آینده هستیم که نکند بیکار شویم. حقوقها هم به موقع پرداخت نمی‌شود.

\*دهها تن از اعضای تعاونی مسکن حافظان کنگاور برای اعتراض به بلاتکلیفی ۲۵ ساله مقابل فرمانداری این شهردراستان بوشهر تجمع کردند. به گزارش فارس، اعضای تعاونی مسکن حافظان می‌گویند ۲۵ سال است میان وعده‌ها و پیچ و خمهای اداری سرگردان مانده اند؛ بنری در دست داشتند با این مطالبه صریح که آیا ربع قرن بلاتکلیفی کافی نیست؟

این تجمع نه از سر هیچان، بلکه حاصل سالها انتظار، افزایش هزینه‌های ساخت، فرسایش سرمایه‌ها و انباشت بی‌اعتمادی است؛ بیش از ۱۳۰۰ عضو تعاونی، چشم‌انتظار تعیین تکلیف زمینی هستند که با وجود صدور سند ۲۱ هکتاری، هنوز امکان عملی ساخت و ساز آن روشن نشده است.

## رویدادهای هنری ماه (بهمن ۱۴۰۴)

جعفر پناهی اردیبهشت امسال پس از ۱۵ سال برای نخستین بار توانست ایران را ترک کند و در جشنواره کن شرکت کند. او جایزه نخل طلائی این جشنواره را برای «یک تصادف ساده» به دست آورد.

این کارگردان که اخیرا در ایران به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به حبس محکوم شده، بار دیگر گفت پس از شرکت در مراسم اسکار به ایران باز خواهد گشت.

### فریبرز عرب‌نیا: مخالف پادشاهی و جنگ هستم



بی بی سی فریبرز عرب‌نیا، بازیگر سینما و تلویزیون ایران در پیامی ویدیویی در اینستاگرامش ضمن گرامیداشت کشته‌شدگان اعتراضات دی ۱۴۰۴، صداوسیما را «جعبه کثیف و سیاه و شوم» خواند و اعلام کرد که رضایت ندارد که این نهاد «حتی یک فریم» از آثاری که او در آن حضور داشته را بازپخش کند.

او در قسمت دیگری از سخنانش با اشاره به ویدیوی قدیمی و تقطیع شده‌ای که می‌گوید به تازگی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، گفت که «با پادشاهی و سلطه فردی با جدیت مخالف است» و از «جمهوری دموکراتیک و جدایی دین از سیاست» دفاع می‌کند.

او همزمان با افزایش کم‌سابقه سطح تنش میان آمریکا و ایران و انتظار بخشی از معترضان ایرانی از ترامپ برای «عمل به وعده حمایت» گفت که با جنگ و حمله خارجی مخالف است اما مقصر هرگونه خشونت و هرج و مرج احتمالی را حکمرانان فعلی ایران می‌داند.

### موسیقی

### توماج صالحی: ما هنوز زنده‌ایم و برای آزادی و عدالت ایستاده‌ایم



بقیه در صفحه ۲۲



«شلیک به مردمی که با دست خالی به خیابان آمده‌اند، جنایت علیه حق حیات است و هیچ توجیهی ندارد. «نزدیک به نیم‌قرن است با وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی در کشور عزیزمان ایران، نه عدالت محقق شده، نه رفاه و نه امنیت. «فساد سازمانیافته و چپاول ثروت عمومی و ایدیولوژی هراس‌آور، زندگی مردم را به ورطه‌ی فقر، خفقان و ناامیدی کشانده و سرمایه‌های ملی در چالشهای منطقه‌ای نابود شده است.

ما سینماگران، این روزها و این زخمها را تصویر خواهیم کرد و با تمام توان از حق آزادی بیان دفاع کرده، سرکوب و کشتار مردم معترض را محکوم می‌کنیم و در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم.»

از جمله سینماگرانی که این بیانیه را امضا کرده‌اند، می‌توان از ویشکا آسایش، پگاه آهنگرانی، رخشان بنی‌اعتماد، جعفر پناهی، رضا درمیشیان، محمد رسول‌اف، لیلی رشیدی، لیلا زارع، کیانوش عیاری و اصغر فرهادی نام برد.

### جعفر پناهی خواستار لغو مراسم اهدای جایزه به خود در برلین شد



رادیوفردا جعفر پناهی، کارگردان سرشناس، روز پنجشنبه ۳۰ بهمن گفت که از جشنواره فیلم برلین خواسته به احترام کشته‌شدگان در اعتراضات دی‌ماه ایران، مراسم اهدای حضوری جایزه خرس طلائی (برلیناله) که در سال ۲۰۱۵ به صورت غیابی به او تعلق گرفته بود را برگزار نکنند.

او روز پنجشنبه در نشستی در جشنواره برلین گفت: «الان در ایران هیچکس از دیگری نمی‌پرسد حالت خوب است؟ چون هیچکس حالش خوب نیست.»

به گفته او، اعتراضات ضدحکومتی که از اوایل دی‌ماه آغاز شد، با خونین‌ترین سرکوب از زمان انقلاب ۱۳۵۷ مواجه شد. آقای پناهی که فیلم آخرش، «یک تصادف ساده» نامزد دو جایزه اسکار شده، سرکوبهای اخیر در ایران را «کشتار جمعی» توصیف کرد. او گفت مردم حتی اجازه عزاداری برای کشته‌شدگان خود را ندارند و در واکنش، با پخش موسیقی و رقص بر مزار عزیزان‌شان مقاومت می‌کنند.

### ادبیات

### «نوشتن برای ما، فقط نوشتن نیست؛ دفاع از انسان است»



### جنگ خبر

نویسندگان، شاعران و اهل قلم ایران بیانیه‌ای خطاب به پن جهانی، انجمنهای عضو و دیگر اهل قلم جهان در ارتباط با کشتار و قتل‌های حکومتی ایرانیان در حوادث دی ماه، به ویژه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ منتشر کردند.

در این بیانیه ضمن محکوم کردن «کشتار شهروندان بی‌دفاع ایران» آمده است: «مردم ایران، برای اعتراض به گرانی، بیکاری و فروپاشی معیشت به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز به خیابانها آمدند، ولی با گلوله، سرکوب خونین و خشونت مرگبار پاسخ گرفتند. این قربانیان نه مسلح بودند و نه خشونت‌طلب؛ مردمی بودند با غم نان. نه تنها صدایشان شنیده نشد، که حق زیستن نیز از ایشان گرفته شد.»

بیانیه اضافه می‌کند: «خاموش کردن صدای شهروندان، تداوم همان سیاستی است که سالهاست نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، اهل قلم و هنرمندان را هدف قرار داده است. نوشتن، برای ما، فقط نوشتن نیست؛ دفاع از انسان است و شهادت دادن در برابر بی‌عدالتی و مرگ و دروغ.»

نویسندگان، شاعران و اهل قلم از همه‌ی انجمنهای پن، نویسندگان آزاد و نهادهای مدافع آزادی بیان در جهان خواسته‌اند که کشتار معترضان را محکوم کنند و «اجازه ندهند خون معترضان در هیاهوی سیاست و مصلحت فراموش شود.»

هادی خرسندی، آهو خردمند، ناصر زراعتی، علی آشوری، جلال سبزواری، آریتا قهرمان، عاطفه گرگین و محسن یلفانی از جمله اهل قلمی هستند که این بیانیه را امضا کرده‌اند.

### سینما

### ۱۸۴ سینماگر: این روزها و این زخمها را تصویر خواهیم کرد

### رادیوزمانه

شمار زیادی از اهالی سینما در بیانیه‌ای مشترک، با اعتراض به سرکوب اعتراضات مردم، همبستگی خود با آنها را اعلام کردند. آنها در این بیانیه نوشتند: «ما سینماگران ایران، سرکوب اعتراضهای مردم را به هر بهانه محکوم می‌کنیم. اعتراض، حق طبیعی و مدنی هر انسانی است. هیچ قدرتی حق ندارد خود را مافوق مردم بداند.

## رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۱

اینستاگرام

توماج صالحی، خواننده رپ انتقادی، با انتشار تصویری از بدن ساچمه‌خورده‌اش، متنی تأمل‌برانگیز درباره تجربه شخصی خود از خشونت حکومتی، احساس عذاب وجدان بازمندگان و مفهوم شرافت منتشر کرد.

او در این یادداشت نوشت: «حدود یک ماه گذشت تا بگذرم از عذاب وجدان این که چرا من گلوله جنگی نخوردم؛ حسی که فکر می‌کنم همه‌ی ما تجربه‌اش کردیم، اما عذاب وجدان را قاتلین باید داشته باشند.»

این هنرمند معترض نوشت: «پایان یک زندگی زمانی‌ست که شرافتش فروخته شود؛ مردمی که به خون کشیده شدند آزادیخواهانی که جانشان غصب شد اما شرافتشان را حفظ کردند، پس هنوز زنده‌اند.»

وی افزود: «ما هم هنوز زنده‌ایم و هنوز برای آزادی و عدالت ایستاده‌ایم»

### بیخبری از وضعیت حسین مزینانی، نوازنده سه‌تار



رادیوزمانه

حسین مزینانی، نوازنده سه‌تار و فعال حوزه موسیقی، از تاریخ ۲۰ دی‌ماه از دسترس خارج شده و تاکنون اطلاعی از وضعیت و محل نگهداری او در دست نیست.

خانواده وی بازداشت او را تأیید کرده‌اند، اما تاکنون جزئیات بیشتری درباره مرجع بازداشت‌کننده، محل نگهداری یا اتهامات احتمالی او در دست ندارند.

حسین مزینانی، متولد ۲۰ آبان ۱۳۶۴، فارغ‌التحصیل رشته کامپیوتر از دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و همچنین دانش‌آموخته نوازندگی موسیقی ایرانی از دانشگاه هنر تهران است. او علاوه بر فعالیت در حوزه موسیقی، در زمینه‌های ورزشی و طبیعت‌گردی نیز فعال بوده و به کوهنوردی، سنگ‌نوردی، کاراته و سفر علاقمند است.

به گفته نزدیکانش، او پیش از تولد، پدر خود محمد مزینانی را که در جنگ ایران و عراق کشته شده، از دست داده و دو عموی او و همچنین یکی از داییهایش نیز در جریان آن جنگ جان باخته‌اند.

بر اساس این گزارش، حسین مزینانی پیش‌تر نیز در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ بازداشت و مدتی زندانی شده بود.

### کشتار دی و بازتاب آن در جامعه هنرمندان



هنرمندان کشور به شکلهای گوناگون به کشتار بیرحمانه و سراسری معترضان واکنش نشان دادند. برگزاری جشنواره حکومتی «فجر» بلافاصله پس از این جنایت، به عزیمتگاهی برای نشان دادن و همچنین نمایان شدن اعتراض و بیزاری دسته‌ای از هنرمندان تبدیل شد. همچون خیزشهای پیشین که دستگاه‌های امنیتی حکومت تلاش می‌کردند با برگزاری کنسرت و راهاندازی کارناوالهای گوناگون شرایط را طبیعی و فضای اجتماعی را دستکاری کنند، این بار نیز حکومت جشنواره یاد شده را در خدمت همین هدف گرفته بود. با این حال همچون موارد گذشته، این ترفند هم با مقاومت و حرکتهای اعتراضی شماری از هنرمندان مطرح نقش برآب شد و به سبب حجم بالای فعالیت تبلیغاتی حکومت پیرامون جشنواره، اعتراضها و بایکوت آن هم پژواک دوچندانی در جامعه یافت. در زیر بخشی از واکنشهای یاد شده را می‌خوانید:

#### - تحریم گسترده جشنواره حکومتی «فجر»



بی بی سی

جشنواره فیلم فجر در چهل و چهارمین دوره برگزاری با موجی از انصراف و تحریم چهره‌های سرشناس سینمای ایران مواجه شد؛ موجی که از پیش از برگزاری و تا پایان آن ادامه داشت. امسال در پی اعتراضات دی‌ماه و سرکوب خشونت‌آمیز و خونبار آن، افزوده بر بازیگران، حتی کارگردانان تعدادی از فیلمها نیز از حضور در جشنواره خودداری کردند.

الناز شاکردوست، هومن سیدی و امیر جدیدی از مهم‌ترین بازیگرانی بودند که به شکل علنی گفتند به دلیل سرکوب خشونت‌بار اعتراضها در جشنواره فجر شرکت نمی‌کنند. الناز شاکردوست در نوشته‌ای که منتشر کرد گفت: «من عذارار عزیزانم هستم، کدام جشنواره؟ کدام جشن؟ من نه در جشنی شرکت خواهم کرد و نه دیگر در این خاکی که بوی خون می‌دهد، نقشی بازی خواهم کرد. این نقش اصلی من است.» سعید زمانیان، کارگردان فیلم «آرامبخش» که در بخش مسابقه حاضر بود، روز نهم بهمن و در آستانه برگزاری جشنواره با انتشار متنی اعلام کرد که «به احترام همه خونهای ریخته شده و یاد عزیزانی که در جریان اعتراضات اخیر جان

خود را از دست دادند» تصمیم گرفته که در جشنواره شرکت نکند.

در ادامه صالح علوی‌زاده، یکی از فیلمنامه‌نویسان فیلم «بیلورد»، از دیگر فیلمهای حاضر در جشنواره فجر، نیز با انتشار بیانیه‌ای گفت که این جشنواره را «مراسم خون‌شویی بزرگ» می‌داند و خواستار آن شد که فیلم در رشته فیلمنامه داوری نشود.

از سوی دیگر، بعد از اعلام آثار حاضر در جشنواره، «خجستگی که در جنگ ملاقات کرده‌ام» به کارگردانی امیرشهاب رضویان در همان روز اول به دلیل آنچه «آماده نشدن فیلم» اعلام شد، از جشنواره امسال کنار گذاشته شد و «عروس چشمه» ساخته فریدون نجفی جایگزین آن شد. اما بعد از فاصله کوتاهی این فیلم نیز کنار رفت و فیلمی به نام «آندو» به کارگردانی مرضی رحیمی جای آن را گرفت.

#### - بایکوت مراسم اختتامیه جشنواره «فجر» از سوی برندگان جوایز

شهرام حقیقت‌دوست و بهرام افشاری به عنوان برندگان جوایز بهترین بازیگر نقش مکمل و اول مرد حاضر به شرکت در مراسم اختتامیه جشنواره فجر نشدند. آریتا حاجیان نیز که به عنوان برنده سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن معرفی شده بود، حضور نداشت.

#### - «هیچ جشنواره‌ای ارزش ایستادن روی سکوت و عبور از جان انسان را ندارد»



آفتاب‌نیوز

هومن سیدی، کارگردان و بازیگر ایرانی، در واکنش به شرایط اخیر کشور و حضور برخی هنرمندان در جشنواره فیلم فجر، پستی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و دیدگاه‌های خود را در این رابطه بیان کرد.

وی نوشت: «هیچ جشنواره‌ای، هیچ تندیس و هیچ دیده‌شدنی، ارزش ایستادن روی سکوت و عبور از جان انسان را ندارد. دیده‌شدن، وقتی به قیمت ندیدن انسان تمام می‌شود، فقط یک معامله‌ی ارزان است.

«سینما وقتی کنار انسان می‌ایستد معنا دارد؛ وقتی از روی او رد می‌شود، دیگر فقط یک تصویر بی ارزش است. هیچ سکویی آنقدر بلند نیست که بتواند روی جان انسان سایه بیندازد. اعتبار هنرمند از جایی می‌آید که ایستاده، نه از جایی که دعوت شده.

«جشنواره می‌گذرد، نامها فراموش می‌شوند؛ این انتخابهاست که می‌ماند. دیده‌شدن بدون دیدن رنج، فقط نوراکن است، نه روشنایی.

«هنر اگر جرات نداشته باشد «نه» بگوید، فقط تزئین وضع موجود است. و هیچ قاب طلائی‌ای نمی‌تواند سکوت در برابر خون را قاب بگیرد.»

## دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد

«دانشگاه سکوی تاج گذاری نیست»

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه گیلان در پی توییت رضا پهلوی مبنی بر حمایت دانشگاه از وی موضع گرفته. در زیر بخشهایی از این بیانیه را می خوانید:

«ما، جمعی از دانشجویان دانشگاه گیلان، اعلام می کنیم که دوران بیعت نامه نویسی به نام دانشگاه گذشته است.

هرکس می خواهد پروژه سیاسی خود را پیش ببرد، مسئولیتش را شخصاً بر عهده بگیرد؛ نام دانشجوی را سپر مشروعیت نکند. دانشگاه ملک شخص هیچ چهره، خاندان یا جریان قدرتی طلبی نیست... سلطنت بر پایه نابرابری ذاتی بنا شده است. نظامی که در آن «خون» امتیاز سیاسی تولید می کند، با برابری شهروندی جمع نمی شود...

تاج باشد یا عمامه، تفاوت در نماد است نه در منطق. ما با خود منطق تقدیس قدرت در ستیزیم...»

موضع ما بی پرده و بی واسطه است:

نه به سلطنت و هر شکل از اقتدار موروثی...»

"پروپاگاندای رسوایی آور"



روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه خوارزمی نسبت به توییت رضا پهلوی مبنی بر حمایت دانشگاه از وی بیانیه ای صادر کرد، در زیر بخشهایی از این بیانیه را می خوانید:

«دانشگاه خوارزمی به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای علمی کشور، حافظه ی تاریخی زنده ای از جنایات "ساواک" در دیروز و جنایات حمایت ادعای حمایت دانشگاهیان از جریان سلطنت طلب، توهینی آشکار به ساحت روشنفکری و مبارزه است.

توییت اخیر مبنی بر حمایت دانشگاه ها، یک "پروپاگاندای رسوایی آور" برای مصادره خون دانشجویان است. ما اعلام می کنیم که خط قرمز جنبش دانشجویی، "نفی هرگونه تمامیت خواهی" است. کسی که دموکراسی را مشروط به "ژن" و "خون" می داند و اطرافیانش هنوز به زبان جمشید و شعبان بی مخ سخن می گویند، جایی در آینده ی ایران ندارد...»

بقیه در صفحه ۲۴

**بخش اول: تجارت پهلوی با خون دانشجو ممنوع!**

«مصادره اعتراضات دانشجویی توسط جریان پهلوی»

شماری از دانشجویان دانشگاه بهشتی با یاد دوستان و هم کلاسی های خود و در سوگ مردم وطنمان ایران در آستانه روز چهلم بیانیه ای صادر کردند و در آن به مصادره اعتراضات دانشجویی توسط جریان پهلوی اشاره می کند، در زیر به بخشهایی از این بیانیه اشاره شده است:

«هرچه از آن روزهای دی فاصله می گیریم، بیش از پیش به واقعیتی نگران کننده پی می بریم. همزمان با تداوم سرکوب و خشونت، تلاشهایی سازمان یافته برای مصادره اعتراضات دانشجویی به نام «جاوید شاه» در جریان است؛ تلاشهایی که امروز دامنه آن به دانشگاههای کشور نیز رسیده است.

نمی توانید دانشجو را به سود پروژه های سیاسی خاص به یغما ببرید. آنچه امروز شاهد آن هستیم، سرقت نام دانشگاه و جنبش دانشجویی است؛ سرقتی که با استفاده از شعارهایی چون «جاوید شاه» و نسبت دادن اعتراضات به جریان پهلوی صورت می گیرد. هیچ دانشجویی خود را به هیچ جریانی مرتبط نمی داند. بیانیه هایی با اسم جاوید شاه، صنعت بیانیه نویسی ای خارج نشین هاست. ما این روند را نه نشانه همبستگی، بلکه تلاشی آگاهانه برای انحراف مسیر جنبشی می دانیم که باید به آزادی منتهی شود...»

«پاسخ به توهنات مجازی!»

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان در بیانیه ای با تیتراژ «پاسخ به توهنات مجازی!» خطاب به پسر شاه مخلوع می نویسند: «ما برای مردم به خیابان آمدیم، نه برای پس گرفتن تاج و تخت شما».

در زیر بخشهایی از این بیانیه را می خوانید:

«در این روزهای خونین و شوم که شجاع ترین و دل آورترین هایمان به دست سیستم کنونی به قتل رسیدند و فریاد حق خواهی ما با گلوله پاسخ داده شد، شاهد هستیم مصادره ای در جریان است.

همدان بیدار است و به "شاه" باج نمی دهد

در روزهایی که دانشگاه بوعلی همدان همگام با سراسر ایران، هزینه آزادی را با بازداشت و تعلق و خون می دهد، شاهدیم که آقای رضا پهلوی در توییتی مضحک، مدعی حمایت دانشگاه ها از خود شده است.

ما دانشجویان دانشگاه بوعلی، صریحاً اعلام می کنیم که این "آمارسازی ها"، تنها مصرف داخلی برای دربار مجازی ایشان دارد و هیچ ریشه ای در واقعیت کف دانشگاه ندارد.

جناب پهلوی! دانشگاه محل "علم و آگاهی" است، نه محل "خرافات و ژن خوب". دانشجویی که علیه دیکتاتوری مذهبی حاکم قیام کرده، آنقدر شعور سیاسی دارد که به دامان دیکتاتوری پدرسالارانه پناه نبرد. ما برای مردم به خیابان آمدیم، نه برای پس گرفتن تاج و تخت شما...»

«تجارت با خون دانشجو ممنوع!»

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، و در پی انتشار توییتی از رضا پهلوی مبنی بر حمایت دانشجویان از وی، دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی موضع روشنی در این رابطه گرفته و در بیانیه ای که بخشهایی از آن را در زیر می خوانید، اعلام کردند:

«تجارت با خون دانشجو ممنوع!»

در حالی که ما در کف خیابان های تهران و در راهروهای کمیته انضباطی با هیولای استبداد دست و پنجه نرم می کنیم، عده ای در سواحل امن خارج از کشور، با اکانت های فیک و توییت های تخیلی، مشغول فتوحات مجازی هستند.

ادعای رضا پهلوی مبنی بر حمایت دانشگاه ها، یک دروغ بزرگ و موج سواری وقیحانه بر رنج ماست. ما دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی اعلام می کنیم: کسی که ۴۰ سال با پول غارت شده ی همین مردم زندگی کرده و حتی یک روز کارنامه ی مبارزاتی ندارد، حق ندارد خود را وکیل وصی جنبش دانشجویی بداند.

ما شهروندیم، نه رعیت. چه رعیت ولی فقیه، چه رعیت شاه...»

## دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۳

## بخش دوم: اخبار گوناگون

## «جریان فرصت طلب پادشاهی»

جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، بیانیه ای نسبت به جریان فرصت طلب «پادشاهی» صادر کردند، در بخشهایی از این بیانیه آمده:

«ما جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به عنوان بخشی از بدنه آگاه جنبش دانشجویی ایران در این برهه حساس تاریخی لازم می‌دانیم تا در برابر جریان خزنده و فرصت طلبی که قصد دارد با تحریف تاریخ و ایجاد هیاهوی کاذب رسانه‌ای، دانشگاه را به زائده‌ای از استبداد موروثی تبدیل کند، اعلام موضع نماییم.»

دانشگاه شریف از دیرباز کانون نفی هر گونه دیکتاتوری چه در فرم «تاج» و چه در فرم «عمامه» بوده است و هویت تاریخی این نهاد با مبارزه علیه ساختارهای توتالیتر گره خورده است...

جریانی که امروز لاف دموکراسی می‌زند، بر همان سیستم‌هایی تکیه دارد که بر روی خون دانشجویان استوار بود. ما تاریخ را خوانده‌ایم. خاندان پهلوی همان‌گونه که اسناد تاریخی و پژوهش‌های مستقل گواهی می‌دهند، دانشگاه را نه به عنوان منبع آگاهی و پیشرفت، بلکه به عنوان تهدیدی امنیتی می‌دیدند و پاسخ دانشجویان را با ساواک، شکنجه و گلوله می‌دادند. کسی که از تبار سرکوبگران دانشجویان است و هنوز حاضر نیست جنایات گذشته را محکوم کند و حتی وعده حفظ نهادهای سرکوبگر فعلی (سپاه و بسیج) را می‌دهد، نمی‌تواند ادعای همسویی با دانشگاه را داشته باشد...»

## «هشدار به مصادره‌گران جریان پهلوی!»



روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۴، تشکل دانشجویان پیشرو در بیانیه ای با مضمون «هشدار به مصادره‌گران جریان پهلوی» بیانیه ای صادر کردند که در زیر بخشهایی از آن را می‌خوانید:

«به‌کرات شنیده‌ایم که "تاریخ را فاتحان می‌نویسند" و روایت خود را پس از پیروزی بر واقعیات و تحولات اجتماعی تحمیل می‌کنند؛ اما گوش‌مان از شنیدن این افسانه محروم بود که کسانی هم هستند که به‌صرف خیال‌پردازی در مورد رسیدن

به پیروزی، با تکیه بر ابزارهایی چون مصادره، حذف، تخریب، دروغ‌پراکنی و تفرقه‌افکنی، این حق را برای خود قائل‌اند که روایتی وارونه از تاریخ ارائه دهند، مبارزین و نیروهای اصیل پیش‌برنده تحولات را خام‌اندیشانه انکار کنند و در اوهام خود آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی را دفن کنند...»

به نظر، اشتباهی جریان فاشیستی پهلوی را پایانی نیست؛ تا جایی که می‌خواهند نزدیک به هشتاد سال مبارزات دانشجویان علیه دو دیکتاتوری پهلوی و جمهوری اسلامی را با شعبده‌بازی یک رسانه با نام "خبرنامه امیرکبیر" ناپدید کنند...

پروژه شما در دانشگاه‌ها چیزی نبود جز دوگانه تخریب و فعالیت مخالف سلطنت و هیاهوی رسانه‌ای بدون تأثیر مثبت عینی در واقعیات جنبش دانشجویی...

در این میان، ما به عنوان "تشکل دانشجویان پیشرو" به‌همراه سایر تشکل‌ها، گروه‌ها و جمع‌های دانشجویان دانشگاه‌های مختلف، علیه این مصادره و تحریف آشکار مبارزات دانشجویان می‌ایستیم و در عین حال همه فعالان و تشکل‌ها را فرا می‌خوانیم که در کنار هم، سنگر آزادی و مبارزه با استبداد در دانشگاه را از گزند حملات حامیان جریان پهلوی مستحکم نگه داریم...»

## «نه به تمامیت جمهوری اسلامی جنایتکار و نه به فاشیسم پهلوی»

جمعی از دانشجویان مقاطع دکتری و ارشد دانشگاه تهران، روز یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴، تقلیل دادن «صدای مستقل و خونین دانشگاه» به «پژواک جریان‌های دیگر» را مصداق بارز توهین به شعور آکادمیک از جانب ورشکستگان سیاسی می‌دانیم.

ما دانشجویان که از ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ «پراکسیس انقلابی» را نه در تئوری‌های انتزاعی، بلکه با هزینه خون، شکنجه و زندان در کف خیابان مشق کرده‌ایم، اکنون به چنان «بلوغ تاریخی و اجتماعی» دست یافته‌ایم که نیازی به قیام‌هایی کسانی که نان را به نرخ روز می‌خورند نداریم...

## خودکشی نیا ثمری دانشجوی دانشگاه تهران

بر اساس گزارش‌های رسیده روز یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴، نیا ثمری، دانشجوی کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه تهران، اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.

## ورود دانشجویان کارشناسی تا اطلاع ثانوی ممنوع شد

بر اساس مصوبات جدید هیات رئیسه دانشگاه بهشتی (ملی)، روز دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴، مجموعه ای از محدودیت‌های گسترده در این دانشگاه اعمال شده که به ممنوعیت ورود تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی تا اطلاع ثانوی انجامیده است...

طبق این مصوبه و برخلاف هماهنگی‌ها و اعلام‌های پیشین، ورود دانشجویان مقطع کارشناسی به دانشگاه ممنوع اعلام شده و هم‌زمان، رزرو غذای این دانشجویان برای تمامی وعده‌ها لغو شده است؛ به گونه‌ای که امکان رزرو مجدد نیز وجود ندارد. همچنین، باوجود اطلاع رسانی‌های قبلی، رزرو وعده شام برای دانشجویان بومی مقاطع تحصیلات تکمیلی امکان‌پذیر نیست و سلف مرکزی نیز برای وعده شام غیرفعال اعلام شده است.

## اعتراض دانشجویان با ترک محل سخنرانی معاون دانشجویی

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در روز دوشنبه ۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، در تجمعی اعتراضی و دادخواهانه نسبت به آنچه «سنگ‌اندازی مسئولان دانشگاه در عدم برگزاری مراسم سوگواری آیدا حیدری» عنوان شده، گرد هم آمدند.

در جریان این تجمع، پس از حضور پورغریب، معاون دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشجویان سوگوار با ترک محل تحصن، مانع ادامه سخنرانی وی شدند.

از جمله شعارهای سر داده شده توسط دانشجویان در این تجمع می‌توان به «یا مرگ یا آزادی»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» اشاره کرد.

## تلاش رژیم در معرفی شهیدان سرفراز قیام به عنوان حکومتی



در حالی که صفورا جعفری، دانشجوی رشته ریاضیات دانشگاه خمینی قزوین، روز جمعه ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴، در محدوده الوند و زیباشهر قزوین به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسیده، این دانشگاه وقیحانه در تلاش است تا این دانشجو را شهید حکومتی جا بزند.

دانشگاه با انتشار پیامی مدعی شده که این دانشجو «به دست مزدوران آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده است».

## اعتراض سراسری دانشجویان به مجازی‌سازی آموزش



روز دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف کشور، از جمله دانشکدگان مدیریت دانشگاه تهران، دانشگاه خوارزمی (واحد کرج)، دانشگاه گیلان و دانشگاه الزهراء، در واکنش به مجازی‌سازی آموزش و برگزاری امتحانات غیرحضوری، با صدور بیانیه‌ها و فراخوان‌های جداگانه، از تحریم امتحانات و مخالفت با تعطیلی فضای حضوری دانشگاه و خوابگاه‌ها خبر دادند.

بقیه در صفحه ۲۵

## دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۴

در بخش اطفال مشغول به فعالیت بودند، پس از گذشت حدود ۲۰ ساعت در اتاق محل سکونت شان در خوابگاه دانشجویی کشف شده است. در حال حاضر گمانه‌زنی‌های متفاوتی در مورد علت فوت این دو دانشجو در فضای مجازی دیده می‌شود؛ از خودکشی تا قتل به دست عوامل حکومتی. اما فراموش نکنیم که در هر صورت، قاتل آنان، شخص علی‌خامنه‌ای می‌باشد.

## تحصن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران



روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در اعتراض به کشتار و بازداشت دانشجویان تحصن کردند. نیروهای حراست با خشونت تحصن دانشجویان را به هم زدند و در جواب به همدردی این دانشجویان گفتند: سر خاکشان همدردی کنید!

## اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد



روز سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴، مراسم یادبود جاوید نام فائزه حسین نژاد دانشجوی ورودی ۱۴۰۲، مامایی دانشگاه آزاد مشهد در دانشکده پرستاری و مامایی با وجود حضور عوامل بسیج و نیروی انتظامی رو به روی مسئولین در ساعت ۱۱ برگزار شد. دانشجویان شعار می‌دادند: «دانشجو میمیرد، ذلت نمیپذیرد»

## اعتراض و تحصن دانشجویان دانشکده دندانپزشکی تبریز



بقیه در صفحه ۲۶



## حکم «محاربه» برای امین پورفرهنگ

امین پورفرهنگ، شهروند شیروان که پیش از این دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف بوده و در حال حاضر در حال تحصیل در رشته داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد می‌باشد، در جریان اعتراضات اخیر توسط مأموران حکومتی بازداشت و با اتهام سنگین "محاربه" رو در روست.

## تحریم امتحانات از سوی دانشجویان دانشگاههای گوناگون



بعد از اعلام تحریم امتحانات از سوی دانشجویان دانشگاه بهشتی، روز شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴، دانشجویان دانشکده پرستاری مامایی این دانشگاه با حضور مقابل سالن امتحانات، دست به تحصن زدند و از دادن آزمون خودداری کردند.

همزمان دانشجویان دانشکده داروسازی تبریز ضمن حضور در دانشکده، از شرکت در امتحانات پایان‌ترم خودداری کردند. دانشجویان همچنین خواستار آزادی دانشجویان بازداشتی از جمله مهدی کوهساری، دانشجوی سال چهارم پزشکی شدند.

در همین روز، دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، با برگزاری اعتصاب و تجمع اعتراضی، خواستار تحریم و لغو امتحانات و همچنین حمایت از پزشکان بازداشت شده شدند. دانشجویان معترض با اشاره به سرکوب اعتراضات مردمی اعلام کردند: «همکلاسی‌هایمان را کشته‌اید، بسیاری را نابینا و زخمی کرده‌اید؛ ما تا زمانی که عدالت و کرامت انسانی برقرار نشود، به زندگی عادی باز نمی‌گردیم.»

همزمان دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در حمایت از قیام دی ماه و در پشتیبانی از تحریم امتحانات توسط دانشگاه‌های کشور دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان هم با شرکت نکردن در امتحانات حضوری، دست به اعتصاب زده و خواستار تحقق عدالت آموزشی و مجازی شدن امتحانات در شرایط فعلی کشور شدند.

همزمان جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد هم در اعتراض به کشته شدن همکلاسی خود پارسا صفار، مقابل دانشکده پزشکی این دانشگاه دست به تحصن زده و از شرکت در امتحانات خودداری نمودند.

## تداوم اعتراضات دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

اعتراض دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، روز سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴، برای چهاردهمین روز متوالی ادامه یافت. جمعی از دانشجویان این دانشگاه با برگزاری تحصن و تجمعی مسالمت آمیز مقابل دانشکده داروسازی، اعتراض خود را اعلام کردند. گزارش‌ها حاکی است که هم‌زمان با برگزاری این تجمع، فضای اطراف دانشکده داروسازی به شدت امنیتی بوده و نیروهای حراست و بسیج از پیش در محل حضور داشته‌اند. به گفته شاهدان، محاصره نیروهای امنیتی هم در داخل دانشکده و هم در محوطه بیرونی و ورودی‌ها به صورت گسترده برقرار بوده است.

## درگذشت ناگهانی دو دانشجو در خوابگاه

پیکر دو دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی تهران، فرهاد سالاری و عرفان طاهرخانی، که به ترتیب رتبه‌های ۵۷ و ۵۵ کنکور سراسری سال ۱۴۰۰ بوده و در حال حاضر به عنوان استاجر

ششمین روز اعتراض دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز



دانشجویان علوم پزشکی شیراز در روز شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴، برای ششمین روز متوالی در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند و نام و یاد هم‌کلاسی‌های کشته‌شده‌شان را گرامی داشتند. آنان همچنین خواستار آزادی سعید جوانبخت، اینترن پزشکی شیراز که به علت امداد رسانی به مجروحان دستگیر شده و در زندان به سر می‌برد، شدند. شعارهای سر داده شده در تجمعات دانشجویان: خط مقدم جان، فداییان ایران، دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد / سعید جوانبخت، آزاد باید گردد / قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان

تجمع دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد روز دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴، طبق فراخوان قبلی، در اعتراض به حکم صادر شده برای امین پورفرهنگ، دانشجوی این دانشگاه و کشته شدن پارسا صفار و محمدمهدی سالاری، مقابل دانشکده داروسازی تجمع کردند. دانشجویان در این تجمع شعار می‌دادند: آزادی، آزادی، آزادی / دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد / قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان

اقدام هماهنگ شده توسط دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان

روز جمعه ۲۴ بهمن ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در تصمیمی جمعی نسبت به عدم شرکت در کلاس‌های مجازی، در اقدام همگانی تصمیم گرفتند: در ابتدای زمان برگزاری کلاس، همه دانشجویان به صورت همزمان وارد جلسه مجازی شوند. به صورت هماهنگ، متنی واحد مبنی بر اعتراض به مجازی شدن غیرموجه کلاس‌ها و امتناع از ادامه حضور در جلسه ارسال شود.

پس از اعلام موضع، همه دانشجویان به صورت جمعی از جلسه خارج شوند. متن: «استاد گرامی، با احترام به جایگاه آموزشی شما، به اطلاع می‌رساند که طبق تصمیم جمعی دانشجویان، این کلاس به نشانه اعتراض به مجازی شدن و منع حضور دانشجویان کارشناسی در دانشگاه تا اطلاع ثانوی تحریم می‌باشد. هدف ما نه توهین به ساحت علم، بلکه شنیده شدن صدای دانشجویان است. کلاس را به نشانه اعتراض ترک می‌کنیم.»

تحصن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران

روز شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران، با در دست داشتن تصویر آیدا حیدری، دانشجوی کشته شده پزشکی این دانشگاه یاد او را گرامی داشتند و با شرکت نکردن در امتحان دست به تحصن زدند. همچنین در ادامه بیانیه ای قرائت شد و دانشجویان خواستار آزادی کادر درمان بازداشتی شدند.

عباس دلجوئی ۱۲ روز بعد از آزادی درگذشت!



زننده یاد عباس دلجوئی، دانشجوی دکتری دامپزشکی دانشگاه چمران اهواز که پیش‌تر بازداشت شده بود، ۱۲ روز پس از آزادی (۲۶ بهمن) در خواب سکنه کرد و جان خود را از دست داد. دلجوئی روز ۱۸ دی ۱۴۰۴، بازداشت شده و ۱۴ بهمن آزاد شده بود. اطلاعات دقیقی از آنچه در دوران بازداشت بر او گذشت در دسترس نیست. به گفته دوستانش، او در دوران بازداشت شکنجه شده بود.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۵

به گزارش انجمن دانشجویان دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، روز سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴، دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند. همچنین دانشجویان یادبودی برای دانشجویان کشته‌شده برگزار کردند و خواستار آزادی دانشجویان بازداشت شده از جمله دانشجویان دانشگاه تبریز شدند.



روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴، همزمان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز با تجمع مقابل مرکز جامع آزمون و محوطه دانشکده یاد کشته‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه را گرامی داشتند و خواستار آزادی دانشجویان بازداشتی شدند.

موفقیت ۸۴ درصدی تحریم امتحانات، علوم پزشکی مشهد

موفقیت ۸۴ درصدی اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی مشهد با تحریم امتحانات!



روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴، در گزارشی که تشکل دانشجویان پیشرو از شرکت دانشجویان علوم پزشکی مشهد در تحریم امتحانات ارائه کرد، تعداد ۷۹۶ دانشجو مخالف برگزاری امتحانات پایان ترم بودند. این اعتصاب با موفقیت ۸۴ درصدی همراه بوده است. اکثریت دانشجویان از فراخوان سراسری تحریم امتحانات استقبال و از شرکت در امتحانات خودداری به طور گسترده خودداری کردند.



در ششمین گزارش تشکل دانشجویان پیشرو در رابطه با تحریم امتحانات از طرف دانشجویان، بررسی‌های این تشکل از عدم شرکت ۸۳ درصد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج خبر می‌دهد. با این تفصیلات تنها ۱۷ درصد نسبت به این امر بی‌توجه و یا بی‌تفاوت بوده‌اند.

تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

روز شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در تجمعی اعتراضی همدردی و همبستگی خود را با شهیدان دیماه اعلام کرده و خواهان آزادی کادر درمان این دانشگاه شدند. دانشجویان در پلاکاردهای خود نوشته بودند: «آزادی کادر درمان»

## بخش سوم: فراخوانها و بیانیه های دانشگاههای کشور

## دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۶

### یادداشت علی یونسی و امیرحسین مرادی



- بیانیه مشترک و فراخوان دانشجویان سراسر کشور؛ اعتصاب سراسری
- فراخوان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران
- اطلاعیه اتحادیه دانشجویان دمکرات کوردستان
- فراخوان دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز
- بیانیه دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ تهران
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه الزهرا
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد رشت
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه
- بیانیه ۳۴ تن از دانشجویان و دانش‌آموختگان جمهوری‌خواه داخل ایران
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان
- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- سوگنامه اعتراضی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
- انجمن علمی و دانشجویی مهندسی نفت و زمین انرژی دانشگاه یزد

### بیانیه و فراخوان برای تحریم کلاسهای مجازی و آزمونها

دانشجویان سراسر کشور در اعتراض به کشتار فجیع حکومت در دیماه ۱۴۰۴، در بیانیه ها و فراخوانهای متعددی شرکت در کلاسها و امتحانات پایان ترم را تحریم کرده و شیوه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را عادی سازی کشتار تلقی می کنند. در زیر اسامی دانشگاهها و دانشجویانی که در این تحریم شرکت داشته اند را می خوانید. لازم به توضیح است، بیانیه و فراخوانهای دانشگاه ها و دانشجویان به زودی بصورت کامل منتشر خواهد شد.

- دانشجویان هنرهای زیبا
- دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
- دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- دانشجویان دانشگاه خوارزمی (واحد کرج)
- دانشجویان دانشگاه گیلان
- دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه بهشتی
- جمعی از دانشجویان پردیس علوم دانشگاه تهران
- دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی نیشابور
- دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی مشهد
- بیانیه ۱۳۵ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
- دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان
- دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد
- دانشجویان دانشگاه گیلان
- دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران
- دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان
- دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز
- دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی یزد
- انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
- دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز
- دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی
- دانشجویان دانشگاه داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
- دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
- دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- دانشکده عکاسی دانشگاه هنر شیراز
- دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

روز دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴، علی یونسی و امیرحسین مرادی دو دانشجوی نخبه از زندان های قزلحصار و اوین یادداشتی در بزرگداشت چهلم کشته شدگان دیماه منتشر کرد.

یادداشت علی یونسی: «ما مردمی هستیم با تاریخ و فرهنگی سرشار از حماسه. اما دی ماه خونین فراتر از حماسه بود. در کدام حماسه ای دختران از کاوه ها و پسران از سیاوش ها شجاع ترند؟ در کدام حماسه ای دیو سیاه شب این چنین از هیچ جنایتی دریغ نمیکنند؟ به راستی در کدام حماسه مادران داغدار بر مزار فرزندانشان رقصیدند و شعر خواندند و کف زدند؟ ببینید چگونه حماسه نیز در برابر ایران تعظیم کرده است.»

یادداشت امیرحسین مرادی: «چراغ این مبارزه خاموش نشده و در اعتراضات دانشجویان متبلور است. دانشجویان آمدند و نشان دادند این قیامی بی پایه و بی جهت نیست و آگاه ترین اقشار در آن نقش دارند. بله ما می خواهیم خودمان سرنوشتمان را تعیین کنیم...»

### تجمع دادخواهی در دانشگاه فردوسی مشهد



سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ جمعی از دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد با برگزاری مراسمی چهلم محمد مهدی سالاری و پارسا صفار را گرامی داشتند. همزمان جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی با تجمع در صحن دانشگاه، در اعتراض به کشتار دی ماه و دادخواهی کشته شدگان شعار سر دادند: قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان / دانشجو بیدار است از قاتل بیزار است / هر یه نفر کشته شه هزار نفر پشتشه / دانشجو داد بزن حقو فریاد بزن / آزادی آزادی

### بزرگداشت چهلمین روز شهیدان در دانشگاه سیراز

روز سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴، برگزاری مراسم یادبود در دانشگاه شیراز برای معترضان شجاعی که در راه گرفتن حق زندگی به قتل رسیدند!

## دانشگاه در ماهی که گذشت

## بقیه از صفحه ۲۷

- دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
  - دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
  - دانشگاه خوارزمی (واحد کرج)
  - دانشگاه گیلان
  - دانشگاه هنر تهران
  - پردیس علوم دانشگاه تهران
  - دانشگاه باهنر کرمان
  - دانشکده حقوق و علوم دانشگاه تهران
  - دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین توسی
  - دانشکده علوم زیستی و فناوری بهشتی
  - دانشگاه صنعتی شیراز
  - دانشگاه علامه
  - دانشکده علوم ورزشی بهشتی
  - دانشجویان علوم مهندسی دانشگاه تهران
  - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
  - دانشگاه علوم پزشکی تهران
  - دانشگاه علوم پزشکی شیراز
  - دانشگاه علوم پزشکی ایران
  - دانشگاه جندی شاپور: دانشکده پزشکی، دانشکده دندانپزشکی
  - دانشگاه شاهد تهران، دانشکده پزشکی، دانشکده دندانپزشکی
  - دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد
  - دانشگاه علوم پزشکی نیشابور
  - دانشگاه علوم پزشکی تبریز: دانشکده داروسازی، دانشکده توانبخشی، دانشکده پزشکی
  - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
  - دانشگاه علوم پزشکی شاهرود: دانشکده پزشکی
  - دانشگاه علوم پزشکی بابل: دانشکده پزشکی
  - دانشگاه علوم پزشکی کردستان
  - دانشگاه علوم پزشکی یزد
  - دانشگاه علوم پزشکی مشهد
  - دانشگاه علوم پزشکی لرستان
  - دانشگاه علوم پزشکی البرز
  - دانشگاه علوم پزشکی کاشان
  - دانشگاه علوم پزشکی سمنان
  - دانشگاه علوم پزشکی بجنورد
  - دانشگاه علوم پزشکی قم
  - دانشگاه علوم پزشکی همدان: دانشکده داروسازی
  - دانشگاه علوم پزشکی زنجان: دانشکده داروسازی
  - دانشگاه علوم پزشکی ارومیه: دانشکده داروسازی
  - دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
  - دانشگاه علوم پزشکی کرمان: دانشکده داروسازی
  - دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
  - دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
  - دانشگاه علوم پزشکی گرگان
  - دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آبادان
  - دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
  - دانشجویان دانشکده علوم پزشکی پردیس خودگردان رامسر دانشگاه علوم پزشکی مازندران
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
  - دانشجویان دانشگاه علامه
  - دانشجویان دانشگاه کردستان
  - اعضای انجمن های علمی دانشگاه شیراز
  - دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان
  - دانشجویان دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی تهران
  - دانشجویان دانشگاه شیراز
  - دانشجویان دانشگاه بجنورد
  - انجمن های علمی دانشجویی دانشگاه علم و صنعت ایران
  - کانون های فرهنگی هنری دانشگاه علم و صنعت ایران
  - انجمن آرمان دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران
  - انجمن رویش دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران
  - شورای صنفی - رفاهی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران
  - دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان
  - دانشجویان دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد
  - دانشجویان دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد
  - دانشجویان دانشکده علوم زیستی و فناوری دانشگاه بهشتی
- بیانیه های دانشجویان در محکومیت کشتار دیماه**
- دانشجویان سراسر کشور در واکنش به کشتار بی رحمانه رژیم ولایت فقیه در اعتراضات مسالمت آمیز شهروندان در دیماه، بیانیه های متعددی صادر کردند و این کشتار را نه اتفاقی بلکه برنامه ریزی شده اعلام کردند. در ذیل اسامی دانشجویان و دانشکده های که این کشتار سبب آن را محکوم کرده اند، را می خوانید. لازم به توضیح است، بیانیه و فراخوان های دانشگاه ها و دانشجویان بزودی بصورت کامل منتشر خواهد شد.
- دانشجویان دانشکده علوم و فناوری زیستی دانشگاه بهشتی
  - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز
  - دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
  - دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی
  - دانشجویان دانشکده علوم ورزشی دانشگاه بهشتی
  - انجمن های علمی دانشگاه هنر اصفهان
  - دانشجویان دانشگاه خوارزمی
  - دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران
  - دانشجویان دامپزشکی
  - دانشجویان دانشگاه بیرجند
  - بیانیه دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج
  - دانشجویان مجتمع آموزش عالی گناباد
  - دانشجویان دانشگاه آزاد واحد لاهیجان
  - دانشجویان دانشکده کامپیوتر دانشگاه بوعلی همدان
  - دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکزی
  - دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان
  - دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
  - دانشجویان دانشگاه هنر سوره
  - دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکزی
  - دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود
  - انجمن های علمی دانشگاه یزد
  - دانشجویان دانشکده حقوق و علوم اجتماعی
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز
  - بیانیه فراگیر دانشجویان سراسر کشور
  - بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال
  - دانشجویان و دانش آموزان دانشگاه سوره
  - دانشجویان دانشگاه هنر شیراز
  - دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران
  - دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه یزد
- (منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام دانشجویان متحد، تلگرام خبرنگار امیر کبیر، تلگرام دانشجویان پیشرو، تلگرام انقلاب زنانه، حال وش)

## حرکت ماشین قتل عام به سمت بازداشت‌شدگان

منصور امان

مطلق خود بر آن به هر قیمت و با هر وسیله هستند. کُشتار گروهی و قُتل زدن به اینترنت پایه اصلی این استراتژی بقا است. مدل چنین سیاستی را رژیم اسراییل در ابعاد جغرافیایی کوچکتر در غزه به کار بسته است که هدف روشن آن حذف جمعیت فلسطینی و سکونت ناپذیر کردن سرزمین است.

دسترسی بی‌واسطه رژیم ولایت فقیه به بازداشت‌شدگان، ادامه آنچه که در خیابانها مُرتکب شد را ممکن و ساده کرده است. منابع حقوق بشری شمار این عده را بیش از پنجاه هزار نفر تخمین می‌زنند که خوش بینانه به چشم می‌آید. در اعتراضات شهریور ۴۰۱ که از نظر گستردگی جغرافیایی و تعداد شرکت کنندگان در مقیاس کوچکتری با خیزش دی ماه قرار داشت، دستگاه حاکم به دستگیری بیش از صد هزار نفر اعتراف کرد.

برای رژیم قصاب ج.ا کُشتار گسترده و سراسری مُعترضان هنوز به معنای پایان یورش به مردم ایران نیست. دستگاه‌های امنیتی و بازوی قضایی آنها، ده‌ها هزار مُعترض بازداشت شده و خانواده‌های آنها را در کانون تهاجم خود قرار داده‌اند.

دستگاه حاکم آگاهانه از اطلاع‌رسانی پیرامون شمار، هویت و محل نگهداری بازداشت‌شدگان خودداری می‌کند و فراتر از این، بشدت مانع از انجام آن می‌شود. بیهوده نیست که در این میان، در ادبیات محافل حقوق بشری و سیاسی، اصطلاح «ناپدیدشدگان» نیز در کنار «بازداشت‌شدگان» رایج شده است.



گزارشهای گوناگونی از اعدام بازداشت‌شده‌ها و رها کردن پیکر آنها یا قلمداد کردن آنها به عنوان کُشته شده در جریان اعتراضات منتشر شده است. یک نهاد دانشگاهی (انجمن علمی - دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس) از پیکرهای پنجاه زن نام برده که زیر برچسب «ناشناس» به سردخانه آورده شده‌اند. به موازات آن، آخوند قاتل، اژه ای، با انتقاد از «سرعت عمل» نداشتن قاضیان تحت امرش، خواهان «تعیین تکلیف هر چه سریع‌تر پرونده‌های عناصر فعال در اغتشاشات» شده است و بدینوسیله به گونه ناخواسته به «تعیین تکلیف» هرچند «کُند» شماری از بازداشت‌شده‌ها اعتراف کرده است.

جان مُعترضان بازداشت‌شده و کوشندگان صنفی و سیاسی که در موج دستگیریهایی پس از خیزش دی به چنگ رژیم ولایت فقیه افتاده‌اند، به گونه جدی در خطر است. نباید اجازه داد جلادان خامنه ای در سکوت و پنهان تیغ بر گلویشان بگذارند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۳ بهمن

در پس امتناع و حساسیت دستگاه حاکم، تلاش برای ایجاد یک محیط امن و پیدا کردن دست باز برای ادامه کُشتاری است که گویا از نگاه آن کافی نبوده و خطر را از سرش دور نکرده است. حمله سراسری به مردم با سلاح جنگی و سبک، قمه، چاقو و تیغ موکت‌بری نشانگر یک خط و دستور امنیتی برای گرفتن هر چه بیشتر قربانی است. رژیم ولایت فقیه در این رویکرد، حتی مرزهای شناخته شده خود در ارتکاب به جنایت را فرسنگها پُشت سر گذاشت و یک قتل‌عام تمام عیار را برآه انداخت. فاش کننده‌ترین نشانه وجود این خط، حمله به بیمارستانها برای قتل مجروحان و ربودن آنها و نیز مراجعه به منازل و قتل افراد در درگاه است؛ آنچه که پرده ای دیگر از جهت‌گیری کلی برای کُشتن شمار هرچه بیشتری از مُعترضان را گواهی می‌دهد.

در این سیاست، اولویت رژیم حاکم ایجاد شوک در جامعه و بازدارندگی روانی نیست، بلکه تاثیر مستقیم فیزیکی و جمعیتی کُشتار را هدف گرفته است. «نظام» کمربند حذف آن گروه اجتماعی بسته است که آمادگی رفتن به خیابان و پتانسیل سرنوشتی‌اش را دارد و گمان می‌کند که همراه با حذف آن، فرهنگ و بنیادهای فکری‌اش نیز پاک خواهد شد و میدان را به دست خواهد گرفت. دژخیمان حاکم بر کشور در پی «یکدست‌سازی» جامعه و تامین سلطه

## ستاد حقیقت یاب

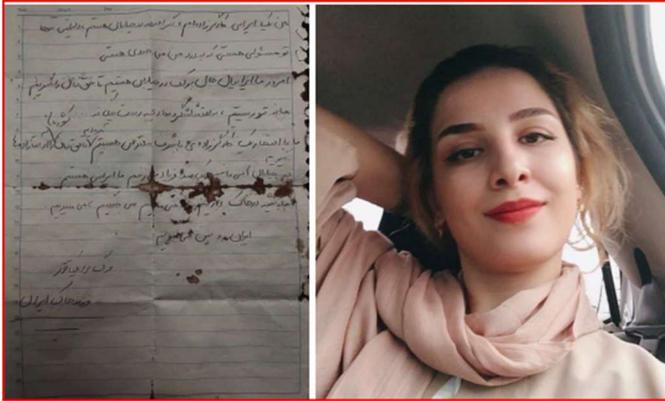
## یا ساز و کاری برای تبرئه قتل عام؟

زینت میرهاشمی

## وصیت نامه خونین خدیجه علیپور دختر یک کارگر

جاوید نام خدیجه علیپور، وصیت نامه اش را در جیب گذاشت ، تا بگوید آگاهانه به خیابان آمده است

او ۱۸ دی در فردیس کرج ، با گلوله ماموران رژیم کشته شد



جنایت‌سازمانیافته علیه شهروندان معترض، طی دو شب (۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴) در سراسر ایران توسط حکومت ولایت فقیه چنان هولناک بود که در مقیاس خشونت‌های دولتی در جهان و در حافظه مردم ایران ثبت شده است. بدون شک، این خشونت حکومتی با هیچ سازوکار داخلی برای حقیقت یابی و تعیین عاملان آن قابل بررسی نیست. البته این نکته به ثبت رسیده که این قتل عام به امر ولی فقیه صورت گرفته است.

به دستور مسعود یزشکیان، در مقام ریاست جمهوری، «جلسه ستاد بررسی حوادث دی ماه» با حضور برخی اعضای کابینه و شماری از مسئولان خارج از دولت تشکیل شد. محور کار این ستاد «ریشه یابی دقیق، ترمیم شکافها و جلوگیری از تکرار این رخدادها» اعلام شده است.

تشکیل چنین ستادی، آن هم با حضور کسانی که وظیفه شان اجرایی کردن دستور خامنه‌ای برای «سر جا نشانیدن» معترضان بوده و از همه ابزارهای سرکوب، حتی گلوله‌های جنگی استفاده کرده اند، معادل آن است که متهمان خود بر سکوی دادرسی بنشینند و پرونده جنایت خود را بررسی کنند.

این سازوکار نه «حقیقت یاب» بلکه ستاد سازماندهی تطهیر جنایت است و اساسا باطل و مشروعیت ندارد. وقتی متهمان، داور جنایت خود می شوند، روند زیر خاک کردن حقیقت برای تکرار همان جنایت آغاز می شود، حقیقت به حاشیه می‌رود و عدالت تنها نمایشی است. این چرخه باطل در جمهوری اسلامی باید هرچه سریع‌تر گسسته شود.

ریشه‌یابی جنایت در محضر جنایتکاران جمهوری اسلامی، سابقه‌ای به درازای عمر خود حکومت دارد. این یعنی نمایش مضحکی برای شستشوی رد خون. ترمیم شکافها هرگز پیش نخواهد رفت، چرا که آنچه بین رژیم و مردم وجود دارد، شکاف نیست؛ تضاد عمیق و جدایی کامل است.

به قول زنده‌یاد شاملو: «ابله‌ها مردا، عدوی تو نیستن من، انکار توام».

مردم منکر رژیم اند و سرنگونی آن را طلب می‌کنند. خیال باطل است که بخواهیم رابطه حکومتی خونریز را با مردمی که هم‌اورد آن هستند ترمیم کنیم.

جنایت سازمان‌یافته، از نسل‌کشی دی‌ماه تا جنایت دهه ۶۷ و ادامه آن تا امروز، در دادگاه صالح و بین‌المللی بررسی خواهد شد و سران حکومت بر صندلی متهم خواهند نشست. تنها این مسیر است که می‌تواند جلوی تکرار خشونت و سرکوب را بگیرد.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۰ دی

"من یک ایرانی کارگزارده‌ام.

اگر امروز در خیابان هستن، دلش تو مسئولی که به درد من می‌خندی هستی.

امروز ما ایرانیان جان بر کف در خیابان هستیم تا حق‌مان را بگیریم.

ما نه تروریستیم، نه اغتشاشگر و نه بازیچه‌ی دست بیگانه...

ما با افتخار یک کارگزارده‌ی با شرف معترض هستیم.

آمده‌ایم تا حق کشورمان را از آفازاده‌ها بگیریم.

در خیابان‌ها می‌مانیم.

یکصدا فریاد می‌زنیم؛ ما ایرانی هستیم.

ما ریشه در خاک داریم.

می‌مانیم، می‌جنگیم، می‌میریم،

ایران رو پس می‌گیریم.

مرگ بر دیکتاتور!

فرزند خاک ایران"

## طاها هوشیار، کودک ۱۲ ساله؛ جان‌باخته با شلیک

## گلوله جنگی در بومهن



طاها هوشیار، کودک ۱۲ ساله در روز پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهر بومهن تهران با شلیک مستقیم تیر جنگی به قتل رسیده است.

نام طاها هوشیار به فهرست کودکان و نوجوانان جان‌باخته این قیام اضافه شد؛ کودکانی که باید در مدرسه درس می‌خواندند، بازی می‌کردند و آرزو می‌کردند، اما با گلوله جنگی تروریست‌های رژیم روبه‌رو شدند.

## چشمک نفتی خامنه‌ای به ترامپ

منصور امان



جاویدنام علی محمد صادقی کودک ۲ ساله، نوزدهم دی ماه در دهق اصفهان در حالی که روی شانه‌های پدرش بود با شلیک گلوله جنگی نیروهای حکومتی به پهلویش به قتل رسید.

منبع: تلگرام شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران



در حالیکه آمریکا بدون وقفه در حال تکمیل آرایش نظامی خود در برابر رژیم ج.ا. است، ملاقات نمایندگان آن با فرستادگان خامنه‌ای در ژنو بدون نتیجه پایان یافته است. به این ترتیب تحول ژنو ماهیت نظامی اختلاف دو طرف را کمی بیشتر تقویت کرده است.

روز دوشنبه وقتی نماینده خامنه‌ای، عباس عراقچی، برای انجام مذاکره وارد ژنو شد، مژده داد که با دست پر و «ابتکارات واقعی» آمده است. با توجه به رویکرد قبلی حاکمیت در برابر دور تازه مذاکرات، روشن بود که «ابتکارات» اتاق فرمان رژیم ولایت فقیه موضوعات اصلی اختلاف را در برنمی‌گیرد و یک جاده فرعی برای وارد نشدن به آنهاست.

سوم بهمن ۱۴۰۴؛ «نازنین زهرا صالحی»، نوجوان ۱۳ ساله کورد اهل کرمانشاه، هویت یکی دیگر از جان‌باختگان اعتراضات مردمی کرمانشاه است که با شلیک مستقیم نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی کشته شده است.

یک روز بعد، این مَعْمَا را مَعْمَا عراقچی و عَضُو تیم مذاکره‌کننده با توضیحات خود حل کرد. حمید قنبری با ابراز اینکه «امریکا باید از منافع توافق بهره‌مند شود»، بسته‌ای پیچیده در زوروق را باز کرد که در آن خامنه‌ای و شُرکا «نفت و گاز، میادین مشترک، سرمایه‌گذاری‌های معدنی و خرید هواپیما» را به دونالد ترامپ عرضه می‌کردند. مقام یاد شده برای اشتها آور تر کردن این هدایا، فراموش نکرد که وعده «بازده اقتصادی بالا و سریع» را هم به آن اضافه کند.



یک منبع مطلع ضمن تأیید این خبر به گُرَدِپَا گفت: «نازنین زهرا صالحی» احتمالاً در روزهای ۱۸ یا ۱۹ دی ۱۴۰۴، در جریان اعتراضات مردمی کرمانشاه و در داخل یک پارک، هدف شلیک مستقیم نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار گرفته و جان خود را از دست داده است.

به گفته این منبع، این نوجوان سال‌ها پیش پدر و مادرش را از دست داده و تحت سرپرستی خاله‌اش زندگی می‌کرده است.

اکنون چنین می‌نماید که «ابتکار» رشوه دادن به ترامپ و پراکندن بوی نفت و گاز زیر بینی وی، بی‌نتیجه مانده و رییس جمهور «معامله‌گر» آمریکا تحفه‌هایی که «رهبر معظم» عاجزانه به او تقدیم کرده را کافی ندانسته است.

نقشه ناکام خامنه‌ای برای بده و بستان با ترامپ، پیش از هر چیز سیاست ثابت وی و دستگاه تحت امرش را در مدیریت بُحران‌هایی که به‌پا می‌کنند، با تأکیدی دوچندان به پیشاپیش صحنه آورده است. آنها حاضر نیستند حتی یک پول سیاه از جیب گُشاد خود هزینه این بُحرانها کنند. در عوض بی پروا و با گُشاده‌دستی از منابع همگانی و منافع ملی خرج کرده و با نعلین و چکمه آن را لنگدال می‌کنند. دستگاه حاکم پروژه‌های هسته‌ای، موشکی و نیابتی که بقایش را بر تخت قُدردت و ثروت تضمین می‌کنند، کنار نمی‌گذارد و در عوض با کمال میل حاضر است ثروت و داراییهای مردم ایران را برای حفظ آنها به حراج بگذارد. روشن است که معامله از موضع ضعف و تنگنا، یک معامله فاسد، نامتوازن و سراسر زیان برای طرف ضعیف است. نکته رضایت‌بخش در این دادوستد برای آخوند حاکم و زیردستانش این است که آنها نیستند که مَتَضَر می‌شوند، بلکه هزینه به حساب دیگران و در اینجا مردم ایران نوشته خواهد شد.

هنوز برای گُرَدِپَا مشخص نشده است که برای تحویل پیکر این جان‌باخته، مبلغی از خانواده دریافت شده یا آن‌ها مجبور به امضای تعهد کتبی شده‌اند یا خیر؛ با این حال، پیش‌تر منابعی به گُرَدِپَا گفته بودند که نهادهای حکومتی برای تحویل پیکر جان‌باختگان در کرمانشاه، مبالغی بین ۷۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان از خانواده‌ها دریافت کرده‌اند و خانواده‌ها برای تحویل پیکر ناچار به پرداخت این مبالغ شده‌اند.

<https://kurdpa.net/fa/news/2026/01/121>

خامنه‌ای پس از خفت تن دادن به مذاکره، چیزی که وی آن را «غیرعقلانه، غیرهوشمندانه و غیرشرافتمندانه» خوانده بود، یک گام جلوتر رفته و تن به خواری بیشتری برای حفظ داشته‌هایش داده است. او پس از دادن باج و خراج به روسیه و چین به این منظور، اکنون سینی تحفه به دست، به ترامپ چشمک می‌زند. «ابتکار» خامنه‌ای بیش از همه آشکار می‌کند که او تا چه اندازه رژیم‌اش را در آستانه سرنگونی می‌بیند و چگونه برای جلوگیری از آن کوبه هر دری را می‌کوبد و هر ذلتی را به جان می‌خرد.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۹ بهمن

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

**NABARD - E - KHALGH**

No : 499 /20 February 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

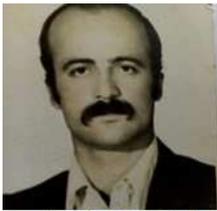
E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard\_khalg --- [https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

### شهیدان فدایی در ماه اسفند



رفیق علی فرهادی

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - علی اکبر صفایی فراهانی - غفور حسن پور اصیل - احمد فرهودی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی مسچی - محمد هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی -

مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سولانی - حمید توکلی - غلام رضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - عبدل مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمد علی تقی زاده چراغی - اصغر عرب هریسی - اکبر موید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - محمدرضا کامیابی - مجتبی خرم آبادی - ابراهیم پور رضا خلیق - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - جمال الدین سعیدی - هوشنگ پورکریمی دریاکناری - عبدالرضا کلانتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمد رضا بهکیش (کاظم) - یدالله گل مژده (نظام) - حمید آزادی - جعفر پنجه شاهی (خشیار) - محمد علی معتقد (امیر) - حشمت الله شهبازی - زهره حاجیان سه پله - جواد غفوریان - محمود محمودی - جلیل حواری نسب - فرزاد قائمی - سعید عقیقی - علی خلیقی - هوشنگ اقبالی - عبدالرحیم (غزالدین) صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهالدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - قنبر پیشدست - ناصر نجم الدینی - داود امیر احمدی - هاشم احمدزاده - شاپور تقربی - حمید رضوان - شهره صبوری - علی رضا ظریفی بامیان چوپرداری - یعقوب شکرالهی (عباس) - محسن جیبیان - فریبرز (فرشید) کشاورز - رضا حشمت زاده - مهشید معتضد - امیر اصغر نژاد - فرامرز باقرپور - فرمان عظیمی - علی اصغر زندیه - حمید آقوردی زاده - غلام رضا باقری آق بابا - علی رضا باقری - فریده یوسفی - غلام راستا - حسن پایدار - سهیل جهان ستان - علی فرهادی - قدرت الله مددی دارستانی - غلام کیانزاد - محمدرضا علی مددی - کاوس طور سوادکوهی - منوچهر ممیز - محمد حسن شریعتی - کاووس گلابوند - سید پرویز لسان - علی (فرزاد) بیگلری - عباس چمازکنی - فریدون کهزادی - حسین چرخیان - قدرت الله ارجمندی - ابراهیم تولایی - محمد رضا راستی - رضا سیدالشهدایی - حشمت خداداد - منصور حبیبی زاده و ... طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

### یادواره شهیدان فدایی: رفیق اصغر عرب هریسی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

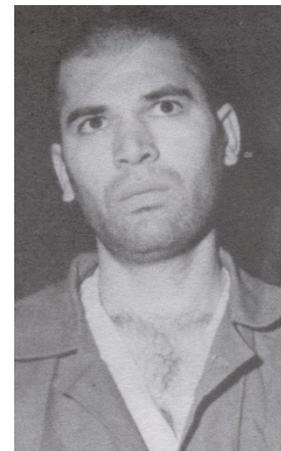
دهقانی به عضویت یکی از گروههای تشکیل دهنده سازمان در آمد.

رفیق اصغر کارگر رنج دیده ای بود که در طی زندگی کارگری و در تماس نزدیک با توده های مردم همراه با کسب آگاهی انقلابی به این آگاهی رسیده بود که مشکل کارگران این یا آن سرمایه دار نیست بلکه مناسبات ظالمانه ای است که سرمایه داری نام دارد و تا این مناسبات پا برجاست زالو های سرمایه دار را باز تولید می کند تا خون کارگران را به شیشه کنند، او با آموزش از معلم انقلابی اش یقین داشت که برای رسیدن به دریا باید خطر کرد و همچون ماهی سیاه دانا خنجر برگرفت. از این رو وی از آغازگران مبارزه مسلحانه علیه نظام سرمایه داری استعمارگرانه حاکم بر ایران شد و در همین راستا یکی از اعضای تیمی بود که در ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۹ جهت به

دست آوردن اسلحه و گسترش مبارزه مسلحانه، کلانتری شماره ۵ تبریز را مورد حمله قرار داده و "مسلسل پشت و پتیرین" را مصادره نمودند تا به رهنمود های معلم بزرگ خود جامه عمل ببوشانند. به این ترتیب کارگر انقلابی، چریک فدائی خلق، رفیق اصغر عرب هریسی با نشان دادن راه مبارزه قاطع با دشمنان طبقاتی به هم طبقه ای ها و دیگر توده های ستمدیده ایران تا لحظه اعدامش در ۲۲ اسفند سال ۵۰ به دست جلاخان رژیم شاه به تعهدش به آرمانهای طبقه ای که به آن تعلق داشت، استوار ماند.

منبع: سایت سیاهاکل

رفیق اصغر عرب هریسی سال ۱۳۲۶ در هریس از روستاهای منطقه سیلان متولد شد و در کودکی با صمد بهرنگی معلم روستا آشنا شد. داستان «سلام آقا معلم» نوشته رفیق مرضیه احمدی اسکویی برداشت از زندگی رفیق اصغر عرب هریسی است.



جاوید نام اصغر فرزند رنج و کار بود. از کودکی،

چه زمانی که در روستا زندگی ساکن بود و با قالی بافی و چوپانی برای ارباب ده کار می کرد به تامین زندگی خانواده یاری می رساند و چه زمانی که در تبریز به کار ساختمانی و لبو فروشی روی آورد و مدتی نیز در محله های کارگری تبریز بساط کتاب فروشی راه انداخته بود تا ضمن تامین زندگی خود از آن طریق بتواند هم طبقه ای هایش را با اندیشه ها و آرمانهای ضد سرمایه داری و کمونیستی آشنا سازد. اصغر، یکی از شاگردان معلم انقلابی، رفیق صمد بهرنگی بود. لذا از کودکی و در روستا از معلمی که به

وی عشق می ورزید آموخته و فرا گرفته بود که باید آموخته هایش را در زندگی اش به کار گیرد. رفیق اصغر عرب هریسی پس از سفر بی بازگشت صمد به قره داغ و مرگش در رودخانه ارس، در مکتب آموزگاران انقلابی چون رفقا بهروز دهقانی، کاظم سعادت و علیرضا نابدل درس مبارزه یاد می گرفت از اولین مبارزینی بود که از طریق رفیق بهروز

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم